

دبا از جنم نعاشا
آیین بردگو

- گزارش و پرسنی
- یا بان عصائزگی در میان
- داشتگویان امریکا
- تندید جلت در هشادچین ...
- وقت خواهود آمدی تو دیوبی
- به سرف برگزار
- شیطان در میان ملل گوناگون
- کوتوله‌سی در خاور میانه عربی
- روزرورز: بازار گز فویسال
- آسایشون شک قرسودگی
- در درادا

- تلویزیون و ارتباط جمعی
- پارک آشت پیرور مدنده از کست
- مجلس رادیو تلویزیون حملی
- ایران
- سازمان «برنامه من در تلویزیون»
- ینچه سال بی می
- تلوزیون در خانواده و رادیو تو
- رادیو و تلویزیون از مردیع
- در تلویزیون و رادیو
- یستان تلویزیونی برای نشانه

تاریخ و تمدن
سرگذشت انسان

- هن وادیات
- لکته هایی در داروهای تاخته بست
- هزاری
- مشت در هزار
- شعر امروز دایا - جمود
- سیاهاریس
- هر هنادن در چیز

- داستان
- و گلبهای آنی
- چون برآمد، چون ماهشی
- (آفاهه علی)
- چون رسشن سرخ (باورقی
پلیس)
- خاطرات آدم (قسمت آخر)

موسیقی

تاتن
در جهان تاتن

کتاب

سینما

تماشای نوچوانان

گوناگون
مان یورده
جدول کلمات متنام
و از این حرفاها...
نکته از حصار گوشه های

آقای تماشا



پنجهشنه ۲۶ فروردین مصادف با رحلت
حضرت محمد (ص) پیغمبر اسلام و وفات امام دوم
شیعیان، حضرت حسن بن علی (ع) و جمعه ۲۵
فروردین - ۲۹ صفر - مصادف با وفات امام هشتم
شیعیان، حضرت علی بن موسی الرضا (ع) است
«تماشا» به معهم مسلمانان و شیعیان جهان بویژه
هوطنان گرامی تسلیت میگوید.

- ٢٨ - صفر

فاجعه در فارس

صیغه دوشهیه این هفتة، خشم طبیعت بار
دیرگاه هموطنان ما را داغدار کرد. زمین لرزه‌هاران،
فاجعه غبایبی که تعدادی از هم میهانان باواریکام
مرک کشاند و عده کثیری را بیغانمان ساخت،
تالار شدیدی را در سراسر کشور پر انگشت و مردم
همه کشورهای جهان را به همدردی خواند.
ما ضمن ابراز تاسف و اظهار همدردی با
ذلکه زدگان استان فارس، امیدواریم دست باری
هموطنان نوهدوست التیسامبعش قلب شکسته
با زاندگان قربانیان این فاجعه بشود.

عشق در هنر

از این شماره بحث و بررسی جالبی را
زیرعنوان «شق در هنر» آغاز میکنیم که
روشنگر گوشه‌های دل انگیزی از تاریخ هنر
و تأثیر عشق و دلدادگی در زمینه‌های مختلف
هنری است. روی جلد این شماره نیز - که
تابلویی از لوکورث (Antonino Allegri) است و صحنه‌ای از
عشقیازی‌های ژوپیتر رانشان میدهد - بهمین
مناسبت انتخاب شده است.

WILLOW

صاحب امتیاز و مستول : رضا قطبی زیر نظر: امیر جنگیان مطرح و کنلیم: گروه امنیتی تعاشر زیر نظر قیاد شیوه
تهران.

«آئین بردگی»

نی الوده را به محضر عیسی اوردند تا برای سنتکارانش رخصت عیسی مخالف نبود، اما، گفت آنکه هر گز که نکرده است میتواند بسوی مجرم رها کند و این فرمان، فرمان آزادی آن زن نیز مردم هریک به تنها مخصوص استند، اما، افکار عمومی در جمع خوبی هاست: یا بینالگاهی افکار عمومی جهان از سایتش خوبی نباشد، شد میکند؟

و زگاری انسانها خواجه و بردۀ بودند، هر خواجه پرده‌ای داشت، پرده‌گان افزایش شرف خواجه‌را موجب بود؛ یا بینهمه قلمرو پرده‌گی، از خانه خواجه بود.

برکت علم دنیا کوچک شد، شهرها و کشورها یهیم نزدیک و نزدیکتر
آنین برده‌گی نیز تکامل یافت و اینک قلمرو آن مرزهای کشورهاست:

دیگان نیز افکار عمومی دارند در جمع، خوبیها را ستایشگرند زیرا خوبی‌ها از خصائص افکار عمومی است و هر کس که می‌غواهد افکار

که بینیشند و دیر گفته اند. از این میان اینکه این اندیشه را تعریف می کنند:

میان این گروه، چند ملت در اثر تعریف به والاترین مقام رسیده‌اند
مکوت مغضّن؛ دنیا از حاشاًن بی خبر است و خیر گزاریها نمی‌توانند
را پیگیرانند حتی آدمی از خود می‌پرسد که آیا این برده‌گان با درویشان
که پیکاره راضی و موافقند تظاهر و می‌ستنکند نداورند آیا حاده
تولید و یا چاهه قطار و سیلو و آفت نیز نداورند؟ درویشان سکوت
برتر کموسیم توanstه‌است با اختیاط آهینه‌ی به سکوت لایزال
نانه و اناهیه راجعون.

همین گروه (۱) ملت‌هایی هستند که هنوز برای همیشه خاموش و آخرین فرداشتن گمگایه به گوش می‌رسد، یه گوش ملت‌هاییکه در ولناک اندانهای فولوا را شاهر گت خود روز نزدیکتر می‌اند از هول جان کفت سهادنگیکه می‌اند انداندندن

گروهی که حق دارند بیدشتمان تا آنها که ناشای بردهدار به خطر
نشینی برخلاف گروه نخستین که وظیفه دارند شلاق بردهدار را با
ترننسونال پاسخ گوئند و گاهی نیز در زیر ضربه
تالا کنند. اینجا اینکه

شان تکند چنانکه یک شاعر عایقیند تیر گفته است که بسترن
ن سهر یارترین آنها هستند زیرا اینین برداری را درجهان پرداز می-

نمایم مه کاهی افشار عومنی جهان از ستایش خوبی نیز احساس نمود و پرای ووش شدن، یک منعنه بودست دادیم و آن داوری درباره هزاری استعمال شرق، یک بست است که دیگری خوبت نداشته باشد؟! در خاورمیانه و مناطق دیگر جهان با تأسیف ناظر این دو نو عدای دارند

جامعه ما که دور از تظاهر و شعار در طول تاریخ از اقدام و حشمتی داشتیم، این را می‌دانیم که در این سرزمین ها کسانی کارشن جدال و مباحثه در انتخاب یکی از دوراه «برده شدن» تا سف دیگر آنکه «روشنگران بی فکر» در این سرزمین ها کسانی کارشن جدال و مباحثه در انتخاب یکی از دوراه «برده شدن»

ریج برده‌ایم و بدانها تمدن آموخته‌ایم روشنگران راستین چکونه
ما واهی جز راه پیروزی افکار ملی و بهادرساندن نهضت فکری

به افکار ملی راهی در پیش‌دارد؟

بازگشت پیروزمندانه‌ی ارکستر
مجلسی رادیو تلویزیون ملی ایران
از اروپا

آشنایی با پروژه مقصودی دو مین برنده مسابقه «تماشا»

هفته گذشته خانم فروغ بعر العلومی یکی از پیرترینه سری اول مسابقه «برنامه من در تلویزیون» را در مجله معرفی کردیم و لاید در برنا شما و تلویزیون هم شاهد اهدای جایزه ایشان بودید.
این هفته برنامه دیگر مسابقه یعنی آقای پرویز مقصودی دانشجو سال سوم دانشکده حقوق دانشگاه نیز پدیده مجله مراجعته کرد. آقای مقصودی برنامه ای ذیر عنوان «محاکمه» پیشنهاد کرده بود که هیات داور مسابقه اخراج شایسته دریافت جایزه دههزار روپایی تماشا تشخیص داد... آن در ذیر میاید گفتگویی است میان خبرنگار ما و این پرتره باذوق مسابقه ثانیا:



A black and white portrait of a man with dark hair, wearing a dark suit jacket over a white shirt and a patterned tie. He is looking slightly to his left with a neutral expression. The background is plain and light-colored.

برنامه من در تلويزيون

برندگان این مسابقه:

- ۱- ده هزار دیال جایزه نقدی از مجله تماسامی گیرند.
- ۲- یک موقعیت استثنائی برای همکاری با تلویزیون ملی ایران به دست خواهند آورد.

برنامه‌هایی که به هیأت داوری فرستاده شد

- برنامه هایی که به هیات داوری
فرستاده شد

 - «جلب تک» که برنامه ای متوجه
از تکه های جراید، مجلات، اکاتها و
مقداری اطلاع مفید و جذب خوب کوکون
و شعر و ترانه و تصویر و... از آقای
هایلین حامی - آبادان.
 - «فکاهی گله» برنامه ای برای
دانسته ای از آقای محمد شد
زندگانی و فکاهی علمی است از آقای قورج
آزادار - تبران.
 - «دانشگاه و مدرسه» برای راهنمای
داوطلبان تحصیل در دانشگاه از آقای محمد
رفقا فوری - تبران.
 - «همه باهی» باشرکت بجهه ها و برای
جهه ها سه دوره کارکرد علمی، مهندسی و
غیره... از خام کارکرد عرضی - تبران.
 - «بیترین فلم و عکس ها» که از این
از فیلم های کوتاه و مکالمه های اسلام دیده های
خوب عکاسان و فیلم سازان ایرانی در ماه
کردند. از آقای دکتر عزت الله زنگنه -
کرمانشاه.
 - «صریح کار سیاهی» سریال از فالنتین
یک سیاهی در یک و نیمسا و روستاییان
و ماجراهایش. از آقای پرویز تیموریان -
خران.
 - «داغ ختر نشست» سریال از یک دختر
زشت و ناقص و ناراحتی هایی که در اجتماع
برای او فراهم می اورند از آقای ارسلان
نامداری.
 - «رجلی عیاد» در فصل از سریال سرکم
کهندی بر پایه نطالب علمی فضایی. از آقای
میرهدات حصاری - تبران.
 - «سیمیگی آزاده» برنامه ای در محبت
مرفی فلم ها و فیلم سازان سینما از آزاد.
 - «پدران و فرزانان» برنامه ای از آقای
شنان دادن فضای تسلیحه ای از آقای جواد جعفری
پیشه - اصفهان.
 - «فن بینان» برنامه ای برای
کردن جوانان به فن بینان، موزیک و
از آقای محمدعلی بیانی - آزادی - تبران.
 - «میراث ایرانیان» برنامه ای در محبت
از خانم آزاده هرجان - اهواز.
 - «ماجراهای ملطفی خان» داستانی

- **شکوههای استعداد** / برنامه‌ای برای معرفی هنرمندان آمازون. از آقای سیروس رسنگار - شیراز.
- **ماموریت** / سریال پلیسی. از آقای رضا رشدی - تهران.
- **مسابقه قویان** / طرحی برای اجرای یک مسابقه در زمین قویان. از آقای محمد رضا حیدرزاده - تهران.
- **شکوههای شکسته** / برنامه‌ای که به مردم درس اخلاق و ادب خواهد داد. از آنام زهرا اوزوچی قیداری - تهران.
- **آج چو اوان** / برنامه‌ای که از خودشی که در شیرین رخ مندهد و به پیارستان من انجامداد. از آقای بهرام اتفاق.
- **نامه‌های دیگر**
- **پیشنهادی برای پخش برنامه مذهبی یکن از سماح تهران از آقای ایران نژاد یعقوبی - تهران.**
- **فیلم و زبان** / شان دادن یک قسمت از یک فیلم معروف به زبان اسلی و درایران صحبت دیواره لغات و اصطلاحات آن برای علاقمندان آن زبان. از خانم سادات رضوی - اصفهان.
- **فضل‌الله** / یک برنامه هفتگی کسر صفا با مقاطع از زندگانی‌های تلویزیونی خواهد بود. از آقایان روبک و وازنگیان گرگنگوریان - تهران.
- **هرچو اوان** / برنامه‌ای حاوی موزیک و نقاشی خاص جوانان از آقای ایرج افشاری - آدان.

- **برنامه های دوستی** که در زیر نشان شده اند معرفی داشت آموزان و دانشجویان ممتاز از آقای معرفی استنداری ناصری - تبران.
- **برنامه های انتقاد ممتاز از این اتفاق** معرفی شد. معرفی انتقاد ممتاز از این اتفاق جلوگیری از کسرتی این اتفاق از آقای حمیدنیا معرفی شد. معرفی انتقاد از این اتفاق جلوگیری از کسرتی این اتفاق از آقای محمد حسین پریاله - تبران.
- **کلاوس** تنبیه برقا ز از کارخانه ها و سایر صنعتی از آقای سیاوش الفیلیدی - تبران.
- **شهرمندان کوچولو** برنامه ای برای معرفی و تشویق کودکان هنرمندان از آقای جلیل ریاضی - تبران.
- **پلیس تهران** برنامه ای پلیسی و پی دری از آقای محمود صادقی - اصفهان.
- **سوری دیوانه** سریالی که مردم آن را دختر دیوانه است. هزار و یک شخصیت با اجرای ویژه کودکان از آقای اصغر شرف ازی - تبران.

- **آشنازی با مشاغل** / برنامه برای معرفی مشاغل و حرقوه‌های گوغاکون و طزیر کار صاحبان این مشاغل از آقای هنوزیر رضی‌زاده - تبریز.
- **بیشمان** / یک داستان اخلاقی برای اجرا. از خانم موبینخدت خوشست - خوشبین.
- **مشعر امروز و دیروز** / برنامه برای شعر امروز و دیروز از خانم شهلا آفکار - تبریز.
- **دیدای هنرپیشگان** / مصاحبه با هنرپیشگان مسنا و ناشی قسمت از کتاب *دیدای هنرپیشگان* از آقای احمد امیری.

داستانیان (۱۳۶۱) - مهدی‌الله عوادی (سریان)
شرایط مسابقه
 شرایط شرک در مسابقات را بارگذار
 یاد آور نمی‌شویم و از همه لغات دان انتظار
 داریم که قفل از نوشتن نامه برای ما باین
 نکات توجه کنند.
 شما میتوانید نظرنامه‌ای در تلویزیون
 داشته باشید؟ بسیار خوب، طرح برنامه
 خود را بنویسید و برای این پرسیدن، طرح
 برنامه شما و نقش کامل است که باین
 پرسشنها جواب کافی بدهد:
 ۱- نام و موضوع برنامه شماست؟
 ۲- در برنامه شما چه مسئلی مطرح
 میشود

میتوانید این امر را با این مدت یوپی
 پایانی.
 • **اسئمانی ایران** - نمایش مستحب
 از فیلم‌های خوب تاریخ سینمای ایران.
 از آقای فریدون فروغی - اصفهان.
 • **دوره گرد** - سریالی بر مبنای
 اخطارات یک رئیس شهرستانه درود کرد از آقای
 ابوالقاسم رضوانیزاده - رضوانی.
 • **مسابقه فوتبال** - مسابقه ای که دو
 دسته شرک کنند از یکدیگر سوال
 می‌کنند و جوا بی‌مدهند. از آقای منوجهر
 پرسیزاده - تبریان.
 • **هزارمندان نهنگ میرفند** - شرح حال
 هزارمندان زیبک ایران و جهان. از آقای
 مصطفی ناصی - شمس آباد.

- ۳- هدف برنامه شما چیست؟
- ۴- چرا فکر میکنید بروزگرانه شماجال د تماشای خواهد بود؟ کدام طبقه از مردم برنامه شما را خواهند پسندید؟ چرا؟
- ۵- نحوه اجرای برنامه شما چیست؟
- آیا مجموعه داستانی بی دری است: چند هفته طول میکشد؟ جمله تلویزیونی است: شامل چه قسمتیها است؟ بحث و گفتگو یا مسابقه است؟ شرکت کنندگانش چه کسانی هستند؟
- «قصدها» نمایشی از تضادهای اجتماعی. از آقای عباس یوسفی صدیق - تبران.
- «برنامه های قدیمه» پیشنهادی برای پخش مجدد برنامه های تلویزیونی سالیاری پیش به تقاضای تماشکران از آقای مختار شیخ تماشکران - تبران.
- «بدر یا غادر نفعو» گفتگو با پدران یا مادران نمودن از خانم صدیقه حقیقت - تبران.
- «از اوزویک من» برنامه ای برای

- ۶- بر نامه شما بجهه و سایلی نیاز دارد: در دور اجرا میتواند با در فضای باز: ضبط مفاظتی میشود یا فیلمداری یا زنده یعنی مستقیم پخش خواهد شد؟
- ۷- بر نامه شما به چند نفر مجری یا بازیگر از چه گروه منی و جنی - احتیاج دارد؟
- توجه داشته باشید که مدت بر نامه شما (بر نامه) از تیماسات تجاوز ننکد.
- تصویر دارای موریات من در فیلم های ایرانی از آقای ایرج افشار - اندیمشک
- قصه شعر: بر نامه ای برای معرف شعر ایران از گذشته تا حال، از آقای مهدی چشم - شیارز - خانلواده سر برای از روایت خانلوادگی از آقای فرامرز خدیبی - تهران.
- «باذر غفاری» نمایشنامه ای از زندگی باذر غفاری - از آقای محسن معابریوری - اران.

آنende اسم نویس کنند. این تحول را بهجه تغیر میتوان کرد؟ آدمهای خوش بین عقیده دارند که این خود دلیل دیگر برای طبیعت ایند. آمریکائی از آن جمیع حقوق را طبق انتخاب هم کنند که فکر می کند بدینوسیله بپرسی میتواند بدینگران کنم کند و جامعه است. بیرون بخشد. حرف ظاهراً فریندهای است. اما مناسفانه آمار خلاف این را گفتند. درمقاله ای که اخیراً در مجله معتبر «نویزویل» بهجای رسیده ثابت شده است که اکثر جوانانی که تحصیل حقوق می کنند، مثل قرمانان کتاب قصه منقش، پیچی خدمت به خلق، شیوه بدبست آوردن شغل را با حقوق خوب در مواجه هستند. و دانشجویان پرفسوری بزرگ هستند. زنگنهای ترجیح میهند پیش شافتان به میان قابل اجتماعات محروم و درمند، در شهرهای بزرگ و در بیمارستانهای بزرگ و مججز و با حقوقهای اگراف استخدام شوند.

حقیقت اینست که در اجتماع آمریکا حقوق و طب ذو شeste کامالا مطعن اینها میرود و در این راسته آمریکائی امروز، آمریکای کشوری است که هر روز ممکن است بای بحران اقتصادی شدیدی روپوشد. جگمه که یک جوان آمریکائی میتواند رشته مهندسی را انتخاب کند در حالیکه بیشتر خود عده زیادی از مهندسان را در حال تاکسی رانی

پیغوبی میدانند که علمی که دود می‌کنند
جیست و جه عاقوی باره و در مصرف آن
اعتدال و اختباط پیشتری بخچ میدهند.
حالاً دیگر استاد دانشگاه آمریکائی
در زنگ اول صبح با دانشجویان مبیوت و
خبرهای که با چشم اندازی بدون تکاه و بی‌فروغ
با او چشم می‌دوختند روبرو نیست. صرف
اول. ام. دی. تقریباً به صفر رسیده است.
 فقط هر چندی هر چندی حالت جوانان را
را آنهم پیشتر در میان جوانان ها خفظ کرده
است... برخیزه حافظت خویشتن صورت
قابل ملاحظه ای افزایش یافته است و دیگر
هیچ دانشجوی میل ندارد که با پیلس درینند
و در کارهایی که باور مربوط نیست دخالت کند
و سراسر کلاس‌هایها و زندانهای موقت دریبارد.
مأمورین پیلس لیز در مورد دو دکنده‌گان
ماری جوانان ساخت‌گیری سایر را بخچ
نیدهند و فقط با استعمال هرتوین به شدت
مخالفت می‌کنند. بهمنین جهت فیز غالاب
صرف کنندگان هرتوین اکنون به «جین»
روی آورده‌اند که هم پژوهش کرست و هم

نوشته: اریاک سگال ترجمه کتاب معروف «قصه‌های فیض»

- دانشجوی امروز امریکایی حرارت بیشتری درس میخواهد موهایش را کوتاه میکند، لباس مرتب میپوشد، کراوات میز نهاد و به ورزش علاقه نشان میدارد
- استعمال مواد مخدر در میان جوانان امریکایی بصورت قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است

This image shows a fragment of a textile, possibly a garment or a decorative panel. The main body of the fabric is a dark reddish-brown color with a dense, irregular pattern of small, light-colored speckles. In the center, there is a stylized, symmetrical motif in a lighter shade of red or orange. This motif features a large, bulbous shape at the top, resembling a head or a dome, with a smaller, rounded shape below it. The central area is decorated with thin, dark lines forming geometric patterns, possibly representing eyes or scales. The bottom edge of the fragment is a solid, light-colored band, which appears to be the hem or a contrasting binding material.

پایان عصیانگری در میان دانشجویان امریکا

و این تحول عجیب منحصر به داشتگاه بسیار مهی و معروف آمریکا یعنی بیل و بریستون و هاروارد، که محل تحصیل برگزیدگان است، نبود. در آئسوی آمریکا در داشتگاه برگزیل نیز اوضاع برخیمن بود. و داشتگاه برگزیل همینه یک جنجالی بود. داشتگاه برگزیل توچوان آمریکا موقعي که سایر داشتگاهها در آن سرمایر برگزید در برگزیل هر روز نفعه تا ساز میشد... البته هنوز هم درگوشش خوبانیها باین شور همیش هاد میزند جلوی در داشتگاه جوانانی که دیگران رفتن به داشتگاه برختر میدارند، مخصوصانی هستند. اما دیگر متعاف این خردباری ندارد و همان داشتگوهای که چندماده پیش دور آنها حلقه میرند و همچنانی میکردند اکنون نه تنگاه بسوی ایشان نمی‌داشند. آنها با کتابخانه قطعی‌ریز که بزری بغل دارند به کتابخانه تاکتیکی تازه‌ای بگیرند...

چین به نظر مرسد که داشتگاه آمریکائی به دنبال بک دوران پر تحریر و اکنون تصمیم گرفته اند خستگی در کار اما این خستگی در گردن تاکی طول کشید و آیا این آرامش را نسبتوان یعنی نهانه آرامش قل از طوفان تلقی کرد؟ آدمیانی که خوشین ترنده و برا فضیه‌ای ساده را نمی‌دانند و می‌جوند می‌سازند ویمه و سوت ظاهر نیز رهبران این فضیله‌ای: گروهیان موذیان، همای اتفاقیانه و میتوانند سال پیش را از قفسه‌های یستیزوند خلاص گرفته بیرون می‌کنند و تعریف موهای سرجوانان کوتاهتر و تیزتر می‌باشند، سلمانیا و دوخته فرشتگانه و حال رشکستگی بودند بارگزیر و مرتکب بازمی‌بایند و قسم اغاظه تظاهرات بهفع داشتگوهای تسلیک میدهند، همان داشتگاه که در رسالهای اخیر بپشت باهله این زده بودند. حال دیگر داشتگوهای آمریکا حتی کراوات‌هم می‌خرنده و به اتمامی رگی می‌بروند. سالات برگزایر رگی رسم سال‌های ۱۹۵۰ است که مثل جند سال اخیر بدان روزهای شنبه، داشتگوهای پدر و مادر بازهم داشتگوهای آمریکائی شرکت خورند. حالیکه در جند سال اخیر بدان روزهای شنبه، داشتگوهای پدر و مادر اینها می‌کنند و تنهای مشروطی که خودشان بود شراب بود. ولی این روزهای در میان «چین» می‌لوشند و بیجای آنکه عکس‌هایی خود فقط مواد مخدّر اینها می‌شوند که همینه اینها را که در بین‌های اینها و زشتی را که با درین‌های اینها همی‌گذرد فتنه‌ای می‌گفتند تعماشان کنند. هم‌دیگر خیزد و خیام بحث می‌کنند. البته حالم کم‌ویش علفه دو کنند. اما اینکار که تا چندی پیش و تقریبی رایج و باب زمان در آمد بود صورتی کاملاً افزایی و خصوصی و میدانی کرد. است. دیگر کسی بهداشت اعلف افتخار نمی‌کند. آمار مصرف کار مراتب پارهای جوانانه که تا حدود فضفاض داشتگوهای آمریکائی رسیده بود این سی درصد منجذب است. و این عده در ماه مه سال ۱۹۷۰، کتابخانه داشتگاه معروف «بیل» Yape آمریکا هدف حمله گروهی از داشتگوهای قرارگرفت. یعنی به کتابخانه اندادختند که خوشبختانه فقط در حدود هزار جلد کتاب را زان بین برد. از همه جا خشم و عصیان می‌جوشید. قرار بود پیروزی عده‌های از رسمندهای جمعیت (دشمنان سیاه) محاکمه شود زیرا از جند ماه قبل مرکب جنایات متعدد شده بودند. داشتگوهای سیاه که هر نوع فعالیت داشتگاهی موقوف شود می‌خواستند با این اقدام مراتب هم‌دری و هم‌ستک خود را نسبت به گرفتارش دشمنان ایراز کنند...

در شش ماهه دوم امسال، یکبار دیگر کتابخانه داشتگاه بیل مورد حمله داشتگوهای قرار گرفت. اما این بار علت حمله آن بود که داشتگوهای میخواستند کتابخانه در تمام مدت یستودچاریات شمارباز از ماهان کاملاً چوناکی احتجاجات و تبعی ایشان باشد و فرمت پیشتری برای مطالبه و اسناده ایشان را کتابخانه در اختیار گذاشتند. میزان ساعات مطالعه هر داشتگو در کتابخانه نسبت به سال قبل دو برابر شده بود و در تمام ساعتی که کتابخانه باز بود تقریباً تمام میز و صندلیهای آن اشغال بود. نه برای حرفزدن یا عنصریزی، بلکه برای کارکردن... قیافه‌ها جان جدی بود که حتی لبخندی نیز بولی دیده نمیشد.

این تحول شدید منحصر به داشتگاه بیل است. هر گوشه آمریکا چین است. تا يك سال پیش وضع چنان شده بود که در نظر داشتگوهای، داشتگاه محل بی‌عسرف و بدون قیاده‌ای بود که می‌باشد هرچه بودتر درهای آن را پست. امزور گاملاً بر عکس است. در نظر آنها، اکنون چیزی مهتر و عزیزتر از داشتگاه وجود ندارد... تا یکمال پیش پیامیت هریش آمریکا داشتگوهای از حضور در کلامهای درس امتحان میکردند: بعنوان هم‌دری با افراد گروه پلکان، سیاه، بعنوان تظاهرات بهفع صلح، برای راهیمانی روپ و واشتن کی بعنوان اعتراض به جنگ و بنیان.

در بیان سال ۱۹۷۰ در بریتانیا چین پیش‌بینی میشکد که در تأمین مددگاری داشتگاه را ترک کنند تا فرصت کافی برای سرکت در تظاهرات و اجتماعات انتخاباتی داشته باشند. اولیاً داشتگاه برای آنکه در مقابل عمل انجام شده قرار نگیرند پیش‌بینی می‌کنند که از دو هفته قبیل از شروع انتخابات، کلامهای درس تعطیل خواهد بود. اما فوایر فراسید و موعد انتخابات شد و تعطیل هیچ کلامی تعطیل نند بلکه حتی یک داشتگو نیز بیست نکرد: آنوقت یکبار دیگر این گفته قدری مصدقای پیدا کرد: «هرگز در بیان میتوانی عکس اصلی داشتگوهای را در فصل بالاتر پیش‌بینی کرد». شاید علت این بود که تایستان سخت و طولانی، فرسنی پیش از آورده بود تا داشتگوهای پیش با واقعیت سخت زندگی تماش حاصل کنند.

هیچکس بدربستی نمی‌داند که چگونه و چرا جنین شد که با پایان مسیدن تائستان همه داشتگوهای آنطور آرام و بی‌سر و صدا به داشتگاه باز گشتد. اینکه اینها معلمایی فروزاند انتراض و عصیان جای خود را برای راهگاهی ملایم مطالعه داد. دیگر از کوتک مولوچ خبری نیست. نقشی می‌باشد که جراغی ای کوچک نهادش را روشن کند.

سوسایلیم را نمی‌توان در ویتنام جنوبی بیرون رفایت اکثر مردم این سرزمین برقرار کرد. گذشته ازین ها نیز با وجود عوچلاه دویخت و نیتان موافق نیست. این طلب را دنبورک تایم روز ۱۱ فروردین از قول دون از شخصیت‌های سیاسی برجهشت و نیتان شما نقل کرده بود. در آن زمان آمریکاها، اگرنه مدارا وی پذیرشان و نیتان شما میکردند. غیرنظامی و نیتان شما میکردند و عملکردند که این را بسیار بزرگ می‌دانند. خانم قیمین وزیر خارجه حکومت وقت و نیتان جنوبی - بخش اجرائی چه به آزادیخواه می‌باشد که بخش نظامی و نیتان که نامیده میشود - برغم تعطیل کنفرانس به پاریس آمدند.

هوآنک توونگ سردار فاندان من اول را با شنیده تلفظ کنید - سردار ارکان حزب کارگران و نیتان شمال -

حرب کمیست - گفتند: «ما واقعین هستیم و میداییم که قادر نیستیم نیروهای رقیب را بسرعت و سادگی درهم شکنیم».

توونگ افوهه بود: «استقرار سوسایلیم در ویتنام جنوبی بدن جلب رضایت مردم آن مقدور نیست و اصولاً هر زیم هنکام در یک کشور ریشه میکند که دست کم مورد حمایت بین‌المللی شناخته درصد می‌گیرد آن کشور باشد. ما بدانم که در ویتنام جنوبی جناب-

های سیاسی متفاوتی وجود دارد - جن-

دار و دسته وان تیو - کمیستها و بیازین

پکدازیم».

تعییر وضع

تشدید جنگ در هندوچین، ممکن است به توافق در خاورمیانه عربی کمک کند

از: دکتر منصور مصلحی

کمیست بودند، یا لاقل و اندود میکردند هیچ‌گاه بینک و داشتکن اجزاء خواهد بیشین شده رخ نداد، شاید بدیل اینکه میکنند و با رویداد کردن این انتشار اینکه مومن نیزه از جمهوری هندوچین به توافق بر سند و لاجرم منافع میکنند. میان بود، پس از پایان سفر نیکن بینک، ادامه شدید جنگ شوری دخالت مستقیم داشته است. روز جمعه «ملوین لرد» وزیر دفاع

اختلاف شوروی و چین مانع برقراری صلح در هند و چین است

کیفت عکس جال لست. ولی از صحنه یک برادرکنی بیحاصل چین انتشاری نیتوان داشت.

جنگ و نیتان این تصور را از میان برداشت.

جنگ و نیتان این تصور را از میان برداشت.

استراتژی جدید

اینک تقویاً قلمی است که شدید

جنگ و نیتان

برنامه های ما را همه تعامل می کنند. از زن خانه دار
گر عادی گرفته تا استادان دانشگاه و روشنگران
و این موضوع ما را وایدراور که برname های خود
سطح عالیتری تهی کنم که در عین حال عالم بینند
می شوند. ما در تجربه تحریرات فراوان خود باین نتیجه
که یک برنامه مردم پسند نیاز دارد یاک برname
و احصاء های شناختی داشت... اما این اصلی است که ظاهراً
استاره ای از اینها کاملاً بدل ندارند.

خریراً بنابر تضمیم دولت اکسلستان، محدودیتی که
عدهات پخش برname های تلویزیون وجود داشت و آن
به ساعات شب و فقط یکی که در ساعت روز محدود
نمی شود است. این تضمیم به تهی کنندگان
های تلویزیونی B.B.C فرست خواهد داد که از
هزار شرکت برname های شبانه سازده در مقابل
بیش از ۲۰۰ هزار شعبه تلویزیون اکسلستان نیز مجال
برای پخش برنامه های از مسابقات فوتبال و
تنی و کشتی خواهد داشت و از این راه در آمد
که سبک خواهد کرد و برنامه های بهتری که طبعاً
مخابرات پیشتری است، ترتیب خواهد داد و رقابت
این سازمان خصوصی با سازمان دولتی B.B.C شدیدتر
شود.

اما بپرسید آنچه مسلم است B.B.C از این
وقایت و مبارزه نیز پیروزی یافت خواهد آمد و برآه
دانه خواهد داد... شاید آنطور که اکثرت قریب
ن توان اشخاص اکسلستان آفریکایی عقیده داردند تلویزیون
تئاتر این سازمان بینرین تلویزیون جهان بشناسد. اما محققان
یکی از منتقدان هنری روزنامه های لندن: «تلوزیون
تئاتر این در میان تلویزیون های جهان، کمتر از همه بد

که صرف عاهه بستند پاشد. گذشته از این B.B.C در مقابل یوپلی که همه ساله از تماشاگران بر نامه های خود میگیرد خود را ملزم میداند که جیز خوبی یه آنها بدهد. یکی از مدیران B.B.C چند سال پیش گفته بود: «مردم این بول را در نهایت اکراه میبردازند و حاضر نیستند در مقابل آن هر چیز مزخرف و بی اوژن را تعاشا کنند».

سطح عالی بر نامه های تلویزیون افغانستان، مدیون عوامل دیگر نیز است. از جمله اینکه بسیاری از هنرپیشگان و هنرمندان طراز اول تا تازه و سبزی افغانستان با شتاب آغاز حضور ترد در بر نامه های تلویزیونی کشورهای شرکت کنند. مدیر برنامه های تلویزیونی B.B.C میگوید: «این هنرمندان بخاطر بول پراغ ما نی اند آنها بدهند که مردان معروفی چون سرالک گینس شما پارها دیده اند که روشنگر و متعدد التکلیسی، در بر نامه های ما شرکت می کنند و مثلا قطعه شعری را می خوانند. ما در مقابل این کار بولی به آنها نمی بردایم. آنها این کار را می کنند برای اینکه از آن لذت می بردند.

برای اینکه خوشان چین خواسته اند».

عامل دیگر اینست که روشنگر و متعدد التکلیسی، برخلاف روشنگران فرانسوی و آمریکانی، تعاشاتکردن بر نامه های تلویزیون را بارگاه مهارت و غروری نمیداند. یک روشنگر افغانی بیز مثل یک فرد عادی یا تلویزیونی می شنید و بر نامه های آن را تعاشا می کند. خواه یک بر نامه معمولی و حتی بد پاشد و خواه یک بر نامه خوب و در سطح عالی... در حالیکه یک روشنگر فرانسوی یا یک استاد دانشگاه آمریکانی، اگر خیلی حوصله بخراج بدهد فقط بخش اخبار یا یک بر نامه صدر صد علیقی یا ادبی را تعاشا می کند و بطور کلی تعاشای بر نامه های تلویزیونی را کار زنان یک کار خاله دار یا کارگران و افراد معمولی می شمارد. مدیر بر نامه های تلویزیونی

بر قاعده بیمار جالب شش ساعته را تعاسا کرده اند که از افراد معروف «آدلوس هکسلی» بنام «دریچه‌ای در غزه» تپه شده است. و همچنین بر نامه دیگری از عنتیباریها ماجراهای کلازا تو پاسینه‌ها و پشتیواری عربان. یک دیگر از بر نامه‌های جالب تلویزیون افغانستان، شرح زندگی و افکار «کارل بوتک» روانشناس معروف است که در سه فصل تپه شده و از همه همیتر سریال عظیم «امیراطوری بر تپه» که مخارج تپه آن بات میلیون و دویست هزار پوند (در حدود بیست و چهار میلیون تومان) آزاده شده است. بر نامه‌های دیگر که از هم اکنون مقدمات آنها فراهم شده عبارت است از هم ایعاش ۳۶ قسمتی از روز مردم افغانستان معروف و پستون چرچیل بنام «تاریخ مردم افغانستان» بات تپه بسته قسمتی از کتاب عظیم چنگ و تپه. بات بر نامه بسته قسمتی از میزدۀ قسمتی مستند درباره تاریخ آمریکا به عنوان «آلستر کوه».

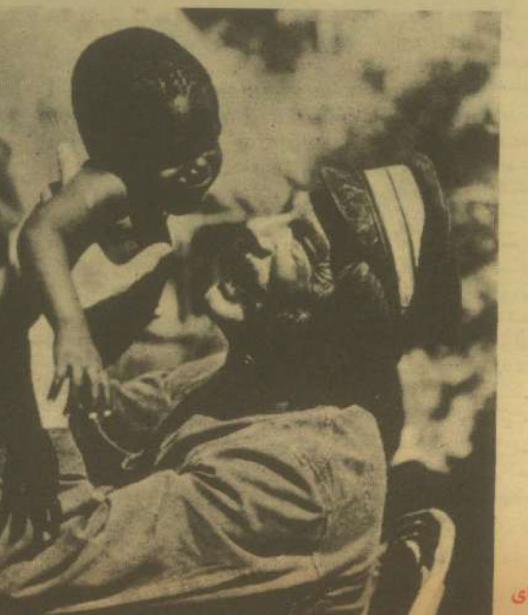
آنچه به سازمان تلویزیون افغانستان اجازه تپه چنین بر نامه‌های سختگیر و پر خوش را دیده، شاید در درجه اول چوچوتی تکلیفات و استغواه بندی منحصر بفرد این سازمان است. برخلاف بر نامه سوم تلویزیون افغانستان که بوسیله بات مؤسسه خصوصی تپه مشهود و مخارج آن باید از این اعلانات و امثال آن تأمین گردد، بودجه اصلی B.B.C را مالیاتی تشكیل دیده که مردم افغانستان باید نستگاه‌های گیرنده خود میری بازدازد و سالانه به مبلغ قابل ملاحظه سی میلیون لیره افغانی (شصده میلیون تومان) بالغ مشهود... داشتن چنین بودجه و اختیاری F.B.I. بقایه مسدود که بر نامه‌های تپه کند که در میان کارهای بروی مردم عادی بات جالب و سرگرم کشته است براي طبقه فهيمه و روشنگر نيز ديدن باشد. در صورتیکه مثلا بر نامه سوم تلویزیون افغانستان و همچنین بر نامه‌های تلویزیون آمریکائی براي تأمین مخارج خوش ناجاردن بر نامه‌هایی تپه کشند نمایش بدنه

مجموعه این اظهارنظرها به ورت جزی درآمد که برای مخالفان دولت محافظه کار ائلستان، برلهه ترین سلاح بود. جزی فناور بود که از نظر امنیت ملی مخالفان این انتقاد را داشتند. مخالفان حکومت محافظه کار فرست تازه‌ای برای کویدن رقب بدمست آوردند و حتی یکی از کلای غرب بحافله کار ساخت خود را «لرد هیل» نمی‌سازاند. تلویزیون تاخت و او را تمثیل ساخت که ازین به دادولت خبر نمی‌ترد. روزنامه کشیرالانتشار ادبلیو میرور «رسنامه خود را به بحث و اتفاق از این برناهه اختصاص داد و «لرد هیل» را مردی کوتاه نظر و کم املاع و بی خبر از اوضاع و احوال سیاست خواند. یکی دیگر از روزنامه‌ها به دولت پیشنهاد کرد که از این پس در کار پخش اخبار تلویزیون سائنسور برقرار سازد و لرد هیل را که در اثر گلنشت سالیان پیرو-کنده‌شده است از کار برکار کند و کسی را که خواست و پیش فکر کند بجای او بگذرد. در مقابل هله این اتهامات و هوژنجالیه، لرد هیل ستد از روشن آرام و متنی همچنین خوبی پرداشت. فقط بطور محترمه بخشمای داخلی صادر کرد که بیچوی آن خبر تکراران تلویزیونی می‌باشد. قبلاً اخبار و روزنامه‌های خود را نظر چند قدر از مدیران عالیرتبه بررساند و از این پس تیز هیچ خبر تکرار تلویزیون حق مصاحبه با سران یا افراد پایشان ایرلند شمالی را تغواهه داشت.

صرف نظر از این پیش آمد که شاید در دوران حیات پنجاه ساله B.B.C. کشیر ساقه داشته باشد، سازمان تلویزیون ائلستان همچنان به سیر پیشرفت و پیوپرور نامه‌های خوش ادامه میدهد. برناهه‌های مدرن تر و امروزی‌تر که بیشتر باب سلیقه نسل امروز باشد و تحقیق زندگی امروز را به مردم امروز یا مأوزد، در ماهیاتی اخر پیندان ائلستان تلویزیون ائلستان، یک

آیا تلویزیون افغانستان، بهترین تلویزیونیای جهان است؟ اگر این روزها این سوال را از ایک تماشای معمولی نامهای تلویزیون آمریکا بکنید باحتمال قوی با طبقت به شما جواب خواهد داد: بله! و علتش اینست که ای غال آمریکائیها این تصور وجود آمده که غالب نامهای خوب و جالی که در تلویزیون های آمریکا نان پیدهند یا مستقیماً از افغانستان وارد شده و یا از نامهای تلویزیون افغانستان یعنی بی.بی.سی الهم فرقه است. و این تصور است که بد میاري وارد حقیقت مدد. دو قاتر گترین بر نامه های تلویزیونی مریکا بنام مهد «در خواوده» و «سافر در پرس» از نامهای مردمیستند تلویزیون افغانستان اقبال شده است و در سطح بر نامه های مورده است افراد روشنگرتر فرمیده اند سازمان تلویزیونی N.B.C به نامه های تلویزیونی که در جست ش ساعت ساخت افغانستان برداخته است که «در جست جوی لیل» نام دارد و سازمان علیم دیگر تلویزیون C.B.S فیلم علیم تلویزیونی «شش همسر شش هشت» را که آن هم از بر نامه های تلویزیونی افغانستان است به تماشگران خود تقدیم کرده است. اکنون همان سوال را از طبقه فرمیده تر و پوشن- تکر افغانستان بکنید. جوایز بیمه به شما خواهد داد. اینست اینکه در این مورد مخصوص، اتفاقیهایی که عادات و رسوم افغانستان هایی خود را بر از آنجهد دیگران دارند داشتند که تلویزیونان پیشترین تلویزیونیای جهان باشد. و علت این امر اتفاقهای شدیدی است که اخیراً در آستانه پنجاهیه سالگرد تأسیس B.B.C نسبت به بر نامه های تلویزیون افغانستان بخصوص در زمینه اخبار آن شده است و در این مورد فقط مردم و مقننات تلویزیونی و زاده های افغانستان هستند که از حکومتی بخش اخبار و زور از های مریوط به خواهد چشم کردند که خود این اتفاق را داشتند.

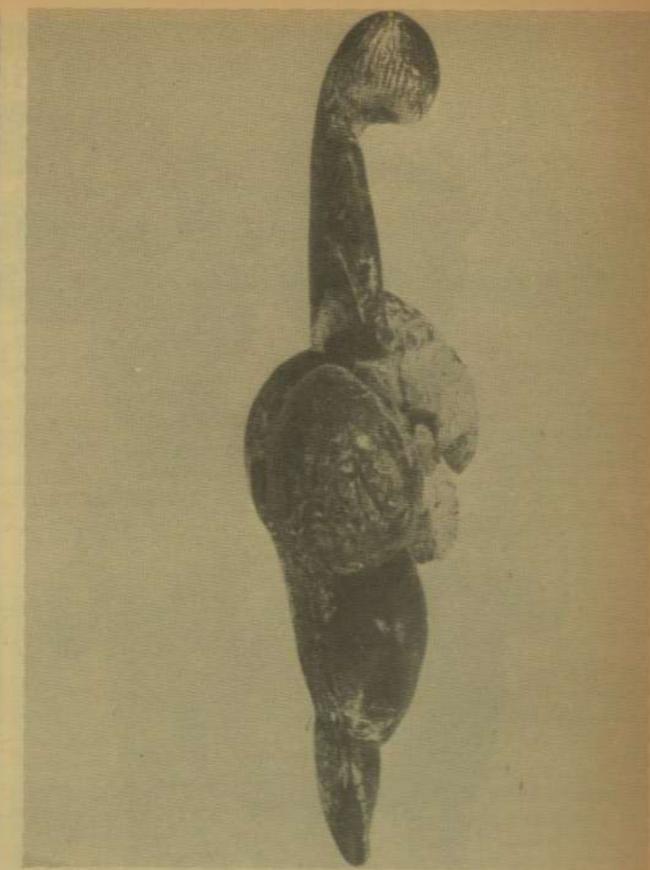
۵۰ سال بی. بی. سی



«نیل» یکی از مجموعه‌های مستندهای فارسی، پارسی، عربی



عالیمقام کاتب و همسرش هفت - هرس. مربوط به ۲۶۵۰ سال پیش از میلاد. نقاشی بر روی سنگ تراشیده شده به مطول ۴۸/۵ سانتیمتر. اصل در بریتانی میوزیوم. لندن.



تونس اسپوگت از دلاوران پالتوپلیتیک. بلندی ۱/۴. سانتیمتر. اصل در موزه دولوم پاریس.



نیز در آثار هنری یونان نادر است. به هر حال، نقاشی‌های روی گلدان استثنای براین قاعده‌اند: بیلاد. پروری قدری از سنگ سیاه به بلندی ۲۲/۵ سانتیمتر. اصل در بریتانی میوزیوم. لندن.

دیدار دلدادگان. مربوط به قرون ششم پیش از میلاد. در غارهای اسپانیا، از عصرهای تزدیک‌تر نیز رد پائی از زنان دیده می‌شود - غالب این زنان در نقش شکارچیان تصویر شده‌اند، اما از سر زندگی دکوراتیو هاری نیستند. نقشی بریک سخن‌نمایان دهندهٔ زنی است در حال گردآوردن مسل. اهیت است که بسیاری از تصاویر ارائه‌شده همراه این مقاالت، آنقدر عام است که در مجموعه‌های مربدم عادی نیز نسخ از آنها یافت می‌شود. از اوانه بجدد این آثار لاستریز بود، جرا که داشت ما از سیک و تجزیه تاریخی در زمینه عشق و دلدادگی در هنر، بسیار الک و ناقص است.

فراآوان ساخته شده است. در غارهای اسپانیا، از عصرهای تزدیک‌تر نیز رد پائی از زنان دیده می‌شود - غالب این زنان در نقش شکارچیان تصویر شده‌اند، اما از سر زندگی دکوراتیو هاری نیستند. نقشی بریک سخن‌نمایان دهندهٔ زنی است در حال گردآوردن مسل. اهیت است که بسیاری از تصاویر ارائه‌شده همراه این دگددار بدت دارد.

صریبها در ۲۸۰ سال پیش از میلاد، در دره نیل، نخستین هرم را برپا داشتند و هنرگیری ای معماری و مقبره سازی را پایه نهادند. نیم‌تنه سنگی نفرتیتی در کارگاه فرعون توتموس (Thutmose) نموده‌ای است باستانی از جاذبه و دل ربانی. رابطه بین وجنس نیز در پیکرهای مکان‌های مذهبی باستانی دیده می‌شود. ملکه‌ها و پادشاهان پیشوایی دست در آقوش در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند که نشانه اتحاد آن است. یک نمونه از جادوی در کار بوده است؟ در سال ۱۹۲۲ در منطقه اوتگارون فراتنه مسحه‌ای از عصر پالتوپلیتیک (دوران سنگی) بدست آمد که آن را تونس اسپوگت (Venus of Leopugue) نامیدند و پیکرهای گذارده است که او را از پیکرهای بانوان دنیا قدیم تعریف می‌کند، وی دختر شاهه‌هونی و زن اسطوره است، اما نوع سنگ کمازشی که در ساختن پیکره او به کار می‌رود نشان دهنده آنست که تولد و ازدواج وی در طبقه عوام سورت گرفته است.

آنطور که «می.ام. بور» در کتاب «تعریف سینه‌های بی‌تناسب، لب‌های کروکو و نکم - در روزگار ما فقط برای اظهار علاقه و یا تفسیر هنری و مشیارانه‌ای درباره زن و زنانگی بوده... پیکره کوششی بوده است در جهت نشاندادن پیکره زن ایدآل، یا نمادی از فراوانی، که با رنج یادداشت نویسنده.

تعریف عشق همانقدر غیر ممکن است که تعریف هنر، اما هنستایمکه فرهنگ آکسفورد و اژه دلدادگان را «زوجی درگیر عشق» تعریف می‌کند، کار را ساده‌تر از آنچه باشد می‌ناید. من در این مقاالت نهایا کوشیده‌ام که گلجنی شخصی از نقاشی‌ها و پیکرتراشی‌های مربوط به

عشق در هنر

از: جی. اس. ویلت
G. S. Whittet
ترجمه: مهرداد مهرجو



عنق، موضوعی است با جاذبه‌ای بی‌زمان و بی‌بایان که تخلی هنرمندان را از آغاز تهدن امیر خود کرده است. سلسله مقالاتی که از این شماره در مجله نشانه برای شما ترجمه می‌شود دیداری است گنرا از آثار عاشقانه نقاشان بزرگ جهان و نیز نقاشی‌های مربوط به عاشقان بزرگ جهان، که آقای جی. اس. ویلت G. S. Whittet نویسنده اصلی آن است. این دیدار از تصاویر عاشقانه پیش از تاریخ آغاز می‌شود و بنی از گذشته از فرون و سطح و شواهدی‌های معروف آن، دوران رنسانس، هر زگی - های پیش از اقلاف فرانسه و سنتیمانیسم جیش رعنایی را پشت سر می‌گذارد و بهتر با پا می‌رسد، درواقع، این سلسله مقاالت، تاریخی از هر تخلیه اشاعقانه پدیدست می‌دهد. در این مقاالت هنر نقاشی عاشقانه آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین و پویزه اروپا مورد بحث قرار می‌گیرد. زیرا که عشق یک زبان بین‌المللی است. دلدادگان در هنر، تجلیلی است صور از عشق.

آقای جی. اس. ویلت پیش از این سردیر استودیو و استودیو اینترنشنال بوده است. وی در سال ۱۹۵۷ را کتاب راهنمای ساده برای بازدید از مراکز هنری جهان انتشار داد و در سال ۱۹۶۹ نیز کتابی درباره روش و توشی اسکالنند منتشر کرد. وقت در حال حاضر خبرنگار هنری لووند در لندن است و از جانب مجله هنر و هنرمندان «آرتاند آرتیست» نیز به نایشاگاهها و حراج‌های آثار هنری می‌رود.

یادداشت نویسنده:

هر، اما هنستایمکه فرهنگ آکسفورد و اژه دلدادگان را «زوجی درگیر عشق» تعریف می‌کند، کار را ساده‌تر از آنچه باشد می‌ناید. من در این مقاالت نهایا کوشیده‌ام که گلجنی شخصی از نقاشی‌ها و پیکرتراشی‌های مربوط به

آثار
روان-تنی

اثر: انریک ملدون مارتینز
ترجمه: جمشید ارجمند

ناشی از تلویزیون

تلويزیون در خانواده و جامعه نو

- تماشاگران تلویزیون در تمام دنیا جمعیتی واحد را تشکیل می‌دهند
- تلویزیون یک ضمیر ناگاه دسته جمعی و متعدد شکل به وجود می‌آورد
- پیام تلویزیونی به نیروی تصاویر روی ضمیر ناگاه عمل می‌کند و قوهٔ متفکره را تغییر میدهد

هم می‌آورد. و یام تلویزیونی به یاری
تصاویر، مستقبلاً روی سبیر مفهول عمل
می‌کند، واز آنجا نه تنها زندگی ارگانیک
بلکه عملکرد فوه متفکره را هم تغییریم.
پختند. و می‌ذیلیم که حیات آگاه ذهن
در مقایسه با حیات قاتله آن فقط جزئی
کوچک است.
در يك روح دسته جمعی طبعی،
استعدادهای طبعی افراد، و ترتیج فردیت
آنها محو می‌شود. مختلف‌الجنسی، در
همجنسی مستقر می‌شود و خاصیات ناگاه
سلله بیندا می‌کنند.

مردمان است. که سرنوشت ملتها آمده
می‌شود».
اجماع افراد، با هر ملت و هر
شغل و جنسی، و هر علیت برای جمع شدنشان،
معمولاً به عنوان یک جمیعت تلقی می‌شود.
اما از نقطه نظر روایی، جمیعت،
تجمیع است از انسانها که، در پی
شرابید، هویت‌سازی تازه و سیار متفاوت
پایانیه که هر فرد جمیعت داردست. اراده:
شخصیت آگاه روحه محو شدن می‌روشد،
احساسات و افکار همه واحدها به یاری یک
جهت واحد هدایت می‌شود. یک روح دسته

در روح دسته جمعی تعاشرگران
ماله باریکر شده و ابعاد تازه‌ای پیدا
می‌کند زیرا فسیر ناآگاه خود تغیر را فه
و پوشش دیگری درآمده است. تلویزیون
نه تنها نبروهای مخفی و جبوجو غریبخه در
فسیر ناآگاه را پستاخون می‌رسالد، بلکه
اتحاد شکلی تغیر را فه در سطح فسیر
ناآگاه را ظاهر می‌سازد، فسیر مغفول
جدی‌لکه طبق تئوری تغیر شکل شخصیت
براساس عمل تلویزیون، هرگز از بنین
نخواهد رفت.

جمعی موقعی ولی معرف خصائص بیماری روش
نشکلی می‌شود. هیبتکلی به این ترتیب
به صورت يك جمعیت منتقل یا به عبارت
پیتر، جمعیت روایی می‌باشد. وجودی
واحد را تشکیل می‌دهد و تابع قانون واحد
ذهن جمعیتی می‌شود. با توجه به این که
وجود یک جمعیت، هوهاره مستلزم خضور
متقرن افراد بیمار در یک قطعه است،
می‌توانیم قولی کنمی که تعاشرگران تلویزیون
یک جمعیت را تشکیل می‌دهند. جمعیتی
که بر تابع مطلع کرده زمین پراکنده
آن که، بعدها شووند و بعد
میرها بینان
یک انسان
و در این
و توانا

روانشناسی جمعیت‌ها شان در میان دهد که قوانین و مواد تاجه حد لفظ کوچکی در طبیعت محروم کار آنها دارد و تاجه اداره ناقوان از داشتن عقایق خارج از آنچه که به اینسان عرضه می‌شود هستند، جمعیت متعابیل به این است که فکر نکند. جمعیت روی چنگ احساس و تائیر زندگی هم کند. بسیار مشکل است که بنوان فکری را از راههای غلطی وارد آن کرد زیرا مردم به تقدیر بر حسب توصیه‌ها و تجوییزهای مثل عمل می‌کنند و مطیعاً احساس از اعقل فوتی است. پس نباید راه مستقیم را که عقل و ذکارت باشد را بزر برد بلکه باید راه غیر اینست که حساب است به کار گرفت. تصورات جدید، استفاده‌ای وسیع از این واقعیت می‌برد. قواعد ناشی از انصاف تورنیک حضن نمی‌تواند مردم را مجنوب کند. تئی تئیرات و هیجانها که در روح آنها ایجاد می‌کنند می‌توانند جذبکشان کنند. شده و در تمام سطوح اجتماعی فراردارند. جمعیت که از تجمع عناصر مختلف‌الجنس، ناشایه، شتابه و همچنین تشكیل شده است: تماشاگران اینجا به اتفاقات و تماشاچی که آنها را گردید آورد است. آنها باهم تلویزیون تعاملاتی می‌کنند حتی اگر جلو تلویزیون بشان تئی شئه باشند. وجدانی برآورده و بیسط اما واقعی در آنها این حس را به وجود می‌آورد که جزئی از یک کل را تشكیل داده‌اند، که تماشاگری شانده و منزوی بین تماشاگران دیگر هستند. و هشتمانی که انسان، تئی را باید ورود در یک جمع رهایم کند، اخلاق‌آپیز، نوع زندگانی اشتغالات، خصوصیات و دشیابی‌ها را به اینجا می‌برد. پاشد، به صورت جزیی ادغام شده در یک روح دسته جمعی تغیر شکل می‌دهد، و با این روح است که حس خواهد کرد، فکر خواهد کرد و عمل خواهد کرد. تلویزیون بزرگترین جمعیت‌هایی را که دنیا تا به لیست. ظاهراً ن تلویزیون ن تکنگری هم، اهلان بر راهه در جوامع بیانات تکرار از یک کل را تشكیل داده‌اند، که تماشاگری بین تماشاگران دیگر هستند. و هشتمانی که انسان، تئی را باید ورود در یک جمع رهایم کند، اخلاق‌آپیز، نوع زندگانی اشتغالات، خصوصیات و دشیابی‌ها را به اینجا می‌برد. پاشد، به صورت جزیی ادغام شده در یک روح دسته جمعی تغیر شکل می‌دهد، و با این روح است که حس خواهد کرد، فکر خواهد کرد و عمل خواهد کرد. تلویزیون بزرگترین جمعیت‌هایی را که دنیا تا به خطر تغیر نیز. ظاهراً

یا در خود از آن‌ها ترسیده است، محقق
شده می‌بیند. تحت همین عنوان است که
قدرت خوبی‌العاده فیلم عبقرانی توجه‌خود
را دراستخوان خصوصی واقعیت روانی بیدا
می‌کند...»

همه‌ایها در مردم تلویزیون هم
صادق است، زیرا آنچه تلویزیون بازگو
می‌کند، حتی واقعی ترینان، با تصور
لماشی داده می‌شود و نیتوالد مثل فیلمها،
جهه غیر واقع به خود نگیرد.

اکنون، سه‌اه معلم این است که
برای آن‌ها تهدید است، که خودمان اختیاع
پیام پسند از داشتم در ۱۹۵۵ به
نایاندگان صفت سینما چین گفت: «برای
امکان بخشیدن به سکارایی فیلم و برای
تقدیر ارزش واقعی سینماگرانی، باید
توجه سینما روی قسمت میش که قوانین
روالتناسی برآن استوار است منطبقشود،
خواه برای تبیین شیوه‌ای که فیلم برآذهان
عمل می‌کند، خواه برای این صورت که
نایوندانه برای ایجاد تأثیر بیشتر روی
تعاشاران، از آن استفاده شود. مخصوصان
این علم، باید کامل و وند عمل و عکس-
الصلی را که تعاشار فیلم بریم انگزید.

باستفاده از روش لفظجوری و تحلیل نتایج روایی تجزیی طلاعه می‌کنند. آنها نه تنها تالیر فلبرکار که بطور منتهی از طرف نهادنگر دریافت شده تحقیق می‌کنند، بلکه نیروی اپسسه فعالیت روایی آن را نیز بررسی قوانین فعل و موجود مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند. اگر به دنبال یکی از این تالیرات، نهادنگر واقعاً زندانی دنیای که از پرادر دیدگانش روزه می‌روند باقی نماند پهچان این سوق داده شده است که آنها خود را با اختیارات روایی، تجزیه‌های شخصی، تغایرات بخشنی و نامشخص، ترد شخص مؤلف، جایه‌جا کنند. در طول مدت

این نوع افسون‌شدنگی که تاحدود زیادی
ناشی از نیروی پیشنهادی اجرا کننده‌نشست
است، تعاشاگر در دنیا او سیر می‌کند،
هدوچین دلای خودش و حتی باید معنی و
تاریز یک نقطه، به جای او زندگی می‌کند
و اشتراک احساس با او بیدار می‌کند؛ حتی
کاهی تحت تأثیر هاجرا، حرفا یا یالاتی
را بیاو پیشنهاد می‌کند. این روند که

سیگار گردانان فیلمهای جدید به خوبی از آن
نمیگاهند و هم کوشند از آن استفاده بپرند،
در حالت خواب، قابل مقایسه با تصاویر
عنانفر روزیاست، در حالی که برای تعاملات
این تصاویر از پرده هی آید، آن هم به
طریق زنده تر، عزیزتر و عمق تر از ضمیر
خود او، اغلب بیش می آید که تعاملات
خود را در تصاویر اشخاص و اشیاء که
هرگز در واقعی وجود نداشته اند اما برای
عمقا به آنها اندیشه، ملکان کرده

شواره مکاره. مریبوط پسالهای ۱۵۵ - ۱۴۵ میلادی. گوشاهی از یک نقاشی بزرگ. (۹ × ۱۳ سانتیمتر) اصادف پیش میانه، لندن.



بیوزمینی و حوری دریائی. مریبوط یاسال ۷۰ بعد از میلاد، گوشه‌ای از یک نقش بر جسته در پیشی ۳۲۷/۵/۴۲ سانتیمتر) اصل در موزه ملی نایاب

در دنیای جدید، نظر مکریک متعلق به قوی ترین و چشمگیرترین تمدنهاست. «شهر خطاکار از مجوعه کودکی بورجیا (Codex Borgia)» کوشاه است از یک سری نقاشی که موقعیت‌های ازدواج را نشان می‌دهد و از هنرمندیست متعلق به دور ازتک (Aztec) که حدود قرن پانزدهم میلادی است. کوتی بوئرلند (Cottie Burland) که کارشناس هنرهاست، پیش از دوره کریستن‌کلوب در مکریک است، این تابلو را چنین شرح می‌دهد: «این تابلو مربوط به پیش‌وچهارمین روز ماه است. موقعیت‌های خوب را نمایند. موقعیتی است رنج آور که از فقر شمشیر می‌گیرد. مرد را ماری سرخ رنگ که دودان دارد می‌آزادد. زن به کفردار شاهزادگان پرندۀ بالارزش کترزال (Quetzal) به صراحه دارد. وی خواستار است که مرد آن رنج بزرگ را به او اهدای کند. اما من را چنان تگداشتۀ است که گوشی اسپری را داده‌ام. گرفته‌ام و یه‌قانگاه می‌برند. مرد، که داده‌است، اگرچه با یک دست به زنش احترام می‌کند، دست دیگر شرمیسته زنی است که تمام پیکر خود را در اختیار وی گذاشته، ام. هنوز هم از او کریزبان است و روی خود را به سوی گردانده‌م».

هر آفریقایی بدوي از دیدگاه مرگ و زندگ
سیار غنی است. اگرچه چهارم‌اصلی «اوینی ایفه‌ای
» (Oni of Ife) از بین رفته است، چهارملکه به تمام
سالم مانده است. هردو پیشکن «دارای ویژگیها
» پیش‌سازی شهر بنین (Benin در نیجریه) است
به هم پیوستگی مستها و پاما در قبایل بومی نشان
در آغاز قراگز فتن است. در کنده‌کارهای روز
چوب و برنز و پیکرهای سفالی آفریقا سادگی
و وقار به چشم می‌خورد.

وقتی خانواده «تیمو تی دیوی» به شرق می‌روند

باقر عالیخانی
از: لندن

ترکیه داریم قصبه را کاملاً دنیا می-کنیم. آنوقت نوبت کیته و کمپیون و انجمن های رسانید که مرتبه برای آزادی و زندگی آینده خانواده تیموتوی شکل شودند، «کیته تیموتوی جوان» کیته جمع آوری کمکای تقدی برای تیموتوی «کیته کمک به خانواده تیموتوی» و دعوه کیته دیگر از این ردیف و جالالت آنکه دنیای تجارتی انگلستان نیز از قافله عقب نمی‌ماند و حالا نوبت پوسترهای و پیراهن‌های مخصوصی رسانیده است که طرح‌های گوناگونی از تیموتوی - و گاه هم مادر چداش - را چاپ کردند و جوانان و دخترها این پیراهن‌ها را به تن دارند و تنباکی تیموتوی است که صمیمه از روزنامه‌نوسیها میخواهد که علیه فرکها نویسنده چرا که آنوقت اوتاچار است عوارض کیته تیموتویها را تحمل کند. امروز برای مردم انگلستان بیچ مساله‌ای باشد از تیموتوی و دنیای قهرمانانه و معمومانه اش سهیم و با ارزش نیست و شاید بد از مساله فوتبال و جرج بست و با این چارلتوں و گوردن بینک‌های هیچ واقعه‌ای باین حد ذهن و عواطف و احساسات مردم را بسوی خود چلب تکه داشت آنچنانکه مسائلی چون شکل جلسات متعدد کایانه برای رسانیدگی و اتخاذ تصمیم برای مردم ایرلند شمالی و گرفتاریهای تازه در زمینه بازار مشترک و ترخ‌های جدید مایحتاج مردم در درجه دوم اهمیت قرار گرفته است. یعنی درست همان چیزی که شاید نظر دستگاه است و همان چیزی که معلم نسبتاً جدیدی بپنام اتفاق شناسی اجتماعی دنیا کردنش را به مکونهای غربی تosome میکنند. و در این میان تیموتوی جوان یعنی آنکه خود بداند و یخواهد دارد کمکی به دستگاه‌های حکومتی میکند در چهت سرگرم نگهدارشون و شاید بیش است که گفته شود دور نگهدارشون اذهان عمومی از وقایعی که در خلاف ادعا و منافع چزیره برپایانی که جریان دارد. بنابراین چندان غیر عادی و دور از ذهن نخواهد بود اگر شنونم باید در این دستگاهی که تیموتوی انتقام داده است نشان و مداری هم برایش روانه کنند و پسحال ساله قاباق و فروش خشیش در درجه دوم اهمیت است و تازه خود تیموتوی هم که «معلمکار دروغگو نیست» کیته است:

- من این حشیش‌ها را از یک امریکائی گرفتم تاریخ تبار متعارف حق الزمامه ای برایش حل کنم و در انگلستان به او نهادم. خوش بدم و قصد فرششان برای نداشتم. خوب ظاهراً دیگر اشکالی برای نشان و قبمان ملی شدن هم باقی نمی‌ماند و خوش بدم سعادت مردم انگلستان که اگر دارند سرزمهای منافع تازه‌های را بی‌رس و صدا از دست میدهند لاقل بجهه‌های قبمانی دارند پایان

کنند و پیش‌ست: «آیا حقیقت دارد؟» و چنین است که می‌بینیم اجتماعی چطور به کمک دستگاه حکومتی میاید و روزها و روزها همه روزنامه‌ها یا از نقل و انتقالات «پنهانی» فتوبالیست‌ها و اهتمام اقای «جرج بست» معبود جوانان و پیران سخن میگویند و یا مسامی شدن تیم «استان» و «دری» سکه واقعه‌ایست اتفاق برازی ملت انگلیس بخاطر از دست رفتن روح نفوذی تمی های انگلیس - و بمحض آنکه بازار فوتبال اندکی از حرارت و گرمی می‌افتد واقعه دردنک و بسیار عاطلفی محکومیت «تیموتوی دیوی» پسر بچه چهارده ساله بدت «ترکیه و حشی!» علم میشود که بخاطر تعجب برادران و خواهران و مادرش در ترکیه دست به فروش «سد کلیو حشی» زده بوده است. گروهی از خبرنگاران تلویزیون با عجله خود را به استانبول میرسانند تا بینند این حقیقت دارد که یک پسر بچه انگلیسی را که هنوز بهمن قانونی نرسانیده است مکحوم بشش سال زندان کرده‌اند، و بعد همه روزنامه‌های انگلستان در صفحه اول خود عکس‌های مختلفی از تیموتوی را چاپ میکنند با تناویشی بسیار اشکنگ‌آور و سوزناک و سخت عاطلفی، عکس‌هایی که توضیحات زیر آنها از خود عکس‌ها دغراشتر است:

«تیموتوی طفل معصوم ما از پشت میله‌ها دستان مادرش را گرفته است و بهشان او نگاه میکند» تیموتوی از دوران فقر و سکونت گذشته‌اش برای ما صحبت میکند «تیموتوی تنها نان اور خانواده شش نفری اینکه باید به تعداد افراد خانواده‌اش در زندان «ماند» و بعد صحنه عوض میشود و تلویزیون و رادیو و روزنامه‌ها - حتی روزنامه‌های چون تایمیز و کاردن - از ازووهای تیموتوی سخن میگویند و از شجاعت و شخصیت اخلاقی او داد سخن میدهند و همراه ای چاپ عکس دیوارهای زندانی که تیموتوی در آن معیوس است تلویزیون ملی انگلستان فیلمهایی از خواهران و برادران کوچک او را تشان میدهد که «.. هم اکنون این کوکان بی‌سپرست و زیبا درخانه همسایه‌ها زندگی میکنند» و اینکه مادرشان تصمیم گرفته است تا زمانی که تقاضای رسانیدگی مجدد تیموتوی بدادگاه عالیتری رجوع شود در ترکیه بسند - و بالاخره آنکه «چشمان خسته مادری دردمند و پسر بچه‌ای چهارده ساله (که اتفاق از آزووهایش یکی هم این است که می- خواهد در آینده و کیل مدافع شود) در انتظار کمک شماست» و همراه چاپ ازووها و رنج‌های او موضوع رسماً به پارسال انگلستان کشیده میشود و چند نایشه بجلس از دولت خواستند اقداماتی که تاکنون برای آزادی و سرنوشت تیموتوی انجام گرفته است به اطلاع آنان پرسانند و طبیعتاً دولت هم جواب داد که ماتوسط سفارت خود در

درند و دیوان را به فوا در می‌آورد تا با تبدیلهای این سهاه به محاصره بودا پردازد و مایه وخت او شود. اما این روشن ضمیر گرانایه غمی از این سهاه بهدل راه نمی‌دهد. شب پرروز نمین فرود می‌آید. غرستها و سرو صدای صافه شنیده می‌شود. خالمه درند «مارا» در این هنگام خوش خل نایبر است. از کمان گل خود تیری بهسوی جوان رها می‌کند، تیری که اگر به انسانی یا خدایان پخور، دیوانه هوشان می‌کند و صبر و قرار در برای همانوشی و شهوت را از استشان می‌گیرد.

بپر و سیله‌ای که در دست دارد، همچنان با پیروان اهوراژدا در چنگ خواهد بود. اما وقتی که مر دوازده امانتان شهوت و شادمانی و آزمدی است و در پیرامون هزار ساله دنیا پایان یافته، پس دیگر زنگ، شویشان، خواهد آمد و او که منجی چنان پاشد تاقات بر امر اینها نه در روح او... بودا، بوجوب افسانه دیگر، این اکتفا می‌گردید که این دختران را به شکل سه پیرزن فرسوده درختها و تنه سنتگان بر سر مهاجمین فرو می‌ریزند و نیمسوزها گلبهای ارغوانی می‌شوند، مارها فسوژده می‌شوند و شیرها و گفتارها جرات دندهان شان دادند بیدا نمی‌کند و ذیوها تاوان و خاموش می‌مانند. ندای اسرار آمیزی از آسمان می‌آید و به «مارا» اختار می‌کند که

دست دارد اما تنها با این سبب که این عرگ در راه شفاعت صورت می‌گیرد.

زرتست، هرچه بشاشد، در برای تحریصها و سوسه‌های امر اینها مقاومت می‌کند و امیر اینها می‌گیرد. اما تبر شهوت، بغم پرروزی و وفاخت دختران «مارا» که اهوراژدا در چنگ خواهد بود. اما وقتی که مر دوازده امانتان شهوت و شادمانی و آزمدی است و در پیرامون هزار ساله دنیا پایان یافته، پس دیگر زنگ، شویشان، خواهد آمد و او که منجی چنان پاشد تاقات بر امر اینها نه در روح او... بودا، بوجوب افسانه دیگر، این اکتفا می‌گردید که این دختران را به شکل سه پیرزن فرسوده درختها و تنه سنتگان بر سر مهاجمین فرو می‌ریزند و نیمسوزها گلبهای ارغوانی می‌شوند، مارها فسوژده می‌شوند و شیرها و گفتارها جرات دندهان شان دادند بیدا نمی‌کند و ذیوها تاوان و خاموش می‌مانند. ندای اسرار آمیزی از آسمان می‌آید و به «مارا» اختار می‌کند که

شیطان هندی

هند نیز، برای خود، شیطان داشت اما شیطان هندی با شیطان عربی و عیسوی تفاوت بسیار دارد. در دوره اولیاتشادها، نام این شیطان هندی هر تیو بود و این همان کلمه‌ای است که، سالماً بس از آن، کلمه «مارا» از آن پدید آمده است... و شهرت «مارا» بیشتر از هر چیز دیگر، زاده این است که شب آن روزی که بودا در بلوتو وحی و الیام به حقیقت نجات یافت، سخت می‌شود و جون می‌بیند که تحریص بهیبلوانی و نام و دانه لذت در او کارگز نمی‌شود، پاوهشت توسل می‌گویند.

صور تجمع سیاه پایان تا زیر دهشت آور غولها و حیوانات

با شیطان عربی و عیسوی تفاوت بسیار دارد. در دوره اولیاتشادها، نام این شیطان هندی هر تیو بود و این همان کلمه‌ای است که، سالماً بس از آن، کلمه «مارا» از آن پدید آمده است... و شهرت «مارا» بیشتر از هر چیز دیگر، زاده این است که شب آن روزی که بودا در بلوتو وحی و الیام به حقیقت نجات یافت، سخت

می‌شود و جون می‌بیند که تحریص بهیبلوانی و نام و دانه لذت در او کارگز نمی‌شود، پاوهشت توسل می‌گویند.

کلمه «مارا» از ریشه «مر» که به معنی مردن پاشد،

آمده است و کنمکان هند آن را دیو عرگ می‌گویند

اما نه به آن مفهوم که مراد غرب زمینان است... «مارا»

آن دیوی نیست که قائل انسانها باشد... که آن دیوی

است که هوس و تمنی و بیش از همه هوس شق‌چشمی

را داده می‌زند و توالد و در نتیجه «عرگ» را جاودانی

می‌گند.

در صورتی که شیطان عیسوی مظہر تصور عصیان

و غرور و کینه و افکار خیر و میتده‌جویی با خدا است،

«مارا»، یعنی خدای عشق است... مظہر شدت حظ

شیوه، سمت و هیجان حواس، و سلطه آن توهینی

است که زندگی را بر می‌کند و بهیسوی عرگ سوق

می‌دهد... و فروید، در زبان خود، آن را خدای لبیدو

می‌خواهد.

و اکنون می‌توان به‌علت ترس «مارا» از شاهزاده

سدارتان بی‌برد... چه، شاهزاده پس از گشی خیفت

گرانایه، قصد دارد آئین رستگاری را که (چنانکه می-

دانیم) عبارت از امتحان، هوس، یعنی امتحان اسas درست

«مارا» است، به انسانها تعلیم می‌دهد. بس، کوشش به کار

می‌برد که با همه آن وسائل که در دست دارد او را

در گویید و به سدارتا که در زیر درخت مقدس سرگرم

تأمل و تکری است، نزدیک می‌شود تا دست به وسوسه

او بزند. این وسوسه‌ها در متون مختلف بوداییها و

هندیها و چینیها باز گفته شده است.... گستره‌ترین و

شاغرالهای ترین شرح‌ها در این زمینه، عارت از شری است

که در بوداکاریاتی (اساگوکسانی) معروف، در قرن اول

بیش از میلاد، آمده است.

علمای سنجان اورپائی - خاورشناسان، علمای تطبیقی،

علمای اسرار نهان و ضد میثاق - با آن فصل فروش

گشاخانه خودشان - و با این نصویر که اینان به میثاق را نایاب خواهند کرد - کوشش کردۀ‌اند که بهی

قیمت که باشد، در میان وسوسه‌هایان که در انجیل آمده

است و وسوسه‌ای که در کتابیای بودا آمده است، تشبیه

هایی پیدا کنند.... و این بار بازهم - چنانکه دیده‌ایم -

کیهه به نایشنایر کشیده است.... در عیان وسوسه‌ای

تسبیحان در برای بودا و وسوسه‌های شیطان در برای بیسی

هیچگونه متابیتی وجود ندارد....

مارا، در اینجا، به این اکتفا که با خشونت،

به شاهزاده‌ای که در پای درخت الجیری در اذریشه خدا

فر رفته است، سخن بگوید و بادآور شود که از نزد

جنگجویان است و وظیفه‌ای که به عهده دارد کشتن دشمنان

خواهش است که فلسفه باشند.... بودا در برای این اختار

مشکح ذره‌ای نایر نمی‌باشد.

تاریخ پسر با برادرش قایبل که اغلب در تعالی قوم پیوی به میان می‌آید، آغاز می‌شود: آیسالون، برادر آمن، خدای تونی (Totémique) (مردمی شد که پس از آن تاریخ بر مصر دست یافند).

مصر ظهر دو آنچی است که برای قبایل رومانی بیشتر از هر آفت دیگر مایه بیم و هراس بوده است... از این‌دو ممکن است نشخن قسم خوده خدایان روشانی - «را» و «هوروس» یاشد.

«ارمن» در کتاب مذهب مصر چین می‌شکارده: «ست» یعنی خشک، یعنی سوزان، یعنی خشکی... «ست» در عالم روح یعنی بیماری، یعنی مایه آشفتگی... «ست» یعنی شر.

شیطان مصری مثل همه شیاطین که پس از او آمده‌اند، دشمن خدایان و انسانیات. اوست که کشته‌ارها را با آتش و گردباد سوزان خشک می‌کند. اوست که محصول را در تندیاد نایبود می‌کند و از میان می‌برد. غرض او گرستگی دادن به مردم و کشتن مردم است. و اوست که بدست باد سام خود خورشید را تیره می‌کند و روشنایی را خاموش می‌کند.

«هوروس» می‌گوید: «وختی عظیم است: انسانها و خدایان از جنایت‌های خودشان آسوده شدند. «ست» عن ترسیدن و قدرت خشنوت آسود اورا می‌رسیدند. از این‌دو «ست»، بغم کار شوم و منحوس که داشت، یکی از خدایان... و حتی یکی از بزرگترین خدایان نه گله هلیوبولیس شعره می‌شد. هیکوس‌ها که شاهان

شیطان ایرانی

این «روح برگ بدی» که در ایتالیا از جب لتویاری به قاعده این ایزدین و از طرف کاردوچی بنام ایگرایو ستد شده است در اوستا امر اینهیو خوده می‌شود. پدری همرا داشت که او لیز شهرتی دارد و زرتشتی بر خواهد می‌شود. زرتشت «دواهای بتیرستی ایرانیان» را به شکل اینهیو داشت پاری از دیوها در آورد و امراه، پیخداد ایشانه از عرگ شد پرست بریمی آید، این ایشانه همه رساله‌های تاریخ مذاهی از فطرت بد این‌شک.

گر و مغرب سخن می‌گویند..... همین پس خواهد داد که بینیه این ایزدین ایرانی چه شاهنشی به شیطان رد و چه فرق و اختلاف در میان آن‌دو است.

در اینجا، ایندا به اختلاف می‌می که در این ان وجود دارد یعنی بریمی. لویسیر یکی از آن مخلوقان است که در برای خدا سر به مخصوص برمی‌دارد و نام اضلال خویش را از راه شکنجه دادن انسانها، می‌آید. امر اینهیو شکنجه دادن آنکه ویرانگر باشد، آفرینه است... آنچه از حکمت زرتشت بریمی آید، این ایشانه زمین و آسمان و بیانات و حیوانات کار او است... دنیا ماده و زندگی، بداتکونه که در دین میثاق می‌بود... فیضان بحث خدای متعال نیست... که ساخته شان است. اگرچه امر اینهیو می‌گذارد، خدای راستین نیست... و بد اطلاع کرد. «خدای یعنی بدی».

امر اینهیو طبیعت از ذرتست، بیغیر و متابشکرای خوب و بیرون، سلطان بدی از مرزهای شعل، یکی از امر درصد پر ایشانه از مرزهای شعل، داشت ایزدین و مسلکی داشت، پس، کهنه‌تر از شیطان عربی، و تیغون یونانی است: پس «پدر شاه» همه شاهزادگان قلت است... اما ناشی تا خشتن قربانی می‌لاید می‌شود... آنچه با اسرار «ایزیس» آشنا بود... «ست» گذشته از آنکه دشمن خدایان نور بود، به حکم برادرش نیز شهرت یافت و بزرگترین اصالت او در همین است.

«ست» که از کینه و حادث بدهیان آمد بود، روزی برادرش اوزیریس را کشت... بهیله‌ای او را در تابوت گذشت، میس، از راه خدمه، در آن را بست و در رود نیل اندشت (ایزیس)، خواهر «اوزیریس»، که مذهب عیسی مسیح مقاشه کرد امانت، در غایب «ایزیس»، فرست را غیمت شمرد و جد بیجان برادرش را چهارده قطعه کرد.

ذکر بقیه اسطوره - یعنی کشش پاره‌های جسد و انتقام خون برادر که بدست «هوروس»، پسر اوزیریس،

و ایزیس گرفته شود - در اینجا خواهد بودند. اما این وجاهت‌های از دیگر ایزدین و مسلکی داشتند... ایزدین آمده، اثیل در افسانه‌ها و تاریخ دنیا بایست باستان

بیهیله نمود، در هر قصه از افسانه‌ها و تاریخ دنیا بایست باستان

بیهیله نمود، در هر قصه از افسانه‌ها و تاریخ دنیا بایست باستان

بیهیله نمود، در هر قصه از افسانه‌ها و تاریخ دنیا بایست باستان

بیهیله نمود، در هر قصه از افسانه‌ها و تاریخ دنیا بایست باستان

بیهیله نمود، در هر قصه از افسانه‌ها و تاریخ دنیا بایست باستان

بیهیله نمود، در هر قصه از افسانه‌ها و تاریخ دنیا بایست باستان

بیهیله نمود، در هر قصه از افسانه‌ها و تاریخ دنیا بایست باستان

بیهیله نمود، در هر قصه از افسانه‌ها و تاریخ دنیا بایست باستان

بیهیله نمود، در هر قصه از افسانه‌ها و تاریخ دنیا بایست باستان

بیهیله نمود، در هر قصه از افسانه‌ها و تاریخ دنیا بایست باستان

بیهیله نمود، در هر قصه از افسانه‌ها و تاریخ دنیا بایست باستان



شیطان» موجود خوبیت و گمراء کننده! است که از دیرگاه در میان اقوام و ملل

چهره مینماید و بر عقاید و افکار انسانها سایه تیرگی و وحشت می‌افکند و در هر ده دین و مسلکی

بدانوی در برای خدای نور و یاکی و روشنایی خودنمایی و مبارزه جویی می‌کند.

آنچه در زیر می‌آید برگزیده قسمی از کتاب «شیطان» نوشته «پایپینی» است که تصویری را که ملل گو ناگون جهان از ایرانین

یا شیطان دارند مورد برگزیده قسمی از هر میدهد.

توجه باین نکته لازم است که چون نویسنده خود مسیحی است، همه شیطانها را با شیطان

مذهب عیسی مسیح مقاشه کرد امانت، در غایب

شیطان مسیحیان را نیز معرفی نموده است.

از: پایپینی

نویسنده کتاب «شیطان»

ترجمه: عبدالله توکل

سرگذشت انسان

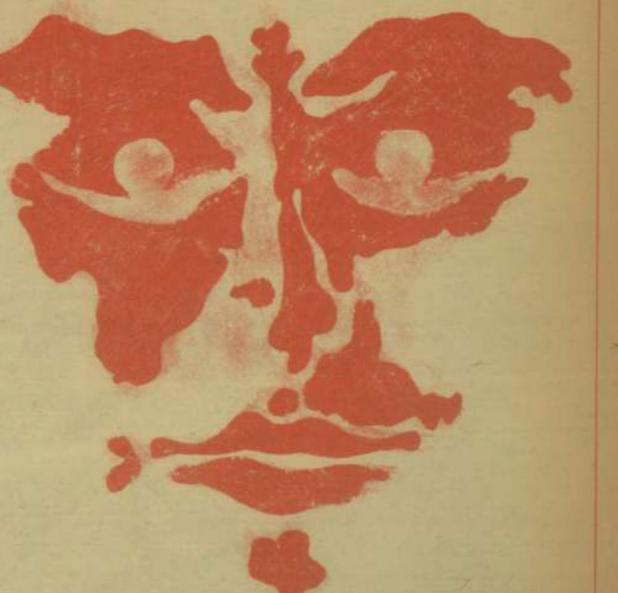
ترجمه: تورج فرازمند

- 11 -

نخستین جوامع انسان

زندگی کشاورزی و روستانشینی
دوران نوسنگی اختراع صنعت
کوزه گری را امکان پذیرید و در
این دوره ساختن چراغ با گل پخته
رو بکمال رفت
آرایش در همه اعصار با نوعی
تحمل درد همراه بوده و ضرب
المثل «برای زیباشدن باید زجر
کشید» در همه قرون مصادق
داشته است!

قصد معین و برای هدف مشخصی بسازند.
انسان غار اولودوی و انسان غار «چوکوتین» یعنی
«استرالوپیکهای» و «پیته کاتزروپ» هایی که بین
یک میلیون تا پانصد هزار سال پیش زندگی می-
کردند، در این مرحله بودند که آنرا عصر ججر
تجربی می‌نامیم. اختلاف این انسان مانندها در انسای
شرقی هزارهای پیشتری را در این عصر زندگی
کردند، درحالیکه در نقاط متفرقی تر چنان انسانها
زیستند. مرحله سوم سازندگی یعنی مرحله ساختن
عمری ابزار و آلات بقصد هدف معین و پراسان
تصور ذهنی اشایان رسیدند. سنگهای تراشیده
شده دو رویه با گواهده نسبتاً پهن و نوک
تیز و بارنده یا سنگهای دو رویه بالبه و پهن
و وصاف یا سنگهای بادامی شکل باله بارندگه در
حقیقت کلنجها و چکنهای و تبرهای سنگی اولیه
محسوب می‌شوند اختراع انسانهای تکامل یافته‌تر
است. در همین دوران است که انسانها نوک
شاخهای چوپی ساخت را نیز نیز کردند و از آن
برای سوراخ کردن استفاده نمودند. این آلات
ابزار فقط در رفع حوائی مادی زندگی مورد
استفاده قرار نمی‌گرفت بلکه در ساختن اشکان
 مختلف و طرح‌ها و نقاشیهای گوناگون هم بکار
میرفت.



حیوان اپزار

حیوان ابزارساز
حالیکه هیچ احتیاج فوری او را وادار به ساختن ابزاری نمیکرده شروع به ساختن و پرداختن، آلات و ابزار سنگی کند و یهاین وسیله درک کلی خود را از گذشته و حال و آینده واگاهی به نیازهای آتی آشکار سازد.
اینک میپردازیم به چگونگی ساختن آلات و ابزار مختلف بوسیله انسانهای ماقبل تاریخ و بیان اختیارات و اکتشافاتی که در این زمینه بوسیله آنان صورت پذیرفت.
انسان مانندها و تزدیک انسانها فقط بمرحله ساختن و درست کدن آلات و ابزار یکی از معیارهای تشخیص انسان از انواع دیگر حیوانات است و اگر انسان را مانظور که حیوان ناطق یا حیوان متغیر خوانده‌اند، حیوان ابزارساز بگوئی راه خطأ توفیق نمایم. البته مطالعه و بررسی قصیل‌ها خود وسیله دیگری برای تشخیص انسان از سایر جانداران است ولی گاه بزرگی جسمه و وزن مغز نمیتواند حد و مرز بین انسان و سایر جانداران را معلوم سازد در حالیکه ابزار و آلات ساخته شده میین تمثیل نیروی ذهنی و داشتن مهارت امکان تخلیل در نیازهای زندنه آنست. لذا بدلاً از مختلف میتوانیم این سخن را پیشیریم که صفت سازنده انسان و انسان، موجود صنعتگر است.



است: طعنه‌ای است و حکم... دیو، به عقده‌من، خ
است دو نکته‌ای را که با شوخی و مطابه تقاضا
به سقراط پیگویدند... بیش از هرچیز، سقرام را
می‌گردید است که هنر را شخص خاطر نطق و
بیان رها گردید است. دوم آنکه به سقراط داده و
است که زندگی و اندیشه او را خداوندی دارد، بی‌پیره
- یعنی توانز - که موسيقی از ازانی هی دارد، بی‌پیره
است... سقراط، درواقع، بیشتر از آنکه شیرین و
ویر خواهاده‌ای خوب باشد، پرخاشجو و شکجی
سرخست بود.... و رهباتی و روحانیت او نیز تا اندازه
بی‌پیره از توانز است: او بیش از المازه پایاند با
تعزیز و استفرا، بود.... همه چیز را در راسو
اندیشه گرانه خشک و بی‌حاصل ماده بود و یعنی آن
ترنیز چیزهای که در انسان است، چیزی نداند و پوچ
سقراط، در بیان، داور او شد و اگر خوب بگذرد
لذتست که این داده، داوری اهل نیست. پیدا

شیطان در اسلام

شیطان در اسلام، مثل شیطان عیسویه،
بر جسته دیگری پاکیزه ندارد.... ابلیس (با شیطان
همان ائمه‌های خود نشان می‌دهد که از اخحاد شیطان
و شیطان عیسوی است.

او هم عاصی و انواع افسانهای و رئیس ارواح است. ابلیس از یالخاتق با شیطان ماسعوبیها تقدیر و بمحض همین تفاوت است که چادران از او حرف و آن التکه عصیان اور در برایر خدا و راهنه از آسمان است. قرآن آن در سوره هشتم از آیه ۱۷ دادمانان سقوط او را بازگفته است. این سخنان اخدا طباب به انسانها گفته هستند: هر آینه افریده؛ پس فتشنده کردیم به صورتی خوب. سفرشتنگان گفته‌یم: در مقابل آدم سجده کید پس کردند پیغمبر ابلیس که سجده نکرد. خدای گفت که من خود فرامان می‌دهم که سجده کنی، چه تکذیب شد که سجده افون. ابلیس جواب داد: من از او هستم... زیرا که مرزا از شیخ آفریده‌اید و در آین غرور از کجا آمده است؟ پس بیرون برو که خواهش داشتی؟... ابلیس گفت: اندکی به عنوان که تاریزورستخاپی کلم نمیرم. خدا گفت: بدرستی کارای راه را تو می‌دهم. ابلیس گفت: وجود تو را بپره بخطا هر آینه در گفین انسانها می‌شنیم برای گمراه ک از راه راست تو... هر آینه از پس و پیش ایشان چپ و راست ایشان پاره ای افمن و چنان در می‌گیریم که راه گزیری زیر ایشان نعلاد و دیگر نمی‌بینی که شکر تو گویند. خدا گفت: و هر آینه از کسانی که برو که خوار و مطرودی... و هر آینه از کسانی که برو که گفتند، در می‌گردند.

در معرفه دیگر قرآن نیز اشاره‌ای به استناعت
هست اما دیگر چیزی در این باره گفته نشده است
بدیگونه، طبق قرآن محمد طرد ابلیس
نافرعانی و رشك و خودسندی است. ابلیس برای
مقام عصیان برپنی آید که خواسته باشد هیاهو خ
عصیان او نهایا برای این است که نمی‌خواهد خ
نخشن انسان - موجودی که او پسر از خود
- زانو بردازد، فریاد از آیا، نصاری، چنان‌چهار
نمقوط شیطان را به حد او بر «آدم» اسناه داد
آنچه در قرآن دیده شود، پیشتر از حد
و نخوتی است که در دل شیطان موج می‌زنند
من برتر از طبیعت آدم است و در چنین صورتی
در برای او سجده کنم.

قرآن این برتری را با یک دلیل توجیه می‌کند:
آن اینکه ابلیس از آتش و آدم از گل ساخته شد
و این دلیل، طبق سلسه مراتب کنارها، دلیل
و همروز است. فرشتگان، حتی در حکمت افسوس
از نور و آتش یعنی از نصری غیر اینجا هم از خا
شده‌اند، آتش در آرزوی صعود بر آسمان اس
بنقیه در

شد که در زندان پر تکاهاهی زیر
حتی قبرت اهریعنی او، به
میان نرفت. تیغون، بیاند شیطان
دشمن روشنایی و خدا بیان آفتاب
و ذهنی شد که عناصر را در هر
انسانها را تبدیل یا قطعه قلعه
این غول مفترض در ظلمت جهان
من لرزد، شیرها فرو مریزد و
از خوشای سلطنت راه، یا به یقین
آنکشند، دهانهای ایست که میخواهد
میریزد و این آتش مزارع را
انسانها را در زیر خود به خاک
خود را درهم میریزد و هوا را آتش
سیلایها و گردبادها است. صاعقه
خشم آلوید باد صدای او است. تیغ
خود، گتوی خواهد دنی را زیر
را قفل عام کند.
او هم مثل شیطان افسوس
مار است. هژمندان او را یا ت
می دهند... او ایکدفایی مار را
از این وصلت غولیها بسیار
هاری ها - وجود آدماند که
باافت.

چون شکست خود بی برده است، آرام بگیرد. بودا که
بر موسسه های اهریعنی غله یافته است، حیثیت را با
انسانها باز می گویند... حیثیت که اگر از طرف همه
انسانها کار بسته شود، به فارازوانی «مار» بیان می دهد...
در میان این موسسه ها و موسسه هایی که عیسی در
بیان دید، چه همانندی ها و متابعت هایی می توان بیدا
کرد؟ شیطان از دو راه یا موسسه عیسی نسبت می زند:
یکی از راه نتوت به معجزه (تفیر سکبا و برواز از فراز
مید) و دیگری از راه عرضه همه سلطنت های روزی زنین...
و براو فشار می آورد که معجزه ها کند و سلطط بر جهان
را بگیرد.

«مارا» یعنیکس، می خواهد بوسیله شهوت و ترس بر
بودا غله باد. گوشن به کار می برد که او را به آغوش
زنه ادازد یا پسراب اسلحه دستیاران ترسناک خود بقتل
برسالد. دشمنان بد کار مسیح، بد آنکه که «مار» شکست
خورد، در این جنگ و گریز شکست می خورند.

در آن هشتگام چین می نمود که مارا در برابر شکست
خود سر فرود آورده است اما، مدنی پس از آن درصد
القام عجیب برآمد. در نیکی از منظمه های هندی به نام
اسوکاواتاها می گویند که مارا روزی چنان خوش را به
هیئت بودا درآورد که حتی کاهنی بسیار بارسا، با آنکه
در در خود می داشت که با دیوبی سرو کار دارد، در برابر
ای پسرجهد افتاد.

شیطان یونانی

مردم که از لحاظ فرهنگ به طبقه دوم وابسته‌اند و جز آنچه در کتابیات مدرسه خوانده‌اند، چیزی تکری در باره یونان و کوه خدا یان نموداند، گمان می‌برند که شیطان مترسک است که در بیان‌هایی همچون خرافه برست ساخته شده است. حتی پیشتر این مردم چنین می‌پندازند که شیطان یکی از آن عروسکی‌ای ناگذار خیمه شب بازی قرون وسطی است که برای آنکه توءه مردم روسا و شیر بهتر به اقبال آورده شوند از طرف کشیان دنی مسح ساخته شده است. وطن سفراط و اقليس، آشنازه دوست داشتی الهه‌ای لطف و ملاحت و الهه‌ای شعر نه می‌توانست لوسری در خیال خود وجود بیارد و نه ممکن بود یعنی از شیطان بدی راه دهد....

و این نادانی شرق‌آور و ضعیج است، یونان، یونان آناکرتوں و آریستوفان، برای خود شیطان‌های دهشت‌آور و چنگچونی داشت.... و برای خود دو بزرگی داشت که دشمن آتشی نایاب خدایان و انسان‌ها بود.

عصیان تیتانها در برابر خدای آسمان در برابر خدای خدایان، جواب یولاقی عصیان فرشتنگان است در برابر یقه است. سقوط پرتوه و تیتوس که از آسمان بزیر از ادناه شدن و به سکنجه‌ها سپرده شدند، روایت یونانی رانده شدن فرشتنگان است که در مقام عصیان برآمدند. و یکی از تیتانها که واپسین و ترسناکترین تیتانها باشد، در اساطیر گفته، وظنه و کار شیطان را به عهده گرفت. نام این تیتان، تیتوس بود که اکون، اسم عام است و نام پادوهشی است که در دریاهای آسیا بیداد یعنی کند.... و همین کلمه است که عنوان یکی از نیکوتورین رعنایی کفراد را فرهنگ آورده است. اما تیتوس یا تیفه در یونان باستان شیطان حقیق بود و مظلوم مخوف کیهه و بند شمرده می‌شد.

به عقیده برخی، پسر زتا و تانار بود... طبق روایتی دیگر، تولد او زاده نفاذ قن و شوهری بود که بر آسمانها فرماده و ایشاند. «هر» که از توپیتر - خدای خدایان - آورده شده بود، تیتوس را به بار آورده، بر آنکه شوهرش در این ولادت سیمی داشته باشد. تیتوس پسر کینه بود و به تیروی خود در صدد برآمد که بر سر فرماده و ایشان با خدای خدایان می‌بستنده بربخیزد. جنگ تیتان مستکلی با خدای آسمان بسیار دور و دزار و خوبی و ترسناک بود. حتی بنان زمینی، از این جنگ، به لرزه درآمد. سراسر جهان، خدای خدایان حرف خوشیدش را گرفتار کرد و از جسد تیتوس سیلایهای آتش و بینهای اهی و بیهی و نیاید اما با اینه

دهد بدست نیاورده‌ایم، ولی اختلال قوی می‌برود که ماهیگیران پارینه‌ستگی از کلک‌های چوبی و زورق‌هایی که در واقع تنه‌های بحوف درخت بوده بروی رودخانها و دریاچه‌ها استفاده می‌کرده‌اند بهر حال بکاربردن تور ماهیگیری عسوسی یعنی تورهایی که بطور عمومی در آب میانداخته‌اند و یکسر آنها را اشیاء سنتگی بیسته‌اند تا در آب راست باشند، سنتزم استفاده از زورق بوده ولی اینکه یکسر تور به نقطه‌ای در ساحل متصل باشد. یکی از قدیم‌ترین زورق‌هایی که در اروپا یونانی بودت آنده با آزمایش کردن ۱۴ سال پیش شده تور را اقوام ماهیگیر فلاند بکار می‌برده‌اند و تور دیگری که منوط به‌جهد هزار سال بعد از اولی است در استوای بیست آنده و در حدود ۹ هزار سال پیش مورد استفاده قرار می‌گرفته است. این تورها بعرض یک متر بوده و انتهای آنها را با گره زدن باشیام سنتگی بطور مستقیم و عمودی در آب نگاه می‌داشته‌اند و برای صید ماهی‌هایی که در سطح آب حرکت می‌کنند بکار می‌برده‌اند. هنوز هیچ مدرکی که قایقرانی و ساختن زورق را بوسیله انسانی‌های عصر حجر قدیم نشان

باک صحیح بهاری درین التهیین ۵۰۰ سال پیش از میلاد، یاکنون و مرد با داس ابتدایی در می‌گذشتند. آنها ساقه‌های بلند می‌جستند تا آنها حیف نمود. ساقه‌های بلند در این تصویر جوی دیمی است و کوتاه‌ها گندم است وجو. آن‌له، خانه‌های گلی روستا



صیر برای پوشاندن زمین بآفه، مردی از درخت بالا قایق را خانی می‌گذشتند. باز هارا گاو پرستا می‌آورد.

آنها را از فراز برگاهه به پائین می‌انداخته‌اند و گروه دیگری که در پائین کین کرد بودند یا همان محاصره‌کنندگان اصلی، کار حیوانات زخمی و مجروه را در پائین برگاهه می‌ساخته‌اند. میمن شکار تحریبی، بعدها موجب پیدایش دام‌های مصنوعی شده و انسان‌ها پس از کشیدن چالهای بزرگ و یا پوشاندن چالهای طبیعی با خس و خاشک، فیل‌ها یا حیوانات قوی و نیرومند دیگر را در دام می‌انداختند، قبایل پیکمه‌کنگو امروز هم پیمن و میسله فیل را شکار می‌گذشتند. نخستین مدرکی که از این نوع شکار عصر حجر داریم نشانی غار «فون‌دوگوم» در ناجیه دوردونی در فرانسه است که ماموتی را در حال دست و پازدن در غفره‌ای که اطراف آن را با چوب و برگ پوشانیده‌اند نشان می‌دهد.

کهن‌ترین قایق جهان

قدیمی‌ترین نوع دام را برای صید ماهی در دانمارک یافته‌انم که منوط به بیست هزار سال پیش است. این نوع دام که حتی امروز هم در بعضی نقاط مورد استفاده اقوام ساحلی است، استوانه‌هایی است که از چوب ساخته می‌شود و در داخل آن شاخ و برگ طوری قرار داده شده که وقتی ماهی پیداگان رفت امکان بیرون آمدن ندارد. قدیم‌ترین نوع دانمارکی این دام که بدست آنده در حدود چهار متر طول دارد و قطر استوانه در حدود یک متر است. اما مؤثرترین وسیله صید ماهی -



بالشهر تلویت وقتی آفتاب‌روی فرات بالای آیا بیدجان می‌گیرد. جلو، کارگر انفعی کارساخت یا کاپیک باد را نیزی را بیان برده‌اند. طرف چپ زنی گالی می‌جستند تا سفید خاتمه‌ای بیرون از رود برای زنی‌ای باید استفاده می‌کردند. در میان ده گاو نر خوش و نیزی که عزیز خوار اسیر اب می‌گذشتند. در ساحل رود فروشندگان محظای یاک دارند. یاک‌های این فئی کارساخت یا کاپیک باد را نیزی را بیان برده‌اند. میتوانند خود را پنهان سازند، در گشتن شکار پدشواری شکارهای کوچک و متحرک موقوت گردانند. همین شکارچیان بعدها با اختراج دامها و تورهاتوانند پرندگان و ماهی‌ها را صید کنند و سیستم اقتصادی دوران شکار را دیگر گون سازند. اختراج تبر دستدار در قبایل شمال اروپا به آنها امکان داد که درخت را با پرند و یا میوه خود را موادی با پوشیده آتش و سنتگاهی دو رویه تیز، نخستین چوب و سنتگ طوری در دست می‌گرفته که انتسابی تیزه درست به قسمت پرچشته تیزه‌پران تکیه داشته باشد و بعد، با استفاده از قانون آهم، نیروی بازوی خود را بچند پر افزایش میداده است. در تیزه‌پرانی معمولی، انسان قسمتی از صنعتگران توائیستند از سنتگ، آلات و ایزار و سنتگ نیزه را بدست می‌گیرند و بعد دست را طوری متنوعی پسازند که مجموع آنها و سنت ادامه با متصcludن شکارهایی دارند. آنها با فشار حرکت دست از عقب سنتگ را تشکیل میدهند. استغوانه از تیزه حرکت تمام بدن که بچلو خم می‌شود تیزه را پرتاب می‌کند. اما تیزه‌پران شکل دهد و در مواد معنی بکار رود، بهمان شکلی که در طبیعت پیدا می‌شده مورد استفاده قرار می‌گرفته است و انسان پکن و انسان نثار در پیشتری از استخوان صاف برای پاک کردن پوست حیوانات بطرف هدف رها می‌شود. در اعصار بعد، پیش از همین قاعده و قانون در ساختن فلاخ استفاده کردند و بچای آنکه سنتگ را با دست پرتاب کنند با سنتگ‌اندازه سرعت و حرکت پیشتری به آن دادند. اختراج تیزه‌پران و تیزه‌کسان سلاح‌های با بد زیاد در اختیار پسر گذاشت و شکارچیان،

اختراج بشر عصر حجر

مهمترین و موفقیت‌آمیز ترین اختراعات بشش چوب، اختراج اول که چوب یا سنتگ استوانه شکل و به درازای سی تا پنجاه سانتی‌متر بوده که انتسابی آنرا پرچشته می‌گردند و سر دیگر ش را بدست می‌گرفندند و آنگاه نیزه خود را موادی با این چوب و سنتگ طوری در دست می‌گرفته که انتسابی تیزه درست به قسمت پرچشته تیزه‌پران ساختن آلات و ایزار نیز موجب شد که اشیام مختلفی از استخوان و عاج ساخته شود.

خيال دام گستر انسان

بدرسی معلوم نیست که پسر در چه زمان توائیست آلات سنگی ساخته خود را بدسته چوبی متصصل کند، و به‌استخوان و عاج ساخته شود. اواخر دوران پارینه‌ستگی سورت نگرفته است. آنچه سلسل است این است که تخصیص درکار چوب و به‌استصلاح تجارتی ابتدایی منوط به‌دوران مژولیتیک یعنی دوران بین پارینه‌ستگی و نوستگی است؛ در این عصر است که می‌بینیم کلکت و تبر و تیشه و چکش سنتگ یا انتسابی دسته‌های چوبی متصصل شوند و اشیاء سنتگی و سنت‌خواری از نهضتی در متصcludن شکارهایی دارند. از نهضتی دوران حیات خود، انسان توانست حیواناتی نیروهندت و در حرکت، سریعتر از خود را از پای درآورده، این امر نتیجه حیله‌ها و نیزه‌تکه‌هایی بود که در شکار سیوانات از خود نشان میداد و پیشترین نمونه آن تله‌ها و دام‌هایی است که در راه حیوانات می‌گشترد. گستردن دام و ایجاد تله مستلزم تخلیق قوی و پیش‌بینی آگاهانه‌ای است که خاص نیزه انسان است ولی پدرستی معلوم نیست که از چه زمان بین انسان‌های شکارچی استفاده می‌کردند. در اواخر عصر حجر قدیم، پسرها با سائیدن استخوان پرستگه‌ای پرند و دندانه‌دار توانست آلات و ایزار استغوانی پسازد و پیشتری سوزن و نوک زوین و نیزه از آن استفاده کنند. استغوانه از استخوان و شاخ گوزن و عاج در

رادیو هجوم از میرخ

رادیو و هجوم از میرخ

کار خود روش نسازد. موقعیتی که در سال ۱۹۳۸ بر اثر پیش یک برنامه میهم رادیویی پیش آمد و همانطور که گفته باشد یک پیش از بزرگ علوم انسانی با اینچیز عکس العمل و واکنش انسان شده که بخوبی میتواند عکس المم توده ها را در بیرون ها روشن سازد. بیرون هایی که گاهی ممکن است بوسیله ارتباط جمعی بوجود آیند. پاید توجه داشت که بیرون مور بحث، فقط و فقط برایان یک برنامه رادیویی پیش آمده بود و این نکته نایاب به حساب تصادف گذاشت. حتی در زمان حاضر نیز نقش رادیو را چریقات و حوادث ملی و بین الملل نمیتوان نادیده گرفت. با اینهم میتوان قبول کرد که این واقعیت خود را سال پیش و در واپسی و احوالی رادیو بین مردم و حوادث اجتماعی واسطه نیز و مندرجاتی به شمار میرفت. بدینو عمیق تری صورت میگرفته است رادیو، بی تردید مؤثرترین وسی ارتباط جمعی است که میتواند توده را در کوتاهترین زمان ممکن، رویدادها و وقایع باخبر سازد و این میمتر، احساس مشترکی عادی را در زمان نگرانی، اضطراب و رنج و فشار بر ملا میسازد. بررسی این واقعه غیرعادی ما را با تغییرات هوشی، اضطرابات احتیاجات و خصوصیات توده ها آشنا میسازد. این آشنا هیچگاه و برازی معیق یک از دانشمندان علوم اجتماعی با انجام تحقیقات آزمایشگاهی و تجربی امکان پذیر نیست. آنچه در واقعیت انجام گرفته بود پرخلاف تحقیقاتی که در آزمایشگاهها صورت میگیرد، تمام خصوصیات عادی و واقعی خود را به مراد داشت و مصنوعی شده نبود. دانشمندانی که با علاقه و دقت از این واقعه بپنهان گرفتند و آن را از چهات مختلف مورد تعیزیه و تحلیل قرار دادند معتقد هستند: هنچند اجرای نایشتنامه رادیویی «هجوم از مرمیخ»، یک واقعه استثنائی بود که ممکن است مرگ به این صورت تکرار نشود، اما عوامل آن بصورتی مشخص

که در آن شب به برنامه رادیویی گوش داده بودند مصاحبه و مکاتبه کردند. توجه پر تعدادی از اظهارنظرهای مردم درباره حادثه، نکات بسیار جالب و دقیقی را روشن میسازند. بقوه کشتنیل بد نیست فرمت بدhem مردم خود، درباره عکس العمل خویش سخن گویند:

● خانم فرجسون

زن خانهداری از اهالی شمال نیوجرسی میگوید: - نمیدانستم چه اتفاقی افتاده بود که پدری فرن اینکه دنیا به آخر رسیده باشد، آنرا برایم مشکل و پاورنکردنی بود. از قدم شنبه بود که وقتی قرار شد دنیا به آخر برسد، این مصیبت در یک چشم برهمنزدن انجام میگیرد. بنابراین، نمیدانستم چرا گوینده رادیو، پس واقعیت پس بوده و آن را در گوش و کنار شور و مملکت دیده شده‌اند و کم خود را به مرکز نزدیک میکنند. گوینده با لحن طبیعی اظهار میدارد دنباله برنامه عادی رادیو ادامه خواهد داشت و هرگاه اخبار و اطلاعات جدیدی بدست آمد شنوندگان در چریان آن قرار خواهندگرفت. و به این شکل طبیعی و مستند، نمایشنامه هجوم از مریخ «اج. جی. ولز» از رادیو اجرا میشود، بدون اینکه تهیه کننده و اجراءکننده اصلی آن (ارسن ولز) بتواند تصور کند که اجرای خاص او از این نمایشنامه در شرائط دادخواهی احوال خاص سالیانی ۱۹۳۰ باغت بوجود آمدند یکی از بعران‌های بزرگ روحی و اجتماعی میشود.

برنامه باقی مانده بودکه مردم بسیاری در سراسر ایالات متحده آمریکا، از ترس هجوم مغرضی‌ها دست بدعا و گریه و زاری پرداخته و از وحشت و اضطراب، خانه و کاشانه خود را ترک گشته‌اند. پارهای از آنها خود را به منازل اقوام و دوستان رسانیده تا آنها را از این مصیبت، باصطلاح نجات بدنهند. تمدادی دیگر، از طریق تلفن بدوسنан و همسایگان خود پیام دادند. مردم باینگانی با ایستگاه‌های فرستنده‌های رادیویی و ادارات روزنامه‌ها تماس می‌گرفتند و خواستار املاعات پیشتری درباره جمیع افراد ناشناس از مریخ

● «جوزف هندلی» ساکن شهر کوچکی در غرب امریکا، اینطور گزارش میکند: به تظر من اجرای نایشنامه، یک شوخی با مزه شب هalloween Halloween بود (در این شب، مثل چهارشنبه سوری)، مردم امریکا بخصوص اطفال با شوخی های پامزه بودند. بطریکه در تحقیق پرسپور «کتریل» میخواستم، حدائق شش میلیون نفر امریکائی در آن شب بر تئامه «ارسن و لری» را از رادیو شنیدند و از این میان، حدائق یک میلیون نفر کنترول اعصاب و آرامش خود را از دست دادند.

چند هفته پس از پایان ماجرا، روزنامه‌ها داستان‌های جالبی از آنچه در آن شب به مردم وحشت‌زده آمده بود نقل کردند. اکثر این روزنامه‌ها محلی بودند و مطالب آنها مربوط به حوادث محلی میشدند. از طریق این جراید، مردم سراسر امریکا توانسته

ولز در نقش
پر حراست
مقام سیاسی
میگنند

چگونه باک نمايشنامه راديويي که بوسيله «ارسن ولز» تهيه و تنظيم شده بود امريکارا به وحشت انداخت

از: دکتر ابراهیم رشیدپور

رادیو هنوز هم مؤثرترین وسیله ارتباط جمعی است

ارسن ولز، هنرپیشه و کارگردان مشهور سینما را اغلب با کارهای هنری او در سینما که ممترین آن فیلم «همشوری کین» است می‌شناسید. اما در تاریخ وسائل ارتباط جمعی نیز از این هنرمند بزرگ سخن یمیان آمده و او را بعنوان منشاء یکی از حوادث جالب در این زمینه دانسته‌اند. «ارسن ولز» با تهیه و اجرای یک نمایشنامه‌ای رادیویی در سال ۱۹۲۷ میلادی باعث پیدایdenد یکی از واقعیت‌نادر و استثنایی تاریخ رادیو در دنیا شد، که در کلیه کتب ارتباط جمعی به آن اشاره شده است. این واقعه بخصوص از جمیت روشناسی توده‌ها و تالیر وسائل ارتباط جمعی در بعران‌ها مورد تعزیره و تحلیل قرار گرفته و ما در سلسه مقالات «گوشۀ هانوی» از تاریخ وسائل ارتباط جمعی یاک و کیف آن آشنا می‌شویم.

در شب ۲۰ اکتبر ۱۹۳۸ خورشید
نفر از مردم امریکا برای کوشک کردند
به یک برنامه رادیویی که «هموچو
مریخ» را نمایش میداد، کترول
از ارش خود را آهنهان از دست داد
که شاید بتوان گفت در تاریخ پیسابقه
بود. نمایش «هموچو از مریخ» که
 بواسیله «اج. جی. ول» نوشته شده
دانستان آمدن مردمان مردمان مریخ به زمین
و تبدیل تندن حاکی است. پروفسور
«هدلی کشتیل» که به کمک چنداداشت
دیگر، این واقعه جالب را مورد بررسی
علمی قرار داده و درباره آن کتاب
نوشته مدعی است که هرگز، قبل
این تاریخ، مردم به این شدت تحد
تائیر یک نمایشنامه یا برنامه رادیوی
قرار نگرفته و از ارش خود را از دس
نداده بودند.

پیش امدهن یکچهین و فایع پادشاه
دانشمندان علوم اجتماعی را که مطالعه رفاقت جمعی مردم، پیش از این‌جاوه رفاقت مهندسی استند با قرآن
گرانبهائی روپر و سیاست که حدایت استفاده را از آن بگذند. آنها معتقد هستند باید از این پیش امده استثنای حداکثر استفاده را به تفکر روش ساختن عکس العمل‌های جمعی کرد. البته عالم اجتماعی همچو نیتواند رویدادهایی از این قبیل پیش‌بینی کند اما اگر همیشه متوجه و بقول معروف گوش بزیرنگ با میتواند پلاقالسه پس از یک پیش استثنای و قبل از اینکه الرات یکلی از میان برود به تحقیق و در نهاده نکات «مسائل داد و ز



ولز در حال فیلمبرداری از فیلم «همشه‌ی کین»



جعفر التميمي
شبل العيسى



کمونیسم در خاور میانه عربی

و سیله نه هدف

از حوادث شنفتانگیز در تاریخ خاور میانه

عربی:

۱- ۱۹۴۷ کمونیسم بین المللی با تقسیم فلسطین موافقت کرد و سپس به اسرائیل دست داد.

۲- سال ۱۹۴۷ دولتها کمونیست در سازمان ملل متعدد از استقلال اردن حمایت نکردند و به موجودیت آن رای ندادند و این امر درجهت خواسته بود که نیتوانست ارتش قدرتمند اردن را در مرزهای شرقی خود تحمل کند.

تابستان ۱۹۵۱ ملک عبدالناصر موقیعه در مسجد عمر در بیت المقدس نماز میکاراد بقتل رسید و تحقیقات بعدی نشان داد که این قتل بعلت تعصّب نبوده و با پیشینی قلی انجام گرفته است.

فرزند ملک عبدالناصر بنام ملک طلال به سلطنت تو شده: محمود جعفر یان

رسید، بیمار بود و نمیتوانست وظائف خود را انجام دهد لذا ۱۹۵۲ امور سلطنت به فرزند طلا مولع شد، ملک حسین ۱۹۵۳ تاجگذاری کرد.

ملک حسین از روزی که به سلطنت رسید فلسطینیها را در دولت و اوتل سیم کرد، آما پناهندگان فلسطینی که موجب افزایش جمعیت اردن شده بودند و پردازد اردن چیزی تیغز و دند پس بسب محمل دشواریهای گذشت و عدم امکان مقابله با اسرائیل یه حکومت اردن پرداختند و پرچرا غباء روشن اردن حسد بردند.

گروههای سیاسی که در خاور میانه عربی از سوی قدرتمندی پرگزت برانگیخته شده بودند فعالیت خود را در اردن آغاز کردند و هر یک از این گروهها افراد فلسطینی را وسیله پیروزی قرار دادند: عدالت الریماوی رئیس حزب بعث عبدالله تواس از سران بعث و محمد عبدالرحم خلیفه رئیس جمعیت اخوان المسلمين.

حزب کمونیست اردن در کنترل تاریخ فلسطینیها به پاشیدن پذر ثقاف و اختلاف فعالان اقدام کرد.

کمونیستهای اردن در ۲۰ سال اخیر تلاش کردند که از راه تحریک فلسطینیها جنگهای داخلی را در این کشور شلملور سازند و از سوی دیگر خشم فلسطینیها را نسبت به اسرائیل کشورهای عربی و سیله قرار دادند تا بسیار کشورهای چونهای کشورهای کمونیست را بعنوان قدرتمندی آزادی بیخش به چریکهای فلسطینی اردن را کفایت کنند، اما، از سالهای نخست ارتشد آن که از عدهای در حدود هزار نفر بنام «الجیش العربي» تشکیل شد بقدرت و قدرتمندی در خاور میانه عربی شریعت یافت و در سالهای بعد نیز کشورهای قزوینند منطقه با تعبیمات پیشتر و تعداد افزونتر هرگز توانستند ارتش اردن را مشکلات کشوری که از نظر طبیعت نمیتوانست نیاز مردم آن را کفایت کند، اما، از سالهای نخست به تبعیض آن که از عدهای در حدود هزار نفر بنام «الجیش العربي» تشکیل شد بقدرت و قدرتمندی در خاور میانه عربی شریعت یافت و در سالهای بعد نیز کشورهای قزوینند منطقه با تعبیمات پیشتر و تعداد افزونتر هرگز توانستند ارتش اردن را نادیده بگیرند، ارتشی که مودم بادیه تشیین اردن نیز آن را حمایت میکردند.

از سه سال پیش که قدرتمندی استعمارگر شرق و غرب در خاور میانه عربی بیکدیگر تزویج کردند آثار توافق آنها در استفاده از تیرهای چریک شمشنتر در روابط فلسطینیها و اردنیها فاهر شد و بازار تور و کشتار در اردن گریختا در قالب محدودیت‌های تازه تعلم نکند لذا فقر و ناراضیتی را در اردن افزایش تریخواست تا ملک حسین تواند در پرایر ناراضیتیها باشد و زمام کار را بست کسانی بدهد که بغاوه است که نشریه حقیقت اوکان حزب کمونیست اردن در شماره ۱۹۷۱ تورو و صفحه اول را با تبادل نمایندگان سیاسی پرسیست شناخت.

امیر عبدالناصر از ۱۹۶۷ ملک عبدالناصر شد، پیشتر ۱۹۶۸ که شش کشور عربی علیه اسرائیل یعنی تاریخی از خاستدارش اردن پدیده شرکت داد، نائل شد، پریوودا، سامره و قسمی از شمال صحرای نقب دست یافت.

۱۹۴۹ نام این کشور به «المملكة الاردنیة»

با تغییر نام این کشور به «المملكة الاردنیة»

که فلسطینیها را با حقوق مردم اردن پیغایت پذیرفت و از ۱۹۵۰ آنها را در کابینه شرکت داد.

در این سال ملک عبدالناصر یکصد هزار نیاهنده فلسطینی وزارت را پذیرفت و روحی عبدالناصری فلسطینی و امور خارجه اردن را عهدهدار شد.

علی صبری

سادات هفته قبل ضربه جدیدی را در شرق خاور میانه عربی دریافت داشت و کشور معارض او را قدرتمندی نشان داد که کمونیستهای اردن توضیح که سادات از نظر شرائط داخلی که همواره در روابط این کشور و کشورهای عرب اخلاق کرده‌اند و از این نظر یا قدرتمندی استعمال اگر غربی همکاری کرده‌اند پایین علت که کمونیسم را یعنوان معارض و مخالف در پرایر دارد و نمیتواند مثل ناصر در سال ۱۹۵۹ قدرتمندی کمونیست را ایجاد کند، اما، میتواند با هوشیاری فشارهای تازه را در قالب محدودیت‌های تازه تعلم نکند لذا فقر و ناراضیتی را در اردن افزایش تریخواست تا ملک حسین تواند در پرایر ناراضیتیها باشد و از سال ۱۹۶۰ این نمایری که پیشنهاد پادشاه اردن را در مورد طرح وحدت اسلامیان کامل نداشت یعنی مطلعه دانست کسی است که طعم ضربات کمونیستها را در راه ایجاد ناراضیت در کشور خود بتفاوت چشمگیری پیشنهاد میکند و این را پذیرفته است.

سادات که با اردن روابط پیشگیری کشانده شده است با درجه سرهنگی ۱۷ سال پیش از این مسافت کرد و آن روز با گرمی پذیرفته شد.

معمر القذافی

شبلی العیسی که بعد از میشل عفلق مرد پرتر

حزب بعث عراق است و چنایهای این حزب را علاوه بر اینکه میکند و سالماً با کمونیسم مبارزه داشته اینکه پاسکوت و نطق‌های بی تفاوت بیغواهی اضطرار امیزش با کمونیستها نشود!

اما، اجزای کمونیست کشورهای عرب که ناخلر پروریها هستند خود بیش از همه اضطراب دارند زیرا تاکنون بارها مورد عامله قرار گرفته‌اند و سیله کسب امتیاز برای قدرتمندی کمونیست بوده‌اند.

فادایان فلسطینی که از حمایت قدرتمندی کمونیسم طرفی نبشه‌اند در شرائط قرارداد را که حزب کمونیست فلسطین میگوید: اسراب نیاید بمبازرات فلسطینیان متفکی شوند.

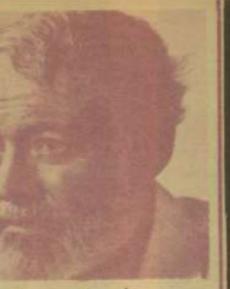
لذا در مجموع بار دیگر کمونیسم در خاور میانه عربی و سیله ایت نهادن همچنانکه اقلابی ای اسراب غرب ساختنی خاور میانه عربی نیز برای استعمار غرب هدف نیست!

ملک حسین

انور الدادان



شخصیت بزرگ



ارفت همینگوی

Ernest Hemingway

از سال ۱۹۲۴، و در آن زمان که «هم»^۱ – نامی که اغلب برای او پکار می‌بردیم و «هلدی»^۲ (زنش) کنار کارخانه چوب‌بری خیابان نویردام زندگی می‌کردند، شروع کردیم در من باین ساله فکر می‌کردم که در آنجا بهارگام تامش یوتی‌حقیقی یاسی پوشیده از شکوفه هم وجود داشت.

برندۀ نوبل ۱۹۶۳

ترجمه: عده‌دان غریبی

جورج سه‌فه ریس

لندن بود در شعر الیوت جستجو کرد؛ بر ترا
گفت اند که حرفه‌ش را از الیوت گرفت.
آدمی که دو جنگ جهانی دیده آنقدر حرف
دارد که سرش بکار خودش باشد. شعر
او شرار از مالیخولیات نفیل و تصویر
است - دنیالی شعر یونان باستان در روای
نو، پس بخواهد، در خلاق چیز آن.
آنچه اندوختگانی بودندیک، هم‌واردانی که
از خشکی یا از ترد حیات در آن روزگار
است، با اینشه هرگز در شرف اندوه‌گان
شعری او، در اکثر موارد در چیز عکس
دیده باستانی، جزیی و خدای است. خدایان
که باد را و باران را بذریه هشوند
در سال ۱۹۶۳ ازیان «نوبل» نوبل
ادیبات را با دادن، اشک در چشمای پیر-
مرد جمع شد و همچون شبدی در دم
مرگ، طرف قیله‌اش پیجد: یونان^۱
باشد؛ بالوده از حواس اما روشنی بخش
جهان مستحبها سکای یافته

جورج سه‌فه ریس که بال ۱۹۵۰ زشتی‌ها و زیلی‌ها، بخوبی، نه ختم آلوهه،
که اندوه‌گانی در تیر سخن او اگر تردید
مشکنی ناشی از ترد حیات یا از سرما-
زندگی توین بخشید، بمعاهد دیگر، و تو،
است، با اینشه هرگز در شرف اندوه‌گان
شعری او، در اکثر موارد در چیز عکس
دیده باستانی، جزیی و خدای است. خدایان
که باد را و باران را بذریه هشوند
شعر سه‌فه ریس پس از مجموعه فقط
فروزان را، نه به فراز آسمان، که بر این
این برندۀ تکه باره شده - و
علق از قید قلم عذاب دارد و رها در
فروخ حاکم، تا به آن علو و پرگی بخشید،
به تغیر فوکر، حرف را بسیار حسی و از
گریزنده - را باد ملامت کرد؛ باد از
مناهم - بیشتر - همچنان شد؛ به‌الدو نشسته‌ی
ادرون افلاک‌ها ننان مدهد؛ الفکاس
پیاریش که بود و حقوق مخواه
بالوده؛ بالوده از حواس اما روشنی بخش
جهان سه‌فه ریس به‌ستایش اندوه‌گانه می-

در قبرس دریائی
قدیس شد
تامرا بید وطن انداد

من به‌نهایی باین افسانه لشکر الداخلم
اگر حقیقت داشته باشد که این یک افسانه است
اگر حقیقت داشته باشد که قاتلان
دوباره بر لیلر لشکر خدایان پیروز شوند

اگر حقیقت داشته باشد
که بعد از اینشه سال، «توسری» دیگر
با آن‌اکس یا بیریام و هکوپان دیگر
با دیگر کسی ناشانته و پی‌نام که
«سکماندری» دیده باشد لبیز از عشقها

که سرونشت او چین بود که بشود
پیکها آدمه‌اند تا بلو بگویند
این‌شه روح، این‌شه زندگی
بدوزخ واصل شده است
همگی همگی

برای: جامه‌ی تیپ، همگی برای: هلن.
فبرد در دریا

سه صخره، چند کاج سوخته، نازخاله‌ی متوجه
و آنسوی‌تر
همان نما تکرار می‌شود، باز آغاز می‌شود؛
سه صخره همچون دروازه‌ی، بوسیده
چند کاج سوخته، سیاه و زرد
و گلبه مرتع مدفون در دوغ‌آب؛
و آنسوی‌تر همان نما
تکرار می‌شود طبعاً بعد از سطح دیگر
تا افق، تا آسمان رو بباریک
این‌جا لشکر افکنیده تا باروهای شکته را سرهم کنیم
تا آب بتوشیم تا بخوابیم
دریایی که تلخان کرد زف و نامکوف است
و آتشی بی‌هرز را آشکار می‌کند
این‌جا میان مستحبها سکای یافته
و برای سکه طاس ریختیم
جوائزین‌مان برد و غیش زد^۲

باز غریب است که باروهای شکته‌مان
۱- باره‌هایی از این معروفی کوتاه را از هفتین
دفتر آرس- گرامن سیروس طلباز بواه گرفتند.
۲- تکاه کنید به دایسه

- که چین اندیشیدن بود؟ -

هل!

این، آنکه او را ما

- برگرهای «سکماند» شکار کردیم
او، آنجا بود، در دامن یابان، من او را لعن کرد؛ او با
من چینن گفت:

او راست نیست این، راست نیست
- فرید زد

من برکشی آبی - کمان نشتم
من نزفم به‌ترورای دلیر، هرگز^۳

که آنمه روحی که برده، برای ابری بود؟ برای هچ؟
- او بیهد، هلن

بلبلان نیستکارند بخوابی، در بالاتر^۴

بلبل خجول، در آنکه دندنه برگها
تو که موسری بخشیدی، خنک چنگل را،
به‌تنهای هنلشی، به‌جانهای آنکه میدانستند

بر توهاهد گشت
صادای کور، ای آنکه در تاریک خاطره

گامها و حرکات را - شهادت ندارم تا بگویم بوسه‌ها را -
و طفیان تلخ زد - بردگان وحش شده را

لمس می‌کنی

بلبلان نیستکارند بخوابی، در بالاتر^۵

بالاتر جست و این جزیره که آنرا می‌شناسد؟

من زندگیم را زسته‌ام در شنیدن نامهای ناشنا:
کشورهای جدید، ایلی‌های جدید آدمیان

یا از آن خدایان، می‌کنم

سرنوشت من، که هردد است
در میان آخرین شنیری آن‌اکسی

یا دیگر «اسلامی»
مرا اینجا کشاند، بدین ساحل

که غذای سنگ آسایها شد
همچون دانهای گندم

و شظبا ورم کردند، خون در بستری از جرق شد و گفت

برای اینجاست که بارچین بود، تکه ابری
و سوسی برواله‌ی، گرد قوی

حققت، کجاست حققت؟

من خود کمانداری بود در جنگ

سرنوشت من: سرونوشت آدمی است که هدف خوش را

گم کرده است

بلبل بلبل بلبل

جست یک خدا! چه نیست یک خدا. و در میان این دو

ای بلبل غزلخوان

در شیش اینجین، برگرهای پرتوتوس

دختر - بردگان اسپارتی آواز تو را شیدند و مریهای

خوبی را رقصیدند و در میان ایشان

برنده گریان

که بنحوی راضی‌اش کنیم.

من و مینتوکی سدهاها فرانکروی

این اسب شرط پستم. «هارولد» با

متصدی اصطبل قرار گذاشت که بطور

خصوصی نگاهی به‌اس بیندازیم.

اسپ کوچک چایک و قوه‌ای رنگی بود.

موارکار محربانه گفت که تمام

پس انداش داشت. مختصر اش بسته

بسته است. همچنان‌ها می‌شود به‌اس

انداختیم و به‌یعنی اش آهسته دست

کشیدیم و می‌می‌لای را کنار گذاشت. به‌نظر

میرسید که حتی علاقه‌اش به‌مشروط

فرانسه من گردید، اما وقتی به‌گیشه

شرط‌پندی مراجعه کردیم، اختلاف

می‌جودش بود و خوش

مشربی اش را حفظ کرد بود زندگی

می‌خانه گردی رقت‌انگیزی گذاشت که با

فرودمان شام مفصلی در «فیوی»^۶

پس از پیش خوبی داشت، امداد

پیش از آب زمزد، موارکارش را

پوشش از آب زمزد.

زیادی بر اندیخت اما از آن تقدیمی

چندانی عایدش نشد. شیع اصلی در

آمدش شعرهای سوزن‌نگی بود که بیرای

مجله‌ی «هارولد» و آن‌مود کرد که مارا

نمی‌نوشت. از غرایی که در این اس

هیچکدام تحمل‌پذیر راند اشیم،

بود کلی تغییر می‌کردیم.

ما خبرهای محربانه را مجازی

از «هارولد استرن» کسب می‌کردیم.

«هارولد» آدم فوق‌العاده‌ی بود. بیان

مقالاتی که در مجله‌ی «جمهوری جدید»

و سایر روزنامه‌ای مستقل می‌نوشت،

و بعد از آن به‌ای پهلوی داده شد.

دار چشک‌پری بود که می‌بادد

رساند. ما مرت بی‌مددیک پول قرض

میدادیم. او متوجه شد که می‌تواند تابلو

را بیدار یا سه‌هزار فرانک بخرد (مبلغی

در کتابخانه ای از ۷۰۰۰ تا ۸۰۰۰

آنرا راه می‌انداخت. مدعی بود.

کس دیگری آنرا بخورد. تابلو را باشند

فرارون یا خانه اورد. این تابلو بعنوان

یکی از بهترین کارهای «میر» یا پانی

خواهد ماند.

شور و هیجان «هم» سری بود.

با وجودیکه من نوعی واکنش در

مقابل قمار داشتم، او حتی مرد بیام

مسابقات اسب دوانی داشت. مدعی

بود میانه کلاته بی‌میر و یک روز بهاری

یده‌نداش بی‌اوتو و «لانکشامپ»

راد افتخاد. من مثل همیشه بیشتر به

او می‌خواست. از دوستاش چیزی

نمایش چشم داشتم تا پول. «گا»^۷ بود

که بمن امتحن اسبان مسابقات قسمان داد

این بار به‌تمام مسابقات و سوار

کاران را تشویق کنم.

حاشیه‌ای در باره

پیکاسو Picasso



پیکاسو آدمی کوتاه‌قدم، سیزه‌رو

و سادگی اپسانولیهای که می‌شود باشند

کنار آدم، ندارد، بطور مضعی مادی

است و بیش از شیوه‌ی خاص دهستان

اسپانیائی‌بی‌پیشی «ساتچوپانز»^۸

که لکی می‌وود ریسیدهای به‌شتابیان

دکله‌نداش بی‌مانه بود بطری عجیبی

بر افزوه شد. جرال می‌انجام تریتی

داد که آنها را از آن محل خارج کند.

ماهیا طول کشید تا دوباره آنها را

می‌مانیمی دعوت کردند.

مثل بیشتر ادبیات می‌ست اسکات

از نازاره کردن دوستاش بطری

بدخواهانه‌ای لدت می‌برد. یک وقت

دیگر کار زشتی کرد و آن‌م موقی بود

که به‌ینک از رستورانهای پاریس

می‌رفتیم. اسکات با پازد زین می‌سی

پاز سیکار و کبریتی که زن زین

خوبیدم تا پیکار و کبریت‌ها را از

اطراف جمع کنم. جرال باش چک

بانکی توان را پرداخت. بیچاره زن

پاک وارته بود. خنده‌نیان باین صحن

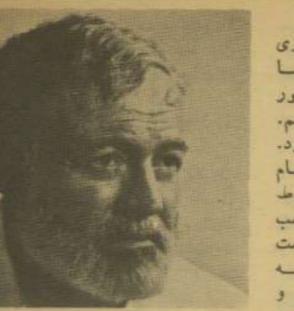
بعد معمولاً وقیع مجبور بود روی

بعضی کتابهای که قبل پوشش را گرفته

و خود کرده بود کار کند، برای

فروشنده‌نیان حالت عصبی خودش روش

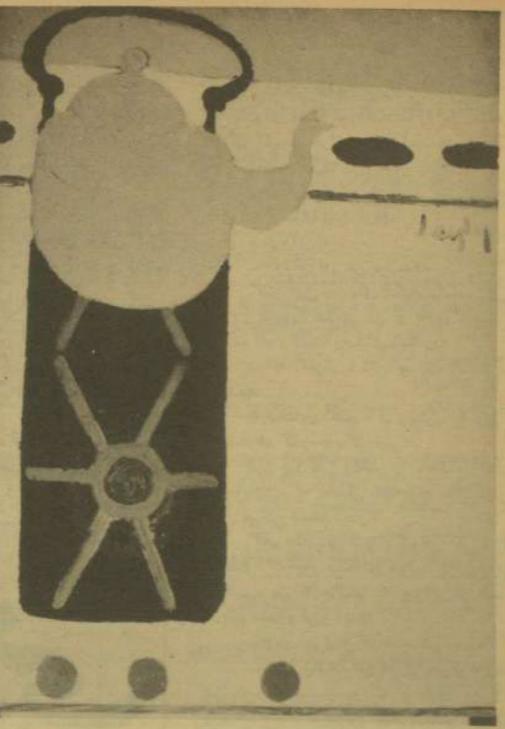
مخصوصی داشت.



بکوید اینها و اینها نیستند، آن چیزی که من خواهم ایستاد. بین ترتیب نتیجه کار آن کوک مسکن است با کار من یکی باشد یعنی اوهم فقط خورشید را نقاشی کنند ولی او فقط همین را می بیند. اما وقتی آگاهانه بود شما انتخاب می کنید.

● کسی پیشتر در مورد پذیرفتن این تنهایی، تنهایی زمانی، حرف بزن...

متین دفتری - من فکر می کنم تنها راه است یعنی اگر آدم بخواهد به یک جایی برسد باید این دعا را بکند که خدا ایا کلک کن بتوانم تنها باشم این دعای آدم باید باشد. چون طور دیگر نمی شود. آدم گول می خورد. ولی من فکر می کنم بهطور کلی غصه و هم‌آدمها تنها هستند. فقط شما کاهی می توانید از تنهایی در بیانی، یعنی تناس داشته باشی و بی باز و باز بر-می گردی به خودت، یعنی تفریح می کنی، مثل این که آدم از خانه بیرون می رود و در خیابان با یکدنه دعوا می کند و به مهمنی می ودد و می خندد و بعد شاید هم مست بکند و هر کار دیگر که دلش خواست، و آخرس، بالاخره شب نیاشد، فردا صبح برمی گردد به سخانه و تمام تجربه را از دست می دهد. تنهایی است. بتوانی آن تنهایی را قبول کنی، از همه چیز لذت می برمی چرا چون توقع نداری، من فکر می کنم خوشبخت ترین آدمی کرجه «خوشبخت»



از نقاشان ایرانی که می‌شوند،
شناسی کدام را می‌پسندی؟ ...
متن دفتری - راجع به این
موضوع اصلاً تصمیمی نگرفتام. نه
برای اینکه نتوانم بگویم. مثلاً از
زندگانی خوش می‌آید. در باره خیلی ها
در شک هستم. از خیلی ها هم بدم
می‌آید و نکر می‌کنم تباید نقاشی کنند
بعضی ها می‌ستند که واقعاً انسان
خاصی نسبت به آنها ندارم و ممکن
است یک روز مردمشان بشویم. چه
احتیاجی هست که نام ببرم. همین چند
نفری که الان مطرح می‌ستند و
کارهایشان به در و دیوار اتفاق
آوریزان است. اما از زندگانی خیلی
خوش می‌آید. توانی سیار استعداد
دارد ولی هر زمینی رود و درباره بهمن
محصص باید بگویم که انزوازی عجیب
و غریب است که در یک فضا حبس
شده و می‌خواهد خودش را منقذ کند
و بیرون پریزد. این انزوازی را تباید
قراءوش کرد.
... در مورد زنان نقاش، جه فک

متین دفتری - در موردهشان اصل
می‌کنی؟

● خانم متین دفتری مثل اینکه
خسته شده‌اید. یه امید دیدار.

شوند. چون ساده‌شان بیشان گفتند، آنوقت شروع می‌کنند به کم تان خودرند. همین ملور هم تمام آن کج و کولگی‌ها که قراردادی است پیواش پیواش به تقاضای آنها سراپا می‌کند. و تمام آن دیدی بازی را که داشتند از دست می‌دهند. بروای یک هنرمند فکر می‌کنم خیلی خوب است که این «این ها» نداشته باشد. یعنی بتواند همچیز را قبول کند و عادی و طبیعی بپسند. مظنوروم این نیست که دوره کودکی خودش را ادامه بدهد، اشتباه نشود. بلکه عقیده دارم باید یک مرحله‌ی را بگذراند و شخصیت تازه و منحصری بیابد راهش هم می‌ایست که ادم همه آن کج و کولگی‌ها را حس کند و به او جویی برسد که اصل خرد پیشود یعنی تحلیل بسیار و وقتی تمام سه مرحله‌ی گذراند، باید سادگی عجیب و غریب برگرد، آن وقت دارایی یک کودکی آگاهانه است مثلًا آن تابلوی که آن بیان می‌بینی، یک نقاشی اختبار است. ممکن است یک چیز اختبار را به صورت یک تکه قلبی اینچوری بینند، ولی الان من می‌دانم که وقتی کنار دریا از آنها دست زده‌می‌کنم...

متن دفتری - بینید، یک پهنه اصلا برای این که آنچه خودش نگش می کند بدون آنکه چیزی از خارج به سه آنچه او تعیین شده باشد شنان می دهد، آنچه در خود دارد بیرون می ریزد. حالا یابد یاخوب، سهم نیست. همانطور که می بینی بچه هایی که ۲ یا ۸ سال دارند نقاشی های فوق العاده می کنند. اصلا یک چیز هایی درست می کنند که واقعا زیباست. همان پهنه ها وقتی بمن ۱۴ یا ۱۵ سالگی رسند، یکدندست متوجه اهل افغانستان می شوند و می فهمند که ملا اک تیاد نات: بده ند حله -

تماس بودن است. یعنی وقتی تو و
قروری که آنرا کشیده‌بی و نقاشه
کردیدی، تماس داده‌ای باشی چطربه
می‌توانستی آنرا حس کنی؟ تو با ا
مردم تماس داری، یک تماس جسمی
روحی ...
متین دفتری - تماس ممکن است
به صورت یکطرفة باشد.
● یعنی از آنها قطع ام
می‌کنی؟
متین دفتری - چیزی که ،
می‌گوییم همین است. دایما در ته
همست، دایما آدم گول می‌خورد، د
آدم دستش را دراز می‌کند به ط
چیزی، و بعد آنچنان دستش در
ول می‌شودکه... آدم دلش پیهم خ
متین دفتری - این را کاملاً قبول
وجود ما بی تفاوت باشند.....
متین دفتری - این را کاملاً قبول
دارم.
● و این کنگاوری بسیار زیبا
و سازنده و لازم است، من این کنگاوری
مردم را دوست دارم و فکر من می‌باید
هم اینطور باشد حتی اگر گاهی
مرزهای کنگاوری و فضولی و مسخره
کردن کاملاً با هم تداخل کنند.
متین دفتری - این موضوع
کنگاوری و یا مسخره‌کردن، دولطفه
است. این را فراموش نکن.
● فکر نمی‌کنی از جانب تو
این مسخره‌کردن، یعنی انصافاًتر، از
طرف آنها، باشد؟
متین دفتری - سایر این ک

متین‌دقتی - بر این ایام
ذهنیت هنرمند بیشتر است. یعنی آنها
به دیک مرحله‌یی می‌رسند و می‌خورند
به دیک دیوارو در همانجا هاج واج
می‌مانند. در سورتی که مانع خواهیم
پدیداری بریسم و یا مسکن است از
دیوار بگذریم، بعد همینطور پخش و
پلا می‌شویم از این کوچه که نمی‌توانی
بگذری، می‌افضی در دیک کوچه دیگر...
یک راه دیگر ... اینطور نیست؟
● تا اندادهایی، اما به هر حال
در هر کوچه که بروی، مردم هستند و
تو تنها نیستی.
متین‌دقتی - تنها، که همیشه
هستیم. اصلاً محال است تنها نباشیم.
● اما مخصوصاً زندگی تو و
نقاشی هایت پر از حس و روابط
انسانی و ملو از حرکات مردم است.
متین‌دقتی - این دلیل نشد که
من حس نکنم، تسامس داشتن باشند کردن
خیلی فرق دارد، آدم آزاد است همه
چیز را حس کنند...
● ولی، لازمه حس کردن در



تصویر هنرمند در جمع

لیلی متن دفتری، هنرمند از
و بین های و هوی، در یک گفتگو
صمیمانه با پرویز اسلامی
از تقدیر خودش درباره زندگی مرد
نقاشی و دیگران سخن گفته است.
حرفاً و دردن لیلی آسان نبوده، چون
شدت از تفاوت پرهیزی می کند، مجده
است و بی ادعاء، و می بینید که در
گفتگو چگونه صمیمیت از هر کلام
می تراوید.

تو
مت.
شدت
در
مان
نامه

- من فکر می کنم همه ترس تو
با خاطر خودت است و از این که مردم
ترا تعریف کنند، من ترسی از این
که درباره تو حرف زده شود، و یا
اصلًا ترا یکجوره دیگر شناس بدهند
و حشتم داری. در حالیکه من فکر
می کنم آنها حق دارند ترا یکجوره دیگر
شناس کنند این که حتیاً یکجوره
دیگر ترا فرمیده‌اند و حس کرده‌اند.
متین دفتری - خوب هر کسی دید
خودش را دارد.
- اگر این را قبول می کنی، چه
ترس از این «دیدن»‌ها داری؟
متین دفتری - من ترس ندارم،
اصلاً بی‌زارم. فکر می کنم که اصلاً
به چه کسی مربوط است من به چه
فکر می کنم؟
چطور یکسی چه؟ پس چه؟
این «فکر» را به صورت نقاشی معروف
می کنی؟
- **متین دفتری** - آنچنان‌هایی را که
دارم و می خواهم یکجوره در آن می کویم
آن کسی که نقاشی مرا می بیند
آنچنان‌هایی را که می توانند و می خواهند
برداشت خواهد کرد.
ولی توکه یه او اجازه برداش
نهی دهی:

- متین دفتری - چه؟
 - تو می گویی بدجه دلیل به داریه نباشد، درباره تو فکر کنند؛ درباره نایابی تو فکر کنند، درباره «تو» فکر کنند. متین دفتری - در آن صورت باشد. اما من فکر می کنم چه لزوم دارد وقتی یکنفر همچیزش را نایاب می گذارد، باز هم درباره صحبت بشود. من واقعاً حس می آینچه را لازم باشد کهنه باشم.
 - درباره زندگی تو هم بزنند.
- حرف دفتری - خوب حرف بزن من حق ندارم نکدام آنها حرف بزن به من چه؟
 - یعنی پرای تو یکنوع بی تأثیر وجود آید؟
- متین دفتری - نمی دانم، اما نکنم بی تفاوت شده باشم. اما دلیلی ندارد که به کسی حساس باشد.
- طبعتاً منظوره.

طیعت میخواهد
متین دفتری - خوب آدم
خاص دارد و مردم هم هر چیز
دلشان خواست میکنند اما
زندگی یک سخته تاثر نیست
باره هر کارم فکر کنم که تم
از کار من در صحنه چه
خواهند داشت و یا برای این
برداشتی بکنند کاری را انجام
● این که اصلاً مطرح
ولی مانناهندگان مجبور هستیم
در مورد این مردم فکر کیم،
میان آنها زندگی میکنیم.
متین دفتری - مسلمان
● پس مسایل آنها
کاملاً مطرود و بی تفاوت
میدانی من از آن بی تقاضا
دایم. بیشتر ترجیح می‌دهم
خیابان به تویا به من بخندند و
کنند ما نسبت به وجود ما

در این پندرگاه، توده‌هایی از بن و آهن بود، اما دریا، از هیچ سودیده نمیشد. یا دست کم، من نمیتوانستم به بینش، گرچه یکساعت تمام بود که در حومه‌ی شیر آتومبیل میراند.

جاده از میان خاکریزها و تعمیر گاههای راه آهن میگذرد، به زیر پلها میخزید، و در پیچهای آن از کنار ایارهای ملا آور و مخازن بزرگ رد میشد. گاههای درخش آبی عکل آلو، ازین دیوارهای بودند که بچشم میخورد و شور رسیدن به فضای باز، وادار میکرد بر سرعت بیفزایم. اما در هیچ جا از دریا دادار میگردند و زنب و پیچهای زیر ساینهای موقت گردند، آنده بودند و نات آنده از پارش میل آس، عبوس و اختم آلود به آب نگاه میگردند.

آب کمال از همسوس با بدنه‌ی هیولا کشته شادر طبقه گذشت و با پشت سرگذاشت شهرک «موبدن» باید دیوارهای خشک و جنگل اینه از جراحتالیا بولادین، مخازن آب و ایارهای محاصره شده بود. سر الجام نکلی راه را گم کرد و اتومبیل در کوچه‌ی بنستی سردرآورد.

موتور را خاکوش کرد، قشمارا درآورد و سعی کرد موقعت محلی را روشن کنم، با پرداخت از خطوط قوه راهنم، پنظام رسید که تنها راه رسیدن به دریا، گسترد و باز و بدون جراثمالی و شبکه‌های آهنه زنک دور شدن از کناره است. راه افتاده و پس از گذشت

و گلهای آبی



بوگومیل رینف
ترجمه: محمدعلی صفریان

بوگومیل رینف - Bogomil Rainov بال در صوفیه - بلغارستان - بدنبال آمده و فارغ التحصیل رشته‌ی فلسفه از دانشگاه همین شهر است. طی دوران نزدیگی موفق نویسنده‌ی شیخ در بسیاری امور عتیق علمی و روزنامه‌نگاری دست داشته، مدتی ایستاده فرهنگی سفارت بلغارستان در پاریس بوده و اکنون نزد موسسه عالی هنرهای زیبا، استاد زبانی‌شناسی است و سردبیری کل مجله‌ی ادبی Literaturen Front را نیز بعده دارد.

آثار نثر یافته‌اش - که از سال ۱۹۴۰ همچنان بی وقفه ادامه داشته - شامل مجموعه‌های قصه و چند کتاب در زمینه‌ی تقدیمی است.

از نواحی مرکزی، امتداد شاهراه را در پیش گرفت. باران که از پامداد هنوز بند نیامده بود، پکریزی پارید. پشتنهای این اثباتی از ابرهای تیره و پر آب در پنهان آسمان میخزید. دشت اطراف، پوشیده از آب و غرق در باران و میزگاههای درخشانه، با آسمان در آمیخته بود. باد از وسخ افتاده بود. باران با صدای آرام و خفهای برپلندی علفپوش آشکن فروید. انشت قطرات باران را از صورت پاک میکرد که حس کرد کسی پشتسر است. کم سرم را برگرداند. دختر جوان روسی خیس را در خانگان کنار جاده، اتکار در لالش برای رهای خود از دوار باران و پاد بندت تکانه را در پیش گرفت. باران که از پامداد هنوز بند نیامده بود، پکریزی پنهان داشت و دورتر از آن خاکستری دریا و خاکستری سیکاری روش کرد و گفتم در کشور ما، دخترای جوون، روزایی کشیده شده بود. تکه‌هایی از آسمان لیلی، از خالی پاره‌های ابر بالای سرمان بیرون زده بود. پیش باران به ترشح شیشه شیشه بدل شده بودند. ملایمی که از خلیج بوزد، بوئی تازه و محسوس از لعک و خوبی دریایی با خود داشت. دختر به آرامی از آشکن بسوی دهانه کالال سازیز شد.

من هم دنبالش رفتم. روی قایق واژگون، در ماههای وین نیزه، انتستم، در فاصله‌ای نه چندان دور، دو پیرمرد ریشه، اطراف قایق موتوی قزم رنگی که با محل کشیده بود، پرسه میزدند. همچنان بی وقفه ادامه داشته - شامل مجموعه‌های قصه و چند کتاب در زمینه‌ی تقدیمی است.

اما خوش تر کیم، با سری که حالت دل‌انگیز داشت و

بوری شیری رنگ، چشمتش - به غایت جدی -

باران به کنار دریا بروم.

به جاده سنتگریزهای از نهادنده

زدیگی ساحل برآب روان بودند و خانواده‌های

را به گردش میراند.

یدران، بوب ماهیگیری بست، صبورانه نزیر باران

نشسته بودند و زنب و پیچهای زیر ساینهای موقت گردند،

خبری نبود.

آب کمال از همسوس با بدنه‌ی هیولا کشته شادر

اسکله‌های خشک و جنگل اینه از جراحتالیا بولادین،

مخازن آب و ایارهای محاصره شده بود.

سر الجام نکلی راه را گم کرد و اتومبیل واز پشکن

بالارقام.

ذیروخی در آن حوالی دیده نمیشد، سرافاجام، زیر

باران سیل آسما که پرس و رویم میریخت، دریا را دیده،

گسترد و باز و بدون جراثمالی و شبکه‌های آهنه زنک

بالارقام.

زیرهای در آن حوالی دیده نمیشد، سرافاجام، زیر

دریسته و خشک و تازه از پرسته شده بود.

درباره دیده و پرسته شده بود.

آنچه بیکار میکنم؟

از هیچی، گردش میکنم؟

آه، چرا؟ آمده هم کور بزرگ نیست،

درشت و خاکستری رو که تو بارون رو به آشکن متولا

و ایاده بشاه، فراموش کنه، و راستی، تو هنوز بیه کشتن

اینجا بیکار میکنم؟

آه، چرا؟ آمده هم که بادیدنیز بیارهه؟

درشت و خاکستری رو که تو بارون رو به آشکن متولا

و ایاده بشاه، فراموش کنه، و راستی، تو هنوز بیه کشتن

اینجا بیکار میکنم؟

آه، چرا؟ آمده هم که بادیدنیز بیارهه؟

درشت و خاکستری رو که تو بارون رو به آشکن متولا

و ایاده بشاه، فراموش کنه، و راستی، تو هنوز بیه کشتن

اینجا بیکار میکنم؟

آه، چرا؟ آمده هم که بادیدنیز بیارهه؟

درشت و خاکستری رو که تو بارون رو به آشکن متولا

و ایاده بشاه، فراموش کنه، و راستی، تو هنوز بیه کشتن

اینجا بیکار میکنم؟

آه، چرا؟ آمده هم که بادیدنیز بیارهه؟

درشت و خاکستری رو که تو بارون رو به آشکن متولا

و ایاده بشاه، فراموش کنه، و راستی، تو هنوز بیه کشتن

اینجا بیکار میکنم؟

آه، چرا؟ آمده هم که بادیدنیز بیارهه؟

درشت و خاکستری رو که تو بارون رو به آشکن متولا

و ایاده بشاه، فراموش کنه، و راستی، تو هنوز بیه کشتن

اینجا بیکار میکنم؟

آه، چرا؟ آمده هم که بادیدنیز بیارهه؟

درشت و خاکستری رو که تو بارون رو به آشکن متولا

و ایاده بشاه، فراموش کنه، و راستی، تو هنوز بیه کشتن

اینجا بیکار میکنم؟

آه، چرا؟ آمده هم که بادیدنیز بیارهه؟

درشت و خاکستری رو که تو بارون رو به آشکن متولا

و ایاده بشاه، فراموش کنه، و راستی، تو هنوز بیه کشتن

اینجا بیکار میکنم؟

آه، چرا؟ آمده هم که بادیدنیز بیارهه؟

درشت و خاکستری رو که تو بارون رو به آشکن متولا

و ایاده بشاه، فراموش کنه، و راستی، تو هنوز بیه کشتن

اینجا بیکار میکنم؟

آه، چرا؟ آمده هم که بادیدنیز بیارهه؟

درشت و خاکستری رو که تو بارون رو به آشکن متولا

و ایاده بشاه، فراموش کنه، و راستی، تو هنوز بیه کشتن

اینجا بیکار میکنم؟

آه، چرا؟ آمده هم که بادیدنیز بیارهه؟

درشت و خاکستری رو که تو بارون رو به آشکن متولا

و ایاده بشاه، فراموش کنه، و راستی، تو هنوز بیه کشتن

اینجا بیکار میکنم؟

آه، چرا؟ آمده هم که بادیدنیز بیارهه؟

درشت و خاکستری رو که تو بارون رو به آشکن متولا

و ایاده بشاه، فراموش کنه، و راستی، تو هنوز بیه کشتن

اینجا بیکار میکنم؟

آه، چرا؟ آمده هم که بادیدنیز بیارهه؟

درشت و خاکستری رو که تو بارون رو به آشکن متولا

و ایاده بشاه، فراموش کنه، و راستی، تو هنوز بیه کشتن

اینجا بیکار میکنم؟

آه، چرا؟ آمده هم که بادیدنیز بیارهه؟

درشت و خاکستری رو که تو بارون رو به آشکن متولا

و ایاده بشاه، فراموش کنه، و راستی، تو هنوز بیه کشتن

اینجا بیکار میکنم؟

آه، چرا؟ آمده هم که بادیدنیز بیارهه؟

درشت و خاکستری رو که تو بارون رو به آشکن متولا

و ایاده بشاه، فراموش کنه، و راستی، تو هنوز بیه کشتن

اینجا بیکار میکنم؟

آه، چرا؟ آمده هم که بادیدنیز بیارهه؟

درشت و خاکستری رو که تو بارون رو به آشکن متولا

و ایاده بشاه، فراموش کنه، و راستی، تو هنوز بیه کشتن

اینجا بیکار میکنم؟

آه، چرا؟ آمده هم که بادیدنیز بیارهه؟

درشت و خاکستری رو که تو بارون رو به آشکن متولا

و ایاده بشاه، فراموش کنه، و راستی، تو هنوز بیه کشتن

اینجا بیکار میکنم؟

آه، چرا؟ آمده هم که بادیدنیز بیارهه؟

درشت و خاکستری رو که تو بارون رو به آشکن متولا

و ایاده بشاه، فراموش کنه، و راستی، تو هنوز بیه کشتن

اینجا بیکار میکنم؟

آه، چرا؟ آمده هم که بادیدنیز بیارهه؟

درشت و خاکستری رو که تو بارون رو به آشکن متولا

و ایاده بشاه، فراموش کنه، و راستی، تو هنوز بیه کشتن

اینجا بیکار میکنم؟

آه، چرا؟ آمده هم که بادیدنیز بیارهه؟

درشت و خاکستری رو که تو بارون رو به آشکن متولا

و ایاده بشاه، فراموش کنه، و راستی، تو هنوز بیه کشتن

اینجا بیکار میکنم؟

آه، چرا؟ آمده هم که بادیدنیز بیارهه؟

درشت و خاکستری رو که تو بارون رو به آشکن متولا

و ایاده بشاه، فراموش کنه، و راستی، تو هنوز بیه کشتن

اینجا بیکار میکنم؟

آه، چرا؟ آمده هم که بادیدنیز بیارهه؟

درشت و خاکستری رو که تو بارون رو به آشکن متولا

و ایاده بشاه، فراموش کنه، و راستی، تو هنوز بیه کشتن

اینجا بیکار میکنم؟

آه، چرا؟ آمده هم که بادیدنیز بیارهه؟

درشت و خاکستری رو که تو بارون رو به آشکن متولا

و ایاده بشاه، فراموش کنه، و راستی، تو هنوز بیه کشتن

اینجا بیکار میکنم؟

آه، چرا؟ آمده هم که بادیدنیز بیارهه؟

درشت و خاکستری رو که تو بارون رو به آشکن متولا

دستگاه بینایی در حالی که تو
شخص ناینا حمل می‌شود. این شخص
تصویر دست راست خود را بصو
غکس سمت راست می‌بیند.

و از جیزه‌هایی که قبلاً فراموش شده بودیم، حرف زدن
بنی صحبت، ناگران و بی‌هیچ ارتباً با آنچه که می‌گفتند
گفته: «با اون پیرمرده ازدواج نکن»؛
جوهانا گفت اسمع خودمو می‌کنم» و بعد، بر
سومین بار خواهش کرد: «فردا نزهه، یه روز دیگه
یهون، اگه بخواهی هنم سر کار نمیر»
- «نه! تو نه جوهانا، بہت گفتم که فردا ویژام ن
می‌شنه»

فردا وی زام نوم نمیشه» چقدر احتماله نمیگوید، حقیقت داشت. حتی صدای قفسیا او را که در کنار دراز کشیده بود میشنید، شاید داشت به «فردا» فرمیگرد - به فردانی تحمل تا بدیرتر از بیش - و دوچرخه‌اش، به پاران، به ساندویچهای ناهارش، به نهادنی اش و به نامه‌هایی که آنهاه از آنها بیزار بود «آقای عزیز.....».

بعد صورتی را روی صورتیم حس کرد و صدا آرام او را شنیدم که گفت:

سیزدهم^{۱۵} بود که هتل را ترک کردیدم. آسمان دوبای
بری و دوست بود و میم کرد و تیربارنگ روز کمال شناسی
بود. در بازگشت هر دو خاموش بودند. من فرمam.
حکم گرفته بودم و پس دویم را نگاه میکردم. گل
نگاهگاه از گوشی هیچ نگاهی به آینه کوچک اونمیباشد.
پس از این ساعت و جو هالا را میدیدم که کسی بریده رنگ بود.
ما چشم اخوند و اندیشناک اما مثل هشیه تر و تاز
النگار که تازه بخواسته هم گردش. دلویم.

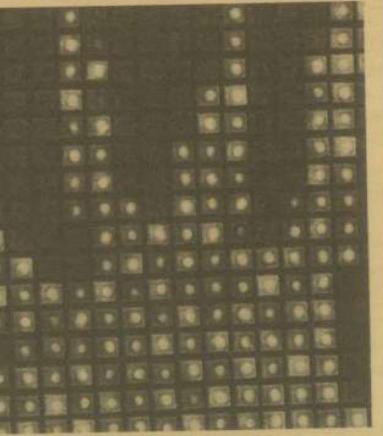
پیچ کوچک نمود و کبار اسکله‌ی قایقهای تقریباً
نگذشتند. جو هاتا گفت: «اون اتاق منه» و پیشتر
غیری در طبقه‌ی بالا اشاره کرد و افروز «خواهش
نمی‌کنم یاده شو» اما من بیاده شدم و برای آخرين با
از خواهشيم را به دور سانه‌هائش حلقه کردم و او هم جان
نمی‌آورد و این را می‌گفت که انتگار در آغوشش نگرفته بود و داشت
لاش میکرد که از او فرار کنم. بعد صورتم را بیرون
نهسته‌یش گرفت و بوسید و عقب کشید و بطرف خان
وید.

گوشه ۱۴۰ خیس بود. لحظه‌ای همه^۱ بیند و با
بجزه چشم دوختم اما پرده‌هایش افتاده بود. بعد از
توپیل تا کنار آشکن رفتم و نگاهشتهش. بر بلندی علیق
رش آشکن شستم و پستزده به خانیخ تکاه کردم.
تغیری تقریباً تکرده بود - همچنان زرد بود و سیز تیره و
آن درورها هم خاکستری. آشکن، کنار قایق
از گون در ماسه‌های خیس، چالی کفشهای من و کفشهای
چوچان هنوز دیده نمیشد، با خود گفتم «باد آنها
محظ خواهد کرد» - همانطور که در آن تزال آمدۀ
ست، یا شاید هم باران، که فرق نیکند». احسان
بردم خواهیم میاید، بطریق اتوپیل برگشتم، بی مرودعا
هش اندانهای و خلیل زود به رستواری رسیدم که روز
ش در آن ناهار خوردته بودم. هنوز بسته بود، در را
بیشتر خدمت که اکراه در را بیاز کرد، و هر آنرا
گفت، آه شما دیروزه اینجا بودین، میر^۲ یه چیزی
اقون یارم، تنهاییان؟
گفت «آه تنهای، تنهای تنهای»

قبه و صبحانه حالم را جا آورد، به خودم گفت
یکه کافیه، راه درازی در پیش داری

با اندازه‌ی کافی بینن در آتمیل داشتم و شاهراه
پیش تا افق پیش رونم گسترشده بود. با حداکثر هیبت اندم
سعی میکردم دیگر به چیزی فکر نکنم، اما وقتی به
دیر غریب رسیدم بی اختیار به آن پیویدم و بار دیگر،
چالشکه دوز پیش قایقه‌های همگانیگر برآب شناور
شد گذشتمن، خیابان پاریک را پیش سر گذاشتمن و به
کلکله رسیدم و برای آخرین بار به میدان کوچک،
اختنام آجری اکوچک، پنجه‌هی سفید کوچک... و
سیاه آئی، تکاه گرد.

بینائی تلویزیونی برای نابینایان



هر گز پیشکش پیشنهاد
 (سافر انسیکو-ایالات متحده امریکا)
 دستگاه بینایی تلویزیونی قابل حل را با همچنان خود،
 سر بر سرت دو تن از مختصان خود،
 بج رندا Bach Rita کار
 با پیروزی آزمایش
 پیزودی این دستگاه بیازارجهان عرضه خ
 شد و در اختیار نایابیان قرار خوا
 گرفت.

اختلاف این روش «دیدن» پیدا
تازه‌ای نیست ولی زمانی که اوین آزمایش
در مورد این اختلاف انجام گرفت به
دستگاه‌هایی که دیدن را ممکن می‌سند
فضای یک آفاق نسبتاً بزرگ را می‌
میکرد، ولی بدینه کوتوله کاملاً قابل
و برآب کوچکتر از یک کوله پشت

موده و میسر است.
و سالیان اگه اکون می باید تو
شخص تایا حل گردد عبارت از یاد عده
تلویزیونی است که بگویند یعنی من
شده که تصاویر را از طریق سیم با
دوربین تلویزیونی که شانه شخص آور
است می رساند و دوربین مذکور تصویر
دریافتی را به یک جدول التکرود که بصور
شکم بند به شکم تاییا بسته شده می رسد
دلیل انتخاب این تایه از بدنه حساس
فوق العاده ای است که بوسیله شکم
مقایسه با یقین سطع بدین دارد. تصاویر
منعکس روی جدول مذکور از اطرافیق اعماق
بیوست به مغز مرسنده و بدینکاره قدر
شئ ایکه مقابل عدسی تلویزیونی قرار
گرفته در مغز منعکس مشود. لئن
تصویر شبات چنانی با تصویری
چشم سالم به مغز می رساند ندارد ولی
صورت شخص تاییا را قادر به حرکت
تشخیص اشیاء، بخط اطراف خود می سازد
ساختن این دستگاه دقیقاً سه
بطایر انجام می گیرد.

بیرون میجید و هم ازون یک پرسنل
تازه‌ای توسط دکتر ریتا و کالینز بر
کاملنر و کمچتر این مستگاه اداء
دارد و بدین تردید در آینده بسیار تردید
نمایندیان جهان (که قادر به خرید
چنین مستگاهی باشند) خواهدند افزایش
از زندان تاریکی محض نجات یابند.

تصویر یک فنجان بصورتی که روی جلد
معکس شده به سلولهای یینایی مفتوح
شخص ناینا می‌رسد.



صفحه رویروز: رؤیا: خواننده رادیو
تلوزیون، صحنه‌گاهی
از تالی، پیاسوانان و
اخنابوس

بر نامه‌های هفتگی تلوزیون و رادیو

از پنجشنبه ۲۴ فروردین ماه
تاریخ: ۳۰ فروردین ۱۳۵۱

تلوزیون

بر نامه اول (شبکه)

بر نامه دوم

بر نامه مرآکز استانها

تلوزیون آموزشی

تلوزیون آمریکا

رادیو

بر نامه اول

بر نامه دوم

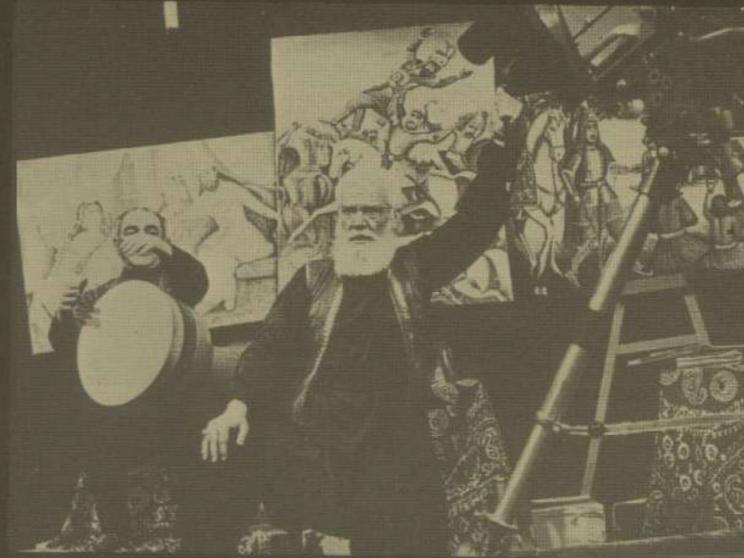


روی جلد: نلی خواننده رادیو و تلویزیون
(صفحه ۴۷ را مطالعه کنید)

در این قسمت می‌خواهید:

- کنسرت ارکستر روزدائل لاهه
(بر نامه‌ای از جشن هنر)
- چهره آشنا: نلی خواننده واریته
- عو هشت
- بازگشت پیروزمندانه ارکستر
- مجلس رادیو تلویزیون ملی
- ایران از اروپا
- صدای آشنا: آله
- معرفی یک بر نامه: چشم انداز
- جدول برنامه‌های تلویزیون و رادیو
- این هفته در محافل تهران

ممکن است در آخرین لحظات، لزوماً، تغییراتی در فهرست برنامه‌های رادیو و تلویزیون پیش بیاید. اینگونه تغییرات قبل از فرستنده‌ها اعلام می‌شود.
در ضمن توجه تماشاگران تلویزیون را باین نکته جلب می‌کنیم که جز برنامه‌های اخبار که در ساعت اعلام شده پخش می‌شود، ممکن است پخش بعضی برنامه‌ها چند دقیقه زودتر یا دیرتر از وقت اعلام شده آغاز شود.



برنامه اول

شبکه

جمعه ۲۵ فروردین

۱۹/۳۰	کیمی جوز	تاتر ۲۲/۵۰
۱۹/۵۵	شهر آفتاب	شنبه ۲۶ فروردین
۲۰/۳۰	خبر	
۲۰/۳۰	مسابقه ها	
۲۱/۵		

۱۷/۳۰	تلاوت قرآن
۱۷/۴۰	مجله تئاتر
۱۸/۱۰	روزها و روزنامه ها
۱۸/۳۵	فیلم مستند
۱۹/۴۰	بیلوازان
۲۰/۴۰	آخبار
۲۰/۴۰	گفتگو با آقای انصاری وزیر
۲۱	اقتصاد
۳۱/۴۰	اختابوس

پنجشنبه ۲۶ فروردین

۱۷/۳۰	تلاوت قرآن و سخنرانی
۱۸/۳۰	کودکان
۱۸/۳۰	تلاوت قرآن
۱۸/۴۵	آخبار (از شبکه سراسری اخبار)
۱۹/۳۰	محلي پخش خواهد شد)
۱۹/۳	برنامه جوانان
۱۹/۵۵	افوتک
۲۰/۳۰	آخبار
۲۱/۵	روزهای زندگی
۲۲	آدم و حوا

قالی فروشی، حرفه بی است که

برای مسابقه‌چهره‌های این هفت انتخاب
شده و با تعیینی که دو شرکت کننده
دیگر گرفته اند پاید منظر بمانیم که
گروه سوال‌کنندگان با شیادی قصد تصاحب
در زمینه این حرفه مچ قالی فروش
واقعی را باز می‌کنند.

۳۱/۵۰ گفتار
۳۲/۴۰ هشت قلب
۳۲/۴۰ درآمدی برمنوی معنوی
۳۲/۵۰ دکتر فرید زیر نامه از اراده بر منسوی معنوی

دکتر فرید زیر نامه از اراده بر منسوی معنوی

ایرج البابی، فرش ندیم، شکوفه
مقدم، منوچهر حقیقی در گروه اول و
سعید یغمایی، عبدالله دبیر، مهندس
جوادی محمد رضائی نیا در گروه دوم در
مسابقه برخورده اندیشه‌ها شرکت می‌
جویند.

۳۱/۴۵ پژوهش محله
تماشایان تلویزیون مدت‌ها است
که با چهره دکتر «ولی» آشنا شده‌اند
و میدانند که این دکتر با چه ماجرا
هایی غیر از حرفه‌اش درگیر است و
همیشه پرسش علاوه بر درمان جسمی به حل
بسیاری از مشکلات زندگی بیماران اتش
نیز می‌پردازد، این هفته نیز دکتر
ایتدای زنشوی، حوا برنامه آدم و حوا
ولی با مشکل اینچیز روپرست:
یکی از بیماران او که غواص ماهربی
است در معرض بیماری مهله‌کی قرار
حواله از خودن قرص ضد بارداری سر
گرفته که علت بروز آن غواصی است.
راپرت یانگک عبده‌دار نقش
دکتر ولی است. علاوه بر او، جیمز
مشاجره در میکردن و زمینه‌ای پرست
بروین و لیندا و دودگوئی در این
مددگار که پدر و مادر در این کاردخت
کنند، اما گار یه‌همینجا ختم نمی‌شود
و...
۳۲/۴۰ گفتگو با آقای انصاری وزیر
۳۲/۵۰ بالاتر از خطر

است نمایش آن از سر گرفته شده
همچنان برای مشکلات جهانی راه‌حل
هایی می‌جعوبد، اما قبل از هر چیز
تصمیم گرفته اند که مروری در حقیق
سال گذشته بکنند. اما در این هفته
جز سفر نیکسون به چین و بعراجن‌جزیره
مالت مسأله دیگر را نیتوانند بررسی
کنند،
نویسنده‌کارگردان این مجموعه،
پرویز صیاد و بازیگران عبارتند
از: رنگاران
۱۹/۴۰ برنامه ورزشی
برنامه گاهشماری
۳۰/۴۰ اخبار (از شبکه سراسری اخبار)
۳۱ گفتگو با آقای انصاری وزیر
۳۱/۴۰ مسابقه چهاردهم

عنوان فیلم این هفته بالاتر از
خطر «صنعتی‌کنیکی» است.

دوشنبه تراز به سرزمین کوچکی
کوچکت می‌کند. او عاشق مردی بنام
دیگر گرفته اند پاید منظر بمانیم که
گروه سوال‌کنندگان با شیادی قصد تصاحب
در زمینه این حرفه مچ قالی فروش
واقعی را باز می‌کنند.
۳۱/۵۰ این فیلم را آن کردی کار.
گردانی کرده است.

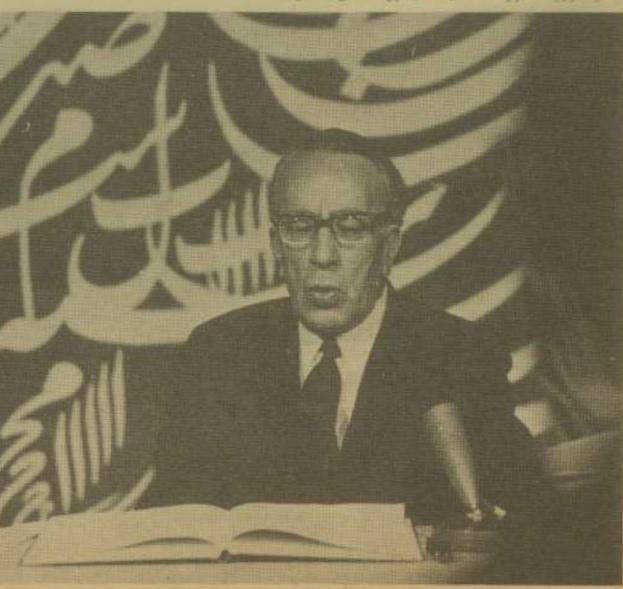
در این هفته، طی پهار برنامه که
روزهای پنجشنبه، جمعه، شنبه و یکشنبه از
تلوزیون (برنامه‌اول) پخش خواهد شد آقای
هوشیگر انصاری و وزیر اقتصاد در گفتگویی
با آقای محمود جعفری‌سان مفسر مجله تماشا،
میرامون مسابل گوگانگون اقتصادی نظریات
خود را بیان خواهند داشت.

۱۳	آخبار	یکشنبه ۲۷ فروردین
۱۴/۱۰	محله پیون	
۱۴	کانون خوانده	
۱۴/۴۰	آخبار	
۱۴/۵	پخش دوم	
۱۷	آموزش برای کودکان روسانی	پخش اول
۱۷/۴۵	آموزش برای بزرگسالان روسانی	
۱۸/۴۰	موسیقی تکنوژی	
۱۸/۴۵	آخبار	
۲۳/۴	آفاق	
۱۹/۳۰	مسابقه تلاش	
۱۹/۴۰		پخش اول
۱۹/۵۰		
۲۰/۳۰		
۲۰/۴۰		
۲۱/۵		
۲۱/۴۵		
۲۲/۴۰		
۲۲/۵۰		
۲۳		



باوزیر اقتصاد در باره مسائل اقتصادی ایران

در این هفته، طی پهار برنامه که
روزهای پنجشنبه، جمعه، شنبه و یکشنبه از
تلوزیون (برنامه‌اول) پخش خواهد شد آقای
هوشیگر انصاری و وزیر اقتصاد در گفتگویی
با آقای محمود جعفری‌سان مفسر مجله تماشا،
میرامون مسابل گوگانگون اقتصادی نظریات
خود را بیان خواهند داشت.



بیتر و اینکارد و قوبی روییز در «نویسنده کارآگاه»

پس‌گرفتن یکی از تبه‌کاران که توسط
سرکار استوار دستگیر شده است
شرکت‌کنندگان این هفته، که برای
قدملی را بدزندن.
وقتی به تلاشی بزرگ دست‌گردانند:
نویسنده این برنامه محمود
باقر لوسانی، نوروزی، ابوالقاسم
اعتمادی، هوشنگ نعمت‌الهی در رشتا
های تاریخ ایران، ورزش پولنیک
ادیات روسیه و چغفاریای جهان هستند.
بازیگران: عبدالعلی همایون -
حسین حسینی - هادی - آپیک -
گودرزی - عبدالوهابی - ذرین پور -
اسکندری محمود پهلوی نوروزی و
 Zahedi هستند.

در این برنامه آقای دکتر جانی
به معرفی آثار و احوال اقبال لاموری
شاعر پارس‌گوی پاکستان می‌پردازد.
با این اعتقاد که تنها بیان احوال
شخصی افراد نمی‌تواند معرفت حقیقت
وجودی آنان پاشد از این دیدگاه است
که ذکر آثار و افکار این گوینده
می‌ود.

۳۱/۴۰ اخبار

سهشنبه ۲۹ فروردین



اصفهان هر روز باستانی روزهای
جمعه ساعت ۱۸/۴۵ اخبار استان

ایرج اجرای آنرا بعده دارند.
سرکار استوار دستگیر شده است
شروعی از تلاشی بزرگ دست‌گردانند:
نویسنده این برنامه محمود
باقر لوسانی، نوروزی، ابوالقاسم
اعتمادی، هوشنگ نعمت‌الهی در رشتا
های تاریخ ایران، ورزش پولنیک
ادیات روسیه و چغفاریای جهان هستند.
بازیگران: عبدالعلی همایون -
حسین حسینی - هادی - آپیک -
گودرزی - عبدالوهابی - ذرین پور -
اسکندری محمود پهلوی نوروزی و
جیب‌الله روشندزاده در محیط

آیک و هانی در برنامه سرکار استوار

بخش اول

آخبار

۱۳

حفلات و ایمنی

۱۴/۱۰

آذان ۱

۱۴/۴۵

آخبار

۱۵/۳۰

آذان

۱۵/۴۵

آخبار

۱۶/۳۰

آذان

۱۶/۴۵

آخبار

۱۷/۳۰

آذان

۱۷/۴۵

آخبار

۱۸/۳۰

آذان

۱۸/۴۵

آخبار

۱۹/۳۰

آذان

۱۹/۴۵

آخبار

۲۰/۳۰

آذان

۲۰/۴۵

آخبار

۲۱/۳۰

آذان

۲۱/۴۵

آخبار

۲۲/۳۰

آذان

۲۲/۴۵

آخبار

۲۳/۳۰

آذان

۲۳/۴۵

آخبار

۲۴/۳۰

آذان

۲۴/۴۵

آخبار

۲۵/۳۰

آذان

۲۵/۴۵

آخبار

۲۶/۳۰

آذان

۲۶/۴۵

آخبار

۲۷/۳۰

آذان

۲۷/۴۵

آخبار

۲۸/۳۰

آذان

۲۸/۴۵

آخبار

۲۹/۳۰

برنامه دوم

پنجشنبه ۲۶ فروردین
روز پنجمین برنامه
شبکه سرتاسری تلویزیون ملی
ایران را رله خواهد کرد

جمعه ۲۵ فروردین
۱۹ آغاز برنامه
۱۹/۴۴ فیلم مستند (زیر سان)
اورور دونی که ادبیات فرانسه
اورا نام «ژریسان» به جهان شناساند،
در سال ۱۸۰۴ چشم بجهان گشود، در
۱۶ سالگی بازدواجه بارون دودوان
درآمد و پس از چندی با دو فرزند
از همسرش جدا شده و راهی پاریس
شد که در آن زمان کانون هنر و ادبیات
بود، هنف تا می‌کند که هنرمندانه
پرداخت و نمایش می‌کند که خود راهی است
برای نجات قهرمان می‌باشد.
که در آن گرفتار شده،
این فیلم را آنتوانی استیون از
در برنامه هنرهای تجسمی، فیلم از از
تلوزیون تنظیم کرده که هنرپیشه
آن آن بدن و کارگردانش
وی و کوشش هایی که در تصویر آنها
بکار برده نمایان می شود.
فیلم را آن رنه کارگردانی
کرده است.

چیکان در دست افراد سوسار
قرمز اسیر می شود و برای رهایی
نامهایی به پدرش می نویسد تا با دادن
نقشه های مورد نظر به این گروه او
را نجات دهد. کارآگاه نارومی
نقشه ای طرح می کند که در فیلم این
هننه فرماده به نام «نقابت را بردار»
خواهیم دید.

۳۱ رویدادهای هفته
۳۱/۴۰ اخبار
۳۱/۴۰ تام جوز

در این شو، باریار امک تبر و
دیکشن با تام جونز همکاری
می کنند.

شنبه ۲۶ فروردین

۱۹ آغاز برنامه
۱۹/۴۰ اخبار
۱۹/۴۰ روکامول
۱۹/۵۳ کندی کلاسیک
۳۰/۱۳ ایران زمین

در شانزدهمین برنامه از
برنامه های ادبیات کن ایران آقای
دکتر بهرام فرهادی به بیان بخششایی
از وندیداد و داستان جشنید از کتاب
اوستا می پردازد.

۳۰/۴۰ کارآگاه میگردد

۳۱ مسابقه جایزه بزرگ

دانش آموزان منتخب دودیستان
دخترانه و پسرانه و زجاوند و میرداماد
در مسابقه جایزه بزرگ شرکت می کنند و به سوالاتی که در زمینه دروس
کلاسیک و معلومات عمومی برای آنها
انتقام شده پاسخ میدهند.

خود از ملدهایی که در اجتماع
بسیارند استفاده کرده و همین توجه
او برای نشان دادن واقعیت های انسانی
او را برند جوایز بسیار کرده است.

۳۱ اخبار

۳۳ موسیقی ایرانی

۳۴ فیلم سینمایی

۳۵ در آوار بیماری

نمایش آن هفته است

که در آن اینگرید برگمن و سلی
هوارد شرکت دارند.

یکشنبه ۲۷ فروردین

۱۹ آغاز برنامه
۱۹/۴۳ اخبار
۱۹/۴۰ روکامول
۱۹/۵۳ در سرزمین های دیگر
۳۰/۱۳ نقایل

زاری کردن فریدون پر مرگت
ایرج، قسمتی دیگر از شاهنامه فردوسی
است که با تطبیق با طومار حاج حسین
بابا توسط گروه نقالان تهران بیان
می شود. تمهیل کننده و کارگردان ایران
برنامه پرویز صیاد است.

۱۹ آغاز برنامه

۱۹/۴۴ اخبار

۱۹/۴۰ روکامول

۱۹/۵۳ کن موت کریسو

آیه فاریا کنیتی ایتالیائی است

که خواهان استقلال و یکپارچگی ایتالیا

بوده و به همین دلیل به زندان افتاده

است، حاده ای تازه او و ادموندانه

را آشنا می کند که خود راهی است

برای نجات قهرمان می باشد

که در آن گرفتار شده.

این فیلم را آنتونی استیون از

آلر شمور الکساندر دوما برای

تلوزیون تنظیم کرده که هنرپیشه

اصلی آن آن بدن و کارگردانش

وی و کوشش هایی که در تصویر آنها

بکار برده نمایان می شود.

فیلم را آن رنه کارگردانی

کرده است.

۲۰ موسیقی ایرانی

۲۱ قرن بیست و یکم

مجموعه قرن بیست و یکم

نایشگر صنعت و تکنیک در این

عصر و پیشرفت های آن است.

این فیلم را جیمز جاکسون

کارگردانی می کند.

۲۲/۳۰ جشن هنر

ارکستر رزیدانس لاهه
(صفحه ۳۶ را مطالعه فرمایید)

سه شنبه ۲۹ فروردین

۱۹ آغاز برنامه

۱۹/۴۴ اخبار

۱۹/۴۰ روکامول

۱۹/۵۳ کانون خانواده

۳۰/۱۸ گذرگاه

۳۰/۴۰ داش

نماش نامه «فرشته برف» نوشته

لویس جان کارلیتو بکارگردانی اسماعیل

شنگله با شرکت محمدعلی کشاورز و

فخری خوروش اجراء می شود.

در نیویورک پا بعرصه وجود نهاد، در

سال ۱۹۶۲ با دو نمایش «فرشته برف»

و «پی فانی» که تحت عنوان «قصص ها»

منتشر شد مورد توجه قرار گرفت،

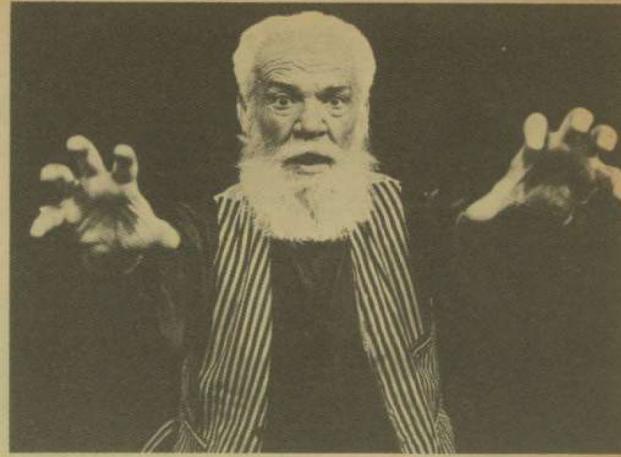
موافق شده اند پیشگوئی هایی از وضعی

در هر دو نمایش کارلیتو واقعیت

ریشه های بیکاری بین زن و مرد که

درست باشد. که دلیل بر عدم آگاهی

تام جونز



قلبهای جوان

جان کنیور - دوگلاس فرنیکس
و پالت گودار، بازیگران فیلم سینمایی
قلبهای جوان هستند.

چهارشنبه ۳۰ فروردین

۱۹ آغاز برنامه

۱۹/۴۳ اخبار

۱۹/۴۰ روکامول

۱۹/۴۱ دکتر بن کیسی

۳۰/۳۰ موسیقی کلاسیک

در برنامه موسیقی کلاسیک کسرتو
برای وبلن وارکستر درمی منور ایوس ۶۴
اثر قلبک مندلسون (Mendelssohn) توسط
ارکستر بلژیکی رادیو تلویزیون فرانسه
برهمی ریز تزی پین (Georges Tzipins)
و تک نوازی گابریل دوری (Gabriells Devries)
را بهای میز معاکه کشانید. بعد از

هواشناسان نیست بلکه به اسرار
«روحان کروآس» چشم بجهان گشود،
موجود در هوای اطراف پستگی دارد
که در فیلم علمی هفته از پارهای از
آنها پرده برداشته می شود و بدلتای
حقوق به پاریس آمد، ولی بهاری
اعصاب بیبی شد که بسال ۱۸۴۴
دانشکده را ترک کرده و پیزادگاهش
بروید، بعد از سفر به ایتالیا، ایتالیان

۳۱/۵۵ وارته

۳۱/۴۵ اخبار

۳۲ موسیقی ایرانی

۳۲/۴۵ فراگیری عشق

اسان داستانی بیهین نام از «گوستاو
فلوبیر» نویسنده معروف فرانسوی که
بیشتر شنیده اند گاریل دوری (Gabriells Devries)
را بهای میز معاکه کشانید. بعد از

سایه جدای



۱۹ آغاز برنامه

۱۹/۴۳ اخبار

۱۹/۴۰ روکامول

۱۹/۴۱ دکتر بن کیسی

۳۰/۳۰ موسیقی کلاسیک

در برنامه موسیقی کلاسیک کسرتو

برای وبلن وارکستر درمی منور ایوس ۶۴

اثر قلبک مندلسون (Mendelssohn) توسط

ارکستر بلژیکی رادیو تلویزیون فرانسه

برهمی ریز تزی پین (Georges Tzipins)

و تک نوازی گابریل دوری (Gabriells Devries)

را بهای میز معاکه کشانید. بعد از

دانشکده را ترک کرده و پیزادگاهش

بروید، بعد از سفر به ایتالیا، ایتالیان

۳۱/۵۵ وارته

۳۱/۴۵ اخبار

۳۲ موسیقی ایرانی

۳۲/۴۵ فراگیری عشق

اسان داستانی بیهین نام از «گوستاو

فلوبیر» نویسنده معروف فرانسوی که

بیشتر شنیده اند گاریل دوری (Gabriells Devries)

را بهای میز معاکه کشانید. بعد از

دانشکده را ترک کرده، تبت تالیر عوام مل

گوئاگون دانایا دستخوش تغییر و تحویل

است، با کمک دستگاهها و ماسائل

جدید پیشوایی علمی، دانشمندان

متشر شد مورد توجه قرار گرفت،

موافق شده اند پیشگوئی هایی از وضعی

در نیویورک پا بعرصه وجود نهاد، در

سال ۱۹۶۲ با دو نمایش «فرشته برف»

و «پی فانی» که تحت عنوان «قصص ها»

منتشر شد مورد توجه قرار گرفت،

موافق شده اند پیشگوئی هایی از وضعی

در هر دو نمایش کارلیتو واقعیت

ریشه های بیکاری بین زن و مرد که

درست باشد. که دلیل بر عدم آگاهی

می کند.

موز کز آبادان

پنجشنبه ۲۶ فروردین

تلاوت قرآن و سخنرانی

کودکان

تلاوت قرآن

آموزش زبان انگلیسی

برنامه کودکان

همایشگان (محلي)

آخبار همايون

جاذی علم

کسی جوز

دربار یكزن

سرکار استوار

موسیقی ایرانی

آخبار

مساچه هما

پژوهش محله

وارته

آخبار

رمانات

برنامه ورزشی

برنامه گاهشماری

آخبار

گفتگو با آقای انصاری وزیر

اقتصاد

حفله چهره ها

شنا و تلویزیون

ادیات جهان

جولیا

آخبار

بنده دوم

تلاوت کلام الله مجید

آموزش برای زنان روستائی

کودکان

رخ بارخ (محلي)

آخبار

موسیقی ایرانی

دانش

سیاه شجاعان

آخبار

آدمی بر منتوی معنوی

جمعه ۲۵ فروردین

تلاوت قرآن

مجله نگاه

روزها و روزنامه ها

فیلم مستند

بیانات

پژوهان

آخبار

بنده دوم

تلاوت قرآن

آموزش زبان فرانسه

کودکان

بالاتر از خط

اختابوس

آخبار

آدمی و حوا

راز بنا

دیانت راک

یوگافی

آخبار

آدمی و حوا

شنبه ۲۶ فروردین

تلاوت قرآن

مجله نگاه

وارته شش و هشت

کارآگاهان

آخبار

بالاتر از خط

اختابوس

آخبار

بالاتر از خط

تاتر

شنبه ۲۶ فروردین

تلاوت قرآن

تابستان گرم و طولانی

دانش

آخبار

بنده دوم

تلاوت قرآن

تدریس زبان انگلیسی

زندگانی (محلي)

همایشگان (محلي)

آخبار

برنامه جوانان (محلي)

افسوتر

آخبار

موسیقی ایرانی

روزهای زندگی

هفت شهرباشق

آخبار

فیلم سینمائي

شنبه ۲۶ فروردین

تلاوت قرآن

مجله نگاه

وارته

است

کرد

راهه

پیش

زمی

و

برآ

شنبه

دوشنبه

یازده



هر کوڑ
و ضائیہ

۳۱/۰۵	ستخانه ای عذری
۳۱/۰۴	بایان برنامه
● چهارشنبه ۲۰ فروردین	● جمعه ۲۵ فروردین
تدریس زبان انگلیسی	۱۷
آموزش زنان روستائی	۱۷/۳۰
کودکان	۱۸
ایوانبو	۱۸/۳۰
اخبار شبکه	۱۸/۴۵
از همه راک (محلى)	۱۹
داشت	۱۹/۳۰
البور تویست	۱۹/۵۵
اخبار	۲۰/۳۰
بعدا اعلام میشود	۲۱
روزهای زندگی	۲۱/۳۰
چهره ایران	۲۲/۳۰
خبر	۲۳
● پنجشنبه ۲۶ فروردین	● شنبه ۲۶ فروردین
تدریس زبان انگلیسی	۱۷/۳۰
کودکان (محلى)	۱۸/۳۰
اخبار شبکه	۱۸/۴۵
برنامه جوانان	۱۹/۰۵
اسونکر	۱۹/۵۵
اخبار	۲۰/۳۰
موسیقی ایرانی	۲۱/۰۵
روزهای زندگی	۲۱/۴۰
هفت شیر عشق	۲۲
اخبار	۲۳
● یکشنبه ۲۷ فروردین	● دوشنبه ۲۸ فروردین
تدریس زبان آلمانی	۱۷/۴۰
کودکان و کارتوون	۱۸/۴۰
اخبار شبکه	۱۸/۴۵
جادوی علم	۱۹
کیسی جوز	۱۹/۳۰
شهر آفتاب	۱۹/۵۵
اخبار	۲۰/۳۰
نقالی	۲۱
پرشک محله	۲۱/۳۰
واریته	۲۲/۳۰
اخبار	۲۳
● چهارشنبه ۲۵ فروردین	● سهشنبه ۲۹ فروردین
تدریس زبان فرانسه	۱۷/۴۰
کودکان و معا (محلى)	۱۸/۴۰
اخبار شبکه	۱۸/۴۵
موسیقی ایرانی	۱۹
تمدن	۱۹/۴۰
اخبار	۲۰/۴۰
آدم و حوا	۲۱
لوسندن کارآگاه	۲۱/۴۰
ایران زمین	۲۲
اخبار	۲۳
● شنبه ۲۶ فروردین	● یکشنبه ۲۶ فروردین
آموزش روستائی	۱۷
موسیقی تکنوژی	۱۸/۴۰
اخبار شبکه	۱۸/۴۵
اتفاق	۱۹
مسابقه تلاش	۱۹/۴۰
اخبار	۲۰/۴۰
دبایی پاک زن	۲۱
سر کار استوار	۲۱/۴۰
موسیقی ایرانی فرهنگ و هنر	۲۲/۴۰
اخبار	۲۳
● پنجشنبه ۲۶ فروردین	● پنجشنبه ۲۶ فروردین
بخشن اول	
اخبار	۱۳
دانش آموز	۱۴/۱۰

سشنیه ۲۹ فروردین		سشنیه ۲۷ فروردین	
۴۱	نویسنده کارآگاه	۲۱/۳۰	تدریس زبان آلمانی
۴۰/۳۰	ایران زمین	۲۲/۳۰	آموزش (محلى)
۴۱/۳۰	اخبار	۲۳	برنامه کودکان
۴۳/۴۰	چهره ایران		اخبار
۴۴	خبرنیا		آگهی
			جادوی علم
	آموزش (محلى)	۱۵/۰۵	کیسی جوز
	آموزش روزنامی	۱۶/۰۵	آگهی
	موسیقی تکنوازی	۱۶/۰۵	شهر آفتاب
	اخبار	۱۶/۰۵	آگهی
	آگهی	۱۵/۰۵	آگهی
	اتفاق	۱۵/۰۵	آگهی
	مسابقه نالش	۱۵/۰۵	ترانه های محلی
	آگهی	۱۵/۰۵	آگهی
	اخبار	۱۵/۰۵	پزشک محله
	آگهی	۱۵/۰۵	داش بالکی
	دنیای یک زن	۱۵/۰۵	آخبار
	آگهی	۱۵/۰۵	
	سر کار استوار	۲۱/۳۰	
	موسیقی ایرانی فرهنگ و هنر	۲۲/۳۰	

۲۴	پنجشنبه	۲۴	فروردين
●	چهارشنبه	۳۰	فروردين
۱۸	کلاوت قرآن	۱۷/۳۰	آموزش زنان روستائی (محلی)
۱۸/۳۰	سفرنامی مذهبی	۱۸/۳۰	کود کان (محلی)
۱۸/۴۵	خبر شبكه	۱۸/۴۵	خبر
۱۹/۰۵	اعمار مذهبی	۱۹/۰۵	آگهی
۱۹/۴۰	ورزشی	۱۹/۴۵	آگهی
۱۹/۵۵	دعا اعلام میشود	۱۹/۵۰	موسیقی ایرانی
۱۹/۶۰		۱۹/۵۰	تندن
		۱۹/۳۰	آگهی
		۲۰/۳۰	آگهی
		۲۰/۴۰	آدم و حوا
		۲۱/۰۵	آگهی
		۲۱/۴۰	آگهی

موزک
شیراز

<table border="1"> <tbody> <tr><td>دانش</td><td>۱۴</td></tr> <tr><td>خبر</td><td>۱۴/۳۰</td></tr> <tr><td>پخش دوم</td><td>تدریس زبان اังلیسی</td></tr> <tr><td>۱۶</td><td>تدریس زبان اังلیسی</td></tr> <tr><td>۱۷/۳۴</td><td>کودکان</td></tr> <tr><td>۱۸</td><td>(محالی)</td></tr> <tr><td>۱۸/۴۵</td><td>برنامه جوانان</td></tr> <tr><td>۱۹/۵</td><td>مسابقه مسائل روز (محالی)</td></tr> <tr><td>۱۹/۳۰</td><td>آفسوتگر</td></tr> <tr><td>۱۹/۵۵</td><td>خبر</td></tr> <tr><td>۲۰/۳۰</td><td>موسیقی ایرانی</td></tr> <tr><td>۲۱/۵</td><td>بیرون پلیس</td></tr> <tr><td>۲۱/۳۰</td><td>هفت شهر عشق</td></tr> <tr><td>۲۲/۳۰</td><td>خبر</td></tr> <tr><td>۲۳</td><td>یکشنبه ۲۷ فروردین</td></tr> </tbody> </table>	دانش	۱۴	خبر	۱۴/۳۰	پخش دوم	تدریس زبان اังلیسی	۱۶	تدریس زبان اังلیسی	۱۷/۳۴	کودکان	۱۸	(محالی)	۱۸/۴۵	برنامه جوانان	۱۹/۵	مسابقه مسائل روز (محالی)	۱۹/۳۰	آفسوتگر	۱۹/۵۵	خبر	۲۰/۳۰	موسیقی ایرانی	۲۱/۵	بیرون پلیس	۲۱/۳۰	هفت شهر عشق	۲۲/۳۰	خبر	۲۳	یکشنبه ۲۷ فروردین	<p>● چهارشنبه ۳۰ فروردین ●</p> <table border="1"> <tbody> <tr><td>دانش</td><td>۱۷</td></tr> <tr><td>آموخته زبان روسی</td><td>۱۷/۳۰</td></tr> <tr><td>کودکان</td><td>۱۸</td></tr> <tr><td>ایوانو</td><td>۱۸/۳۰</td></tr> <tr><td>خبر شبكه</td><td>۱۸/۴۵</td></tr> <tr><td>از همه رنگ (محالی)</td><td>۱۹</td></tr> <tr><td>دانش</td><td>۱۹/۳۰</td></tr> <tr><td>بور تویست</td><td>۱۹/۵۵</td></tr> <tr><td>خبر</td><td>۲۰/۳۰</td></tr> <tr><td>بعد اعلام مشود</td><td>۲۱</td></tr> <tr><td>روزهای زندگی</td><td>۲۱/۳۰</td></tr> <tr><td>چهره ایران</td><td>۲۲/۳۰</td></tr> <tr><td>خبر</td><td>۲۳</td></tr> </tbody> </table>	دانش	۱۷	آموخته زبان روسی	۱۷/۳۰	کودکان	۱۸	ایوانو	۱۸/۳۰	خبر شبكه	۱۸/۴۵	از همه رنگ (محالی)	۱۹	دانش	۱۹/۳۰	بور تویست	۱۹/۵۵	خبر	۲۰/۳۰	بعد اعلام مشود	۲۱	روزهای زندگی	۲۱/۳۰	چهره ایران	۲۲/۳۰	خبر	۲۳	<table border="1"> <tbody> <tr><td>فوتیل</td><td>۱۷/۳۰</td></tr> <tr><td>ستخرانی مذهبی</td><td>۱۸/۳۰</td></tr> <tr><td>پیلوانان</td><td>۱۹/۳۰</td></tr> <tr><td>خبر</td><td>۲۰/۳۰</td></tr> <tr><td>رزو</td><td>۲۱/۰۵</td></tr> <tr><td>بالاتر از خط</td><td>۲۱/۳۰</td></tr> <tr><td>شنبه ۲۶ فروردین</td><td>●</td></tr> </tbody> </table>	فوتیل	۱۷/۳۰	ستخرانی مذهبی	۱۸/۳۰	پیلوانان	۱۹/۳۰	خبر	۲۰/۳۰	رزو	۲۱/۰۵	بالاتر از خط	۲۱/۳۰	شنبه ۲۶ فروردین	●		
دانش	۱۴																																																																									
خبر	۱۴/۳۰																																																																									
پخش دوم	تدریس زبان اังلیسی																																																																									
۱۶	تدریس زبان اังلیسی																																																																									
۱۷/۳۴	کودکان																																																																									
۱۸	(محالی)																																																																									
۱۸/۴۵	برنامه جوانان																																																																									
۱۹/۵	مسابقه مسائل روز (محالی)																																																																									
۱۹/۳۰	آفسوتگر																																																																									
۱۹/۵۵	خبر																																																																									
۲۰/۳۰	موسیقی ایرانی																																																																									
۲۱/۵	بیرون پلیس																																																																									
۲۱/۳۰	هفت شهر عشق																																																																									
۲۲/۳۰	خبر																																																																									
۲۳	یکشنبه ۲۷ فروردین																																																																									
دانش	۱۷																																																																									
آموخته زبان روسی	۱۷/۳۰																																																																									
کودکان	۱۸																																																																									
ایوانو	۱۸/۳۰																																																																									
خبر شبكه	۱۸/۴۵																																																																									
از همه رنگ (محالی)	۱۹																																																																									
دانش	۱۹/۳۰																																																																									
بور تویست	۱۹/۵۵																																																																									
خبر	۲۰/۳۰																																																																									
بعد اعلام مشود	۲۱																																																																									
روزهای زندگی	۲۱/۳۰																																																																									
چهره ایران	۲۲/۳۰																																																																									
خبر	۲۳																																																																									
فوتیل	۱۷/۳۰																																																																									
ستخرانی مذهبی	۱۸/۳۰																																																																									
پیلوانان	۱۹/۳۰																																																																									
خبر	۲۰/۳۰																																																																									
رزو	۲۱/۰۵																																																																									
بالاتر از خط	۲۱/۳۰																																																																									
شنبه ۲۶ فروردین	●																																																																									
<table border="1"> <tbody> <tr><td>دانش</td><td>۱۷</td></tr> <tr><td>آموخته زبان اังلیسی</td><td>۱۷/۳۰</td></tr> <tr><td>کودکان (محالی)</td><td>۱۸/۳۰</td></tr> <tr><td>خبر شبكه</td><td>۱۸/۴۵</td></tr> <tr><td>برنامه جوانان</td><td>۱۹/۰۵</td></tr> <tr><td>آفسوتگر</td><td>۱۹/۵۵</td></tr> <tr><td>خبر</td><td>۲۰/۳۰</td></tr> <tr><td>موسیقی ایرانی</td><td>۲۱/۰۵</td></tr> <tr><td>روزهای زندگی</td><td>۲۱/۳۰</td></tr> <tr><td>هفت شهر عشق</td><td>۲۲</td></tr> <tr><td>خبر</td><td>۲۳</td></tr> </tbody> </table>	دانش	۱۷	آموخته زبان اังلیسی	۱۷/۳۰	کودکان (محالی)	۱۸/۳۰	خبر شبكه	۱۸/۴۵	برنامه جوانان	۱۹/۰۵	آفسوتگر	۱۹/۵۵	خبر	۲۰/۳۰	موسیقی ایرانی	۲۱/۰۵	روزهای زندگی	۲۱/۳۰	هفت شهر عشق	۲۲	خبر	۲۳	<p>● یکشنبه ۲۷ فروردین ●</p> <table border="1"> <tbody> <tr><td>دانش</td><td>۱۷/۳۰</td></tr> <tr><td>کودکان (محالی)</td><td>۱۸/۳۰</td></tr> <tr><td>خبر شبكه</td><td>۱۸/۴۵</td></tr> <tr><td>برنامه جوانان</td><td>۱۹/۰۵</td></tr> <tr><td>آفسوتگر</td><td>۱۹/۵۵</td></tr> <tr><td>خبر</td><td>۲۰/۳۰</td></tr> <tr><td>موسیقی ایرانی</td><td>۲۱/۰۵</td></tr> <tr><td>روزهای زندگی</td><td>۲۱/۳۰</td></tr> <tr><td>هفت شهر عشق</td><td>۲۲</td></tr> <tr><td>خبر</td><td>۲۳</td></tr> </tbody> </table>	دانش	۱۷/۳۰	کودکان (محالی)	۱۸/۳۰	خبر شبكه	۱۸/۴۵	برنامه جوانان	۱۹/۰۵	آفسوتگر	۱۹/۵۵	خبر	۲۰/۳۰	موسیقی ایرانی	۲۱/۰۵	روزهای زندگی	۲۱/۳۰	هفت شهر عشق	۲۲	خبر	۲۳	<table border="1"> <tbody> <tr><td>دانش</td><td>۱۷/۳۰</td></tr> <tr><td>کودکان (محالی)</td><td>۱۸/۳۰</td></tr> <tr><td>خبر شبكه</td><td>۱۸/۴۵</td></tr> <tr><td>برنامه جوانان</td><td>۱۹/۰۵</td></tr> <tr><td>آفسوتگر</td><td>۱۹/۵۵</td></tr> <tr><td>خبر</td><td>۲۰/۳۰</td></tr> <tr><td>موسیقی ایرانی</td><td>۲۱/۰۵</td></tr> <tr><td>روزهای زندگی</td><td>۲۱/۳۰</td></tr> <tr><td>هفت شهر عشق</td><td>۲۲</td></tr> <tr><td>خبر</td><td>۲۳</td></tr> </tbody> </table>	دانش	۱۷/۳۰	کودکان (محالی)	۱۸/۳۰	خبر شبكه	۱۸/۴۵	برنامه جوانان	۱۹/۰۵	آفسوتگر	۱۹/۵۵	خبر	۲۰/۳۰	موسیقی ایرانی	۲۱/۰۵	روزهای زندگی	۲۱/۳۰	هفت شهر عشق	۲۲	خبر	۲۳										
دانش	۱۷																																																																									
آموخته زبان اังلیسی	۱۷/۳۰																																																																									
کودکان (محالی)	۱۸/۳۰																																																																									
خبر شبكه	۱۸/۴۵																																																																									
برنامه جوانان	۱۹/۰۵																																																																									
آفسوتگر	۱۹/۵۵																																																																									
خبر	۲۰/۳۰																																																																									
موسیقی ایرانی	۲۱/۰۵																																																																									
روزهای زندگی	۲۱/۳۰																																																																									
هفت شهر عشق	۲۲																																																																									
خبر	۲۳																																																																									
دانش	۱۷/۳۰																																																																									
کودکان (محالی)	۱۸/۳۰																																																																									
خبر شبكه	۱۸/۴۵																																																																									
برنامه جوانان	۱۹/۰۵																																																																									
آفسوتگر	۱۹/۵۵																																																																									
خبر	۲۰/۳۰																																																																									
موسیقی ایرانی	۲۱/۰۵																																																																									
روزهای زندگی	۲۱/۳۰																																																																									
هفت شهر عشق	۲۲																																																																									
خبر	۲۳																																																																									
دانش	۱۷/۳۰																																																																									
کودکان (محالی)	۱۸/۳۰																																																																									
خبر شبكه	۱۸/۴۵																																																																									
برنامه جوانان	۱۹/۰۵																																																																									
آفسوتگر	۱۹/۵۵																																																																									
خبر	۲۰/۳۰																																																																									
موسیقی ایرانی	۲۱/۰۵																																																																									
روزهای زندگی	۲۱/۳۰																																																																									
هفت شهر عشق	۲۲																																																																									
خبر	۲۳																																																																									
<table border="1"> <tbody> <tr><td>دانش</td><td>۱۷</td></tr> <tr><td>آموخته زبان آلمانی</td><td>۱۷/۳۰</td></tr> <tr><td>کودکان و کارتون</td><td>۱۸/۳۰</td></tr> <tr><td>خبر شبكه</td><td>۱۸/۴۵</td></tr> <tr><td>جادوی علم</td><td>۱۹</td></tr> <tr><td>کیسی جوز</td><td>۱۹/۳۰</td></tr> <tr><td>شهر آفتاب</td><td>۱۹/۰۵</td></tr> <tr><td>خبر</td><td>۲۰/۳۰</td></tr> <tr><td>مسابقه ها</td><td>۲۱/۵</td></tr> <tr><td>بزرگش محله</td><td>۲۱/۳۰</td></tr> <tr><td>خبر</td><td>۲۳</td></tr> </tbody> </table>	دانش	۱۷	آموخته زبان آلمانی	۱۷/۳۰	کودکان و کارتون	۱۸/۳۰	خبر شبكه	۱۸/۴۵	جادوی علم	۱۹	کیسی جوز	۱۹/۳۰	شهر آفتاب	۱۹/۰۵	خبر	۲۰/۳۰	مسابقه ها	۲۱/۵	بزرگش محله	۲۱/۳۰	خبر	۲۳	<p>● پنجشنبه ۲۶ فروردین ●</p> <table border="1"> <tbody> <tr><td>دانش</td><td>۱۷/۳۰</td></tr> <tr><td>کلاوت قرآن</td><td>۱۸</td></tr> <tr><td>کودکان</td><td>۱۸/۳۰</td></tr> <tr><td>ستخرانی مذهبی</td><td>۱۸/۴۵</td></tr> <tr><td>خبر (محالی)</td><td>۱۹</td></tr> <tr><td>اعمار مذهبی</td><td>۱۹/۰۵</td></tr> <tr><td>برنامه روزنی</td><td>۱۹/۳۰</td></tr> <tr><td>برگاه گاهشماری</td><td>۲۰</td></tr> <tr><td>خبر</td><td>۲۰/۳۰</td></tr> <tr><td>گفتگو با آقای انصاری وزیر</td><td>۲۱</td></tr> <tr><td>اقتصاد</td><td>۲۱/۵۰</td></tr> <tr><td>گفتار</td><td>۲۲/۳۰</td></tr> <tr><td>هفته قلب</td><td>۲۲/۳۰</td></tr> <tr><td>درآمدی بر مثنوی معنوی</td><td>۲۳/۳۰</td></tr> </tbody> </table>	دانش	۱۷/۳۰	کلاوت قرآن	۱۸	کودکان	۱۸/۳۰	ستخرانی مذهبی	۱۸/۴۵	خبر (محالی)	۱۹	اعمار مذهبی	۱۹/۰۵	برنامه روزنی	۱۹/۳۰	برگاه گاهشماری	۲۰	خبر	۲۰/۳۰	گفتگو با آقای انصاری وزیر	۲۱	اقتصاد	۲۱/۵۰	گفتار	۲۲/۳۰	هفته قلب	۲۲/۳۰	درآمدی بر مثنوی معنوی	۲۳/۳۰	<table border="1"> <tbody> <tr><td>دانش</td><td>۱۷/۳۰</td></tr> <tr><td>کودکان و کارتون</td><td>۱۸/۳۰</td></tr> <tr><td>خبر شبكه</td><td>۱۸/۴۵</td></tr> <tr><td>جادوی علم</td><td>۱۹</td></tr> <tr><td>کیسی جوز</td><td>۱۹/۳۰</td></tr> <tr><td>شهر آفتاب</td><td>۱۹/۰۵</td></tr> <tr><td>خبر</td><td>۲۰/۳۰</td></tr> <tr><td>نقالی</td><td>۲۱</td></tr> <tr><td>بزرگش محله</td><td>۲۱/۳۰</td></tr> <tr><td>وارته</td><td>۲۲/۳۰</td></tr> <tr><td>خبر</td><td>۲۳</td></tr> </tbody> </table>	دانش	۱۷/۳۰	کودکان و کارتون	۱۸/۳۰	خبر شبكه	۱۸/۴۵	جادوی علم	۱۹	کیسی جوز	۱۹/۳۰	شهر آفتاب	۱۹/۰۵	خبر	۲۰/۳۰	نقالی	۲۱	بزرگش محله	۲۱/۳۰	وارته	۲۲/۳۰	خبر	۲۳
دانش	۱۷																																																																									
آموخته زبان آلمانی	۱۷/۳۰																																																																									
کودکان و کارتون	۱۸/۳۰																																																																									
خبر شبكه	۱۸/۴۵																																																																									
جادوی علم	۱۹																																																																									
کیسی جوز	۱۹/۳۰																																																																									
شهر آفتاب	۱۹/۰۵																																																																									
خبر	۲۰/۳۰																																																																									
مسابقه ها	۲۱/۵																																																																									
بزرگش محله	۲۱/۳۰																																																																									
خبر	۲۳																																																																									
دانش	۱۷/۳۰																																																																									
کلاوت قرآن	۱۸																																																																									
کودکان	۱۸/۳۰																																																																									
ستخرانی مذهبی	۱۸/۴۵																																																																									
خبر (محالی)	۱۹																																																																									
اعمار مذهبی	۱۹/۰۵																																																																									
برنامه روزنی	۱۹/۳۰																																																																									
برگاه گاهشماری	۲۰																																																																									
خبر	۲۰/۳۰																																																																									
گفتگو با آقای انصاری وزیر	۲۱																																																																									
اقتصاد	۲۱/۵۰																																																																									
گفتار	۲۲/۳۰																																																																									
هفته قلب	۲۲/۳۰																																																																									
درآمدی بر مثنوی معنوی	۲۳/۳۰																																																																									
دانش	۱۷/۳۰																																																																									
کودکان و کارتون	۱۸/۳۰																																																																									
خبر شبكه	۱۸/۴۵																																																																									
جادوی علم	۱۹																																																																									
کیسی جوز	۱۹/۳۰																																																																									
شهر آفتاب	۱۹/۰۵																																																																									
خبر	۲۰/۳۰																																																																									
نقالی	۲۱																																																																									
بزرگش محله	۲۱/۳۰																																																																									
وارته	۲۲/۳۰																																																																									
خبر	۲۳																																																																									
<table border="1"> <tbody> <tr><td>دانش</td><td>۱۷</td></tr> <tr><td>آموخته زبان فرانسه</td><td>۱۷/۳۰</td></tr> <tr><td>کودکان و معا (محالی)</td><td>۱۸/۳۰</td></tr> <tr><td>خبر شبكه</td><td>۱۸/۴۵</td></tr> <tr><td>موسیقی ایرانی</td><td>۱۹</td></tr> <tr><td>خبر</td><td>۲۰/۳۰</td></tr> </tbody> </table>	دانش	۱۷	آموخته زبان فرانسه	۱۷/۳۰	کودکان و معا (محالی)	۱۸/۳۰	خبر شبكه	۱۸/۴۵	موسیقی ایرانی	۱۹	خبر	۲۰/۳۰	<p>● دوشنبه ۲۸ فروردین ●</p> <table border="1"> <tbody> <tr><td>دانش</td><td>۱۷/۳۰</td></tr> <tr><td>کودکان و معا (محالی)</td><td>۱۸/۳۰</td></tr> <tr><td>خبر شبكه</td><td>۱۸/۴۵</td></tr> <tr><td>موسیقی ایرانی</td><td>۱۹</td></tr> <tr><td>خبر</td><td>۲۰/۳۰</td></tr> </tbody> </table>	دانش	۱۷/۳۰	کودکان و معا (محالی)	۱۸/۳۰	خبر شبكه	۱۸/۴۵	موسیقی ایرانی	۱۹	خبر	۲۰/۳۰	<table border="1"> <tbody> <tr><td>دانش</td><td>۱۷/۳۰</td></tr> <tr><td>کودکان و معا (محالی)</td><td>۱۸/۳۰</td></tr> <tr><td>خبر شبكه</td><td>۱۸/۴۵</td></tr> <tr><td>موسیقی ایرانی</td><td>۱۹</td></tr> <tr><td>خبر</td><td>۲۰/۳۰</td></tr> </tbody> </table>	دانش	۱۷/۳۰	کودکان و معا (محالی)	۱۸/۳۰	خبر شبكه	۱۸/۴۵	موسیقی ایرانی	۱۹	خبر	۲۰/۳۰																																								
دانش	۱۷																																																																									
آموخته زبان فرانسه	۱۷/۳۰																																																																									
کودکان و معا (محالی)	۱۸/۳۰																																																																									
خبر شبكه	۱۸/۴۵																																																																									
موسیقی ایرانی	۱۹																																																																									
خبر	۲۰/۳۰																																																																									
دانش	۱۷/۳۰																																																																									
کودکان و معا (محالی)	۱۸/۳۰																																																																									
خبر شبكه	۱۸/۴۵																																																																									
موسیقی ایرانی	۱۹																																																																									
خبر	۲۰/۳۰																																																																									
دانش	۱۷/۳۰																																																																									
کودکان و معا (محالی)	۱۸/۳۰																																																																									
خبر شبكه	۱۸/۴۵																																																																									
موسیقی ایرانی	۱۹																																																																									
خبر	۲۰/۳۰																																																																									

هر کز دشت

پنجشنبه ۲۴ فروردین	کلاووت قرآن	۱۷/۳۰
	سخنرانی عذرخواهی	۱۸
	خبر	۱۸/۴۵
	فیلم مستند	۱۹/۰۵
	بعد اعلام میشود	۱۹/۷۰
	خبر	۲۰/۳۰
	سخنرانی عذرخواهی	۲۱/۰۵
	فیلم مستند	۲۱/۳۰

۱۷/۳۰	اشعار عذهبی
۱۸/۳۰	ستخرانی منهضی
۱۹/۳۰	پیلوافان
۲۰/۳۰	اخبار
۲۱	آگویی
۲۱/۰۵	موسیقی
۲۱/۴۰	آگویی
۲۱/۳۰	اخنایوس
۲۱/۵۰	بالاتر از خطر
۲۲/۴۵	تائر

آموخته (محلى)	۱۷/۴
برنامه کودکان	۱۸/۳
اخبار	۱۸/۴
آگهی	۱۹/۰
جوانان (محلى)	۱۹/۴
آگهی	۱۹/۵
اسفوتک	۱۹/۵
آگهی	۲۰/۴
اخبار	۲۰/۴
آگهی	۲۱
موسیقی ایرانی	۲۱/۱
آگهی	۲۱/۴
بیتون بلیس	۲۱/۴
هفت شهر عشق	۲۲/۴
اخبار	۲۲



در فرودگاه پیشگام بازگشت

بازگشت پیروزمندانه‌ی ارکستر مجلسی رادیو تلویزیون ملی ایران از اروپا



● موقعيتی که ارکستر مجلسی رادیو
تلوزیون ملی ایران در فستیوال
رویان و شهرهای پاریس،
بروکسل و آمستردام بدلست
آورده بیسابقه بود.

● از ارکستر مجلسی رادیو تلویزیون
ملی ایران برای برگزاری
کنسرتهای منظم در اروپا و سایر
 نقاط جهان دعوت شده است.

● اولیویه مسیان آهنگساز بزرگ
معاصر پس از کنسرت ارکستر
مجلسی در رویان گفت: اکنون
غرب باید از شرق موسیقی
بیاموزد.

● منتقد مجله نوول ایسرواتور
برنامه ارکستر مجلسی را بهترین
 برنامه فستیوال رویان و فرهاد
مشکوه را بهترین رهبر ارکستر
این فستیوال خواند.

لوموند

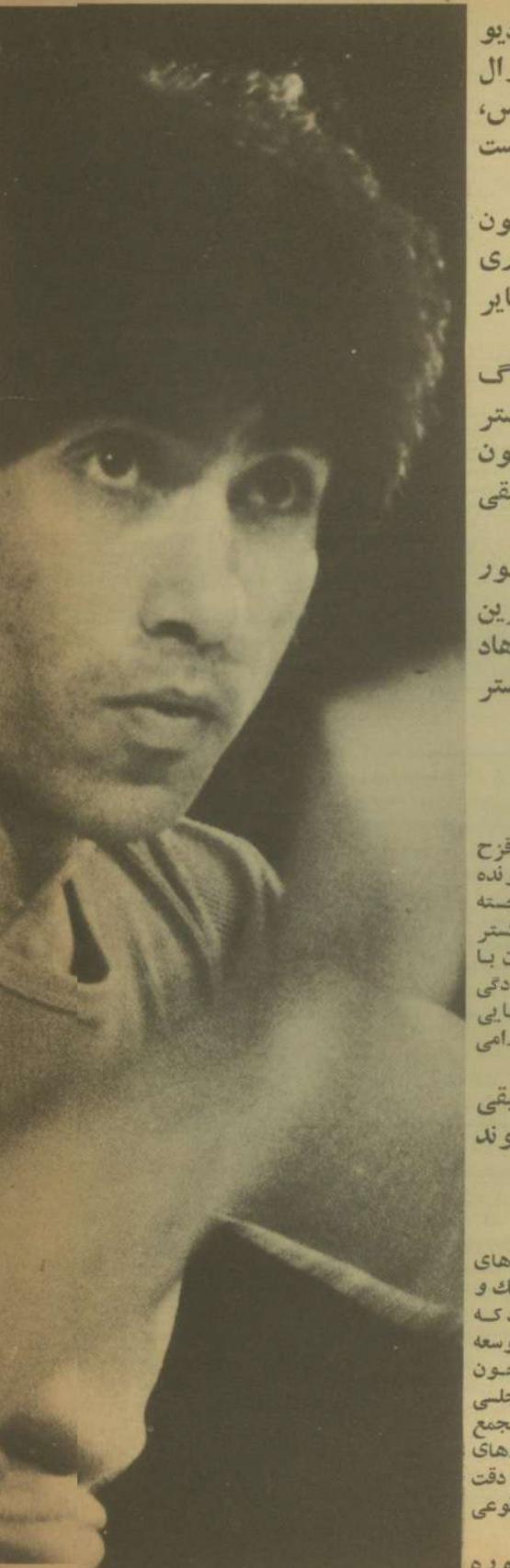
● در شماره چهارم آوریل ۱۹۷۲
فستیوال رویان، همراه هماد قوس و قرح
تصاویر صوتی را برایتمهای تند بهشونده
می‌دهد، که بسیاری از قسمتهاش بر جسته
ومتمایز است، غیر منظره‌ی جالب ارکستر
مجلسی رادیو تلویزیون ملی ایران با
رهبری فرهاد مشکوه بود که با آمادگی
کامل به موسیقی آوان - گارد اروپایی
پرداخت و اجرای بسیار مؤثری از «رامی
کاسیون» اثر لیگنی ارائه داد.
از: زالکلوشان - منتقد موسیقی

لوموند

● در شماره ۱۶ آوریل ۱۹۷۲
رویان ۱۹۷۲ سولیست‌ها و ارکترهای

● خارجی بر جتهدای را از نقطه نظر تکمیل و
موزیکالیته معرفی کرد. و این صفاتی بود که
تایحال در انتصارات موسیقی کشورهای توسعه
یافته بود بدینگونه بود که گروههایی چون
گروه موسیقی معاصر لیسبون و ارکستر مجلسی
رادیو تلویزیون ملی ایران و ارکستر مجمع
موسیقی معاصر کیک برای نخستین بار از مردم
خود خارج می‌شوند که از جناب نظام، دقت
حضور زنده‌ای برخورد از دن که به کار آهانوی
تا نیز سرمش بودن می‌باشد.

● از: موریس فلوره



فرهاد مشکوه



SALLE GAVEAU | MARDI 4 AVRIL
45, rue La Boétie, Paris-8
Métro : Miramasnil. 1972
à 21 heures

Première tournée européenne de l' **ORCHESTRE DE CHAMBRE DE LA RADIOTÉLÉVISION NATIONALE IRANIENNE**

MOZART
Divertimento K. 136

Alireza MASHAYEKHI
Permanent
(1^{re} audition à Paris)

L. JANACEK
Suite pour orchestre à cordes

G. LIGETI
Ramifications, pour 12 cordes solistes

John McCABE
Variations concertantes sur
un thème de Nicholas Maw

Direction

SALLE GOTHIQUE - HOTEL DE VILLE - BRUXELLES
GOTISCHE ZAAL - STADHUIS - BRUSSEL

JEUDI 6 AVRIL 1972 20H30
DONDERDAG 6 APRIL 1972 20U30

Sous le patronage de l'ambassade impériale d'Iran
L'ATELIER a.s.b.l. PRESENTE

L'ORCHESTRE DE CHAMBRE DE LA RADIO-TELEVISION IRANIENNE

DIRECTION
FARHAD MECHKAT

MOZART
DIVERTIMENTO
JANACEK
SUITE POUR ORCHESTRE A CORDES
A. MASHAYEKHI
PERMANENT

G. LIGETI
RAMIFICATION POUR
12 CORDES
McCABE
VARIATIONS CONCERTANTES

PARTICIPATION AUX FRAIS 100 F. DEELNAME IN DE KOSTEN
10 p.c. de réservation aux membres de l'Institut
30 p.c. remboursement sous de bonnes raisons

INFORMATIECENTRUM
L'ATELIER a.s.b.l. Rue de Commerce 31, Tel. 11.30.10, C.C.P. 639.91
Centre d'information, Rue de la Colline 12 - Heverlee 12, Tel. 11.36.68

Places de 6 à 25 F. Location à la Salle (225-29-14) chez Durand, 4, Place de la Madeleine (073-62-19), toutes agences de Théâtres
(Places réservées aux J.M.F., Etudiants et A.M.J.)

Bureau de Concerts Maurice WERNER, 11, Avenue Delcassé, Paris-8 — 225-38-54

آفیش ارکستر مجلسی برای کنسرت پاریس

نخستین جشنواره‌ی جهانی فیلم تهران

● نخستین جشنواره‌ی جهانی فیلم
همزمان با جشنواره، قسمت
تهران به اهتمام مرکز سینما و
بازار فیلم نیز پذیرایی در حدود ۷۰
وزارت فرهنگ و هنر روز ۲۷ فروردین
ماه گشایش خواهد یافت و تا ۶
ماه گشایش ادامه خواهد داشت.
ارديبيشت ادامه خواهد داشت.
● تا بحال ۱۴ فیلم بلند و ۱۹ فیلم
کوتاه يوسيله‌ی کميته‌ی انتخاب به
آمد، برنامه‌هایي تنظيم و پخش خواهد
ایران، يهمناسب‌هایي که پيش خواهد
کرد، که موقع خود اعلام می‌شود.

و از چ
لین ص
گفته
سوییں
بعون، ا
مینه
حقیقت
دراز ک
میکرد
دوچرخ
تنهائی
آقای
آر او
ا
ابری د
بود. د
محکم
نگاه
میاندا
با چند
و انتگار
تکیده
شنبه
میکنم
بازوهای
به من
تلash
دسته
دوید.
پنجه
اوپریل
بیوش
میچ ت
در آن
وازگوا
کوچک
را مح
است،
کرد.
راهن
پیش
زد.
و گند
براتور
دیگه
عریض
و سم
جاده
از جا
بودند
اسکلا
ساخت
گلیسا
تما

رادیو آمریکا

AFR

SAT-SUN-MON-TUE-WED

0530	Wake Up Easy
0830	Ira Cook
0900	Community Bulletin Board
0905	Roger Carroll
1000	Menu: Music
1300	Young Sound
1500	Traveling Home
1700	Country Corner
1800	News
1810	Community Bulletin Board
1815	Interlude
1900	Pete Smith
2000	Sagebrush Theater (SAT)
(SUN)	Golden Days of Radio
	Gunsmoke (MON)
	Jim Hawthorn's Comedy (TUE)
	Mystery Theater (WED)
2030	Bobby Troup
2100	Roger Carroll
2200	Community Bulletin Board
2205	Just Music
2300	Adventures in Good Music
2345	Sign Off

FRIDAY

0700	Early Morning Melodies
0755	Community Bulletin Board
0800	Melvin's Kiddie Circus
0830	Protestant Hour
0900	Banners Of Faith
0930	Crossroads
1000	Master Control
1030	Music For The Soul
1100	Finch Bandwagon
1155	Community Bulletin Board
1200	Best Of Interlochen
1230	Serenade In Blue
1300	Kim Weston
1400	Jasin Street
1430	Polka Party
1500	Bill Stewart
1700	Hawaii Calls
1730	Grand Ole Opry
1800	News
1810	Community Bulletin Board
1815	History Of Country Music
1900	Jazz Scene
2000	Bolero Time
2100	Carmen Dragon
2200	Community Bulletin Board
2205	Just Music
2355	Sign Off

FRIDAY

2005	Glen Campbell
2055	The Bold Ones
2145	Laugh-In
2235	Movie: Black Gold

FRIDAY

9000	Melvin's Kiddie Circus
1100	Sesame Street
1200	Daniel Boone
1300	Movie "Home On The Praire"
1400	Sports Special
1700	Animal World
1730	Bill Cosby
1800	News

AFTV

SATURDAY

1700	Sesame Street.
1800	News
1810	Daniel Boone
1900	Bill Anderson
1925	Bill Cosby
1950	Spesial "Apolo 16"
2040	Ironside
2230	Special: "Diana"
2225	The Tonight Show

SUNDAY

9000	Melvin's Kiddie Circus
1100	Sesame Street
1200	Daniel Boone
1300	Movie "Home On The Praire"
1400	Sports Special
1700	Animal World
1730	Bill Cosby
1800	News

160	Special "Skiing."
165	Family Affair
170	Green Acres
175	Mayberry RFD
180	Filip Wilson
215	Special "Apolo 16"
215	Brakns World
220	Movie "Blood of Dracula."

MUNDAY

170	Family Affair
170	Green Acres
170	News
170	Roller Games
170	Govenor & J. J.
175	Charlie Chaplin
170	Special "Music of George Gershwin"
215	On Campus
210	Mod Squad
210	U. S. Steel Hour
215	Movie "Castel of Terror."

TUESDAY

1700	Sesame Street
1800	News
1810	Special "Diana"
1900	Camera Three
1925	Here's Lucy
1950	Laugh In
2040	Glen Campbell
2130	The Lieutenant
2225	Movie "Cast of Dark Shadow."

WEDNESDAY

1700	Mayberry RFD
1730	Governor & J. J.
1800	News
1810	Black Frontiers
1900	Nanny & The Professor
1925	Special "We have Only just begun"
1950	Din Martin
2030	High Chaparral
2130	Dick Powell
2225	Dick Cavett

تلوزیون آمریکا

این برنامه‌ها برای پخش از مرکز زاهدان، سندج، کرمان، مهاباد پیش‌بینی شده است

پنجشنبه ۲۶ فروردین

۱۹/۳۰	ایران زمین
۳۰	اسوتک
۴۰/۴۰	اخبار
۴۱/۴۰	سفر با اسلحه

دوشنبه ۲۸ فروردین

۱۸/۴۰	تون
۱۹	موسیقی ایرانی
۱۹/۴۰	دافتار
۲۰/۴۰	دور دلیا
۲۰/۴۰	خبر

شنبه ۲۹ فروردین

۱۸	جادوی علم
۱۸/۴۰	دفتر شاه بربان
۱۹/۴۰	بالاتر از خط
۲۰/۴۰	خبر
۲۱	سرگار استوار

چهارشنبه ۳۰ فروردین

۱۸/۴۰	آموزش زبان روسیای
۱۹	نقالی
۱۹/۴۰	جولیا
۲۰/۴۰	هفت شهر عشق
۲۱	آخرین نیت

یکشنبه ۲۷ فروردین

۱۸/۴۰	آفخارس
۱۹	دیبا یک زن
۱۹/۴۰	آنچه شما خواسته‌اید
۲۰	موسیقی ایرانی
۲۰/۴۰	راز بقا

واریته شش و هشت

چهاره ایران



بر نامه مذهبی روز پنجشنبه
بمناسبت رحلت حضرت رسول (ص)
و شهادت امام حسن (ع)

آخر

۰۰/۰۰ تلاوت کلام الله مجید

اشعار عرفانی

۰۰/۳۰ ندای آسمانی

۰۰/۵۰ اخبار

۰۱/۰۰ تلاوت کلام الله مجید

اشعار عرفانی

۰۲/۰۴ ندای آسمانی

۰۲/۵۰ اخبار

۰۳/۰۰ تلاوت کلام الله مجید

مناجات

۰۴/۰۰ سلام شاهنشاهی و اعلام برنامه

۰۵/۰۰ اخبار

۰۶/۰۰ تلاوت کلام الله مجید

اشعار مذهبی

۰۷/۰۴ ندای صبحگاهی

۰۸/۰۴ بر نامه ایرانی

۰۹/۰۰ اخبار

۱۰/۰۰ تلاوت کلام الله مجید

اشعار مذهبی

۱۱/۰۴ ندای آسمانی

۱۲/۰۰ اخبار

۱۳/۰۰ تلاوت کلام الله مجید

مناجات

۱۴/۰۰ اخبار

۱۵/۰۰ سلام شاهنشاهی و اعلام برنامه

۱۶/۰۰ اخبار

۱۷/۰۰ تلاوت کلام الله مجید

مناجات

۱۸/۰۰ اخبار

۱۹/۰۰ سلام شاهنشاهی و اعلام برنامه

۲۰/۰۰ اخبار

۲۱/۰۰ اخبار

۲۲/۰۰ اخبار

۲۳/۰۰ اخبار

۲۴/۰۰ اخبار

۲۵/۰۰ اخبار

۲۶/۰۰ اخبار

۲۷/۰۰ اخبار

۲۸/۰۰ اخبار

۲۹/۰۰ اخبار

۳۰/۰۰ اخبار

۳۱/۰۰ اخبار

۳۲/۰۰ اخبار

۳۳/۰۰ اخبار

۳۴/۰۰ اخبار

۳۵/۰۰ اخبار

۳۶/۰۰ اخبار

۳۷/۰۰ اخبار

۳۸/۰۰ اخبار

۳۹/۰۰ اخبار

۴۰/۰۰ اخبار

۴۱/۰۰ اخبار

۴۲/۰۰ اخبار

۴۳/۰۰ اخبار

۴۴/۰۰ اخبار

۴۵/۰۰ اخبار

۴۶/۰۰ اخبار

۴۷/۰۰ اخبار

۴۸/۰۰ اخبار

۴۹/۰۰ اخبار

۵۰/۰۰ اخبار

۵۱/۰۰ اخبار

۵۲/۰۰ اخبار

۵۳/۰۰ اخبار

۵۴/۰۰ اخبار

۵۵/۰۰ اخبار

۵۶/۰۰ اخبار

۵۷/۰۰ اخبار

۵۸/۰۰ اخبار

۵۹/۰۰ اخبار

۶۰/۰۰ اخبار

۶۱/۰۰ اخبار

۶۲/۰۰ اخبار

۶۳/۰۰ اخبار

۶۴/۰۰ اخبار

۶۵/۰۰ اخبار

۶۶/۰۰ اخبار

۶۷/۰۰ اخبار

۶۸/۰۰ اخبار

۶۹/۰۰ اخبار

۷۰/۰۰ اخبار

۷۱/۰۰ اخبار

۷۲/۰۰ اخبار

۷۳/۰۰ اخبار

۷۴/۰۰ اخبار

۷۵/۰۰ اخبار

۷۶/۰۰ اخبار

۷۷/۰۰ اخبار

۷۸/۰۰ اخبار

۷۹/۰۰ اخبار

۸۰/۰۰ اخبار

۸۱/۰۰ اخبار

۸۲/۰۰ اخبار

۸۳/۰۰ اخبار

۸۴/۰۰ اخبار

۸۵/۰۰ اخبار

۸۶/۰۰ اخبار

۸۷/۰۰ اخبار

۸۸/۰۰ اخبار

۸۹/۰۰ اخبار

۹۰/۰۰ اخبار

۹۱/۰۰ اخبار

۹۲/۰۰ اخبار

۹۳/۰۰ اخبار

۹۴/۰۰ اخبار

۹۵/۰۰ اخبار

۹۶/۰۰ اخبار

۹۷/۰۰ اخبار

۹۸/۰۰ اخبار

۹۹/۰۰ اخبار

۱۰۰/۰۰ اخبار

بر نامه مذهبی روز جمعه
بمناسبت شهادت حضرت
امام رضا (ع)

۰۰/۰۰ اخبار

۰۰/۱۰ تلاوت کلام الله مجید

اشعار عرفانی

۰۰/۳۰ ندای آسمانی

۰۱/۰۰ اخبار

۰۱/۰۳ تلاوت کلام الله مجید

اشعار مذهبی

۰۱/۵۰ ندای آسمانی

۰۲/۰۰ اخبار

۰۲/۰۳ تلاوت کلام الله مجید

مناجات

۰۲/۵۰ اخبار

۰۳/۰۰ تلاوت کلام الله مجید

اخبار

۰۳/۰۳ تلاوت کلام الله مجید

مناجات

۰۴/۰۰ اخبار

۰۴/۰۳ تلاوت کلام الله مجید

مناجات

۰۵/۰۰ اخبار

۰۵/۰۳ تلاوت کلام الله مجید

مناجات

۰۶/۰۰ اخبار

۰۶/۰۳ تلاوت کلام الله مجید

مناجات

۰۷/۰۰ اخبار

۰۷/۰۳ تلاوت کلام الله مجید

مناجات

۰۸/۰۰ اخبار

۰۸/۰۳ تلاوت کلام الله مجید

مناجات

۰۹/۰۰ اخبار

۰۹/۰۳ تلاوت کلام الله مجید

مناجات

۱۰/۰۰ اخبار

۱۰/۰۳ تلاوت کلام الله مجید

مناجات

۱۱/۰۰ اخبار

۱۱/۰۳ تلاوت کلام الله مجید

مناجات

۱۲/۰۰ اخبار

۱۲/۰۳ تلاوت کلام الله مجید

مناجات

۱۳/۰۰ اخبار

۱۳/۰۳ تلاوت کلام الله مجید

مناجات

۱۴/۰۰ اخبار

۱۴/۰۳ تلاوت کلام الله مجید

مناجات

۱۵/۰۰ اخبار

۱۵/۰۳ تلاوت کلام الله مجید

مناجات

۱۶/۰۰ اخبار

۱۶/۰۳ تلاوت کلام الله مجید

مناجات

۱۷/۰۰ اخبار

۱۷/۰۳ تلاوت کلام الله مجید

مناجات

۱۸/۰۰ اخبار

۱۸/۰۳ تلاوت کلام الله مجید

مناجات

۱۹/۰۰ اخبار

۱۹/۰۳ تلاوت کلام الله مجید

مناجات

۲۰/۰۰ اخبار

۲۰/۰۳ ت

تعمیر گاههای شاوب لورنس در تهران و شهرستانها



این هفته در تهران

موسیقی ایرانی

شنبه ۲۶ فروردین ساعت ۲۰
 محل انجمن
 دوشنبه ۲۸ فروردین ساعت ۹
 در محل دبیرستان رازی - خیابان
 پهلوی

شنبه ۲۶ فروردین ساعت ۲۰

محل انجمن

دوشنبه ۲۷ فروردین ساعت ۹

در محل انجمن

پهلوی

کوکتل جادوی

۱۹۷۲

(فقط برای کودکان)

دوشنبه ۲۸ فروردین ماه ساعت ۱۷

قبلاً توسط تلفن‌های ۴۲۲۳۷۶۷۳۶

برای کودکان جاززو و میتو

همین برای نامه در ساعت ۲۰-۳۰ نیز اجراء

مشود .

محل اجرا : کانون ایران و آلمان - خیابان

پهلوی .

نمایشگاه بر تولد برش

با هنکاری قسم تأثیر داشتگاه تهران

سهشنبه ۲۹ فروردین تا یکشنبه

۱۰ اردیبهشت

محل برگزاری : دانشگاه تهران ،

سالن نمایشگاه ، دانشکده هنرهای

زیبایا .

نمایشگاه نقاشی و

طراحی گروه آرگو

چهارنفر از هنرمندان معاصر آلمان :

هاین آیلیک ، روالف دیستل ، توماس شورت ،

ولی وایگل لاند

بعد از ظهرها از ساعت ۱۶ تا ۲۰

شنبه ۲۶ دوم دانشگاه ، شماره ۳۰

تلفن ۴۸۵۵۲

نمایشگاه چاپهای چوی

تبت (« مربوط به زندگی بو »)

از ۲۳ فروردین تا ۲ اردیبهشت

همه روزه از ساعت ۱۶-۳۰ تا ۲۰

خانه آفتاب

فیلم « هفت روز در جای

دیگر »

خیابان عباس‌آباد ، خیابان وزرا ، خیابان

هفت

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

تاریخ اسلام ، میث مورتی

نمایشگاه نقاشی و صد

- اتومبیل شما که تصادف کرده بود رسید. به اطلاعاتان می‌رسانیم که تعمیر آن تازودتر از دو هفته دیگر مقدور نیست.

سریال روکامپول را حتما

دیده‌اید. داستان این فیلم را یکی از معرفت‌ترین پاورقی نویسای فرانسه به نام «پوتون دوترا» نوشته و به موقوع خود می‌بیند نفر رادر اضطراب و هیجان نکه داشت. پوتون دوترا، مثل همه پاورقی نویسیها بسیار پرکار و در نتیجه کاهی اوقات بیافت بود.

اشبهای این‌ندهداری در نوشته‌های او دیده شود که بعدل هیجان مطلب

کمتر کسی به آنها توجه کرده است. بعضی از جالبترین این اشبهایها از

این قرار است: دستهای این‌مرد، مثل دستهای

مار سرد است! کنی از معلم و شواری به

همان رنگ پوشیده بود...! پرنسس یا زیان پرتفالی گفت آه! آه!

سیاهپوست در هرستش یک تپانچه بود و با دست دیگر فریدگرد.

جوانی عادت داشت که نصفه شبها وقت و بی وقت پنجره اتاقش را باز می‌کرد و شیبور می‌زد! بالاخره یکی از رفاقتانش به او گفت:

- مکه واقعاً برض داری این چه وقت شیبورزدنه؟ نفمیدی، با این کار، پول

یه‌ساعت رو سرفجوبی می‌کنم.

- چطوری؟ این‌طوری، هر وقت شیبور

می‌زنم، مردم بیدار می‌شن، داد می‌ذن که مثلا: «ساعت دویم بعد از نصف شب چه وقت مردم آزاریه!»

در مقابل آمریکاییها هم این شوخی را برای روسها در آورده‌اند:

چند وقت پیش ریک سرباز روسی با کسب اجازه از برلن شرقی به

برلین غربی آمد و چون جا نداشت به دعوه یک همقطار آمریکایی، شبرا

در اتاق او گذراند و فردای برلن شرقی پر گشت. رفاقتان پریشند:

زندگی با آمریکاییاً چطور بود؟

اتاق که بخواهیم من مث همه مردم لباس‌مو دراوردم انداختم رو زمین،

اما اون لیاوشو درآورد اویزان کرد به‌چوب‌رختی، عین تو فیلم. بعدهش

من ساعت مچی مو دراوردم مث همه

مردم بستم بادسته تختخوابی، اما اون ساعشو واژ کرد گذاشت رومیز بالا

سرش، عین تو فیلم. بعدهش نصفه شب من شدم ساعتشو بلند کنم، اما اون از زیر یاشش یه‌ففت درآورد

و ساعته‌رو پس گرفت، عین تو فیلم.

همسر یک داور معروف فوتبال به او گفت:

- واسه چی بعد از هر مسابقه با من دعوا می‌کنی، بدی ببراه می‌گی، تمثیلی نازرا می‌زنی... تو که می‌دونی من چند نجیم و چند بیت وفادارم...

داور گفت: - قول دارم که تو نجیم و وفاداری ولی وقتی تو هر مسابقه‌اگلی می‌هزار تماشاجی خلاف اینجا در باره تو می‌گن، حق ندارم یه‌خورده مشکوک بیشم؟

شرطمندی وارد یک عرق‌فروشی شد و یک گلیاس عرق خورد، پوشش را داد و وقتی می‌خواست برسود،

می‌فروش ذیر لب گفت: - تا حالا ندیده بودم یه‌شرطمند بیاد اینجا عرق بخوره.

شرطمندی پوشش ذیر لب گفت: - تعجبی نداره. با این قیمتی که تو حساب می‌کنی کلوم شرطمندی حاضره مشتری تو بشه.

چندین سال پیش، در یک شب

همانی، بینارد شاو بعد از اینکه گردید شدیدی در گرفت و

شیروانی یکی از ساختمانها را کند. صاحب ساختمان بعد از ختم گلله‌گرد

باشد، حلیها را جمع و جوک کرد و به توصیه همسایه‌اش، برای آن که احتمالاً

پولی از بایت این کم بیاورد، آنها را یکی از کارخانجات اتومبیل‌سازی

معروف (که اشن را نسی‌بریم) شاو زندانه گفت:

- من مردی به بدمستی شما تا

قرستاد. چند روز بعد نامه‌ای به این

عیب من فردا صحیح از بین میره.

میان پرده

چند سال پیش، روسها این داستان را برای آمریکاییها ساختند:

- در جریان جنگ دوم، سه سرباز روسی و سه سرباز آمریکایی سوار یک سورتمه در شمال شوروی

سفر می‌کردند. سورتمه وسط برقهای آنبوه داشت و سیع به طرف شرقی در

پنجاه کیلومتری پیش میرفت که ناگهان از دوردست، یک گله‌گرگ

گرسنه خونخوار پیدا شد که شمشکین جلو می‌آمد. سورتمه‌چی تند کرد و اسب‌ها نفس‌زنان با تمام قوا به حجمت

در برف پیش می‌رفتند اما گرگها گرسنه و تندرو بودند و بعد از چهار پنج دقیقه به چندقدیمی سورتمه رسیدند.

یکی از سربازهای روسی گفت:

- رفقا من خودمو قدادی شاما

می‌کنم.

این را گفت و از سورتمه پرید پایین و ظرف چند دقیقه گرگها استخوان‌پایش را هم خوردند. در این فاصله سورتمه توانسته بود مقداری از گرگها دور شود اما تعقب بازهم شروع شد و باز در آخرین لحظه دوین سرباز روسی گفت:

- رفقا من قدادی شما...

و پرید بیرون و به‌منوشت اولی دچار شد. سوینین سرباز روسی

هم ناگزیر فداکاری کرد اما گرگها گرسته از این بودند که سه تا

سرباز سیستان کند و باز رسیدندی دوسته قدیمی سورتمه. در این موقع یکی از سربازهای آمریکایی به دوستی دیگر گفت:

- هي بچه‌ها! حالا وقتنه که مضمون از طرف کارخانه برایش رسید: مسلسل هاتون از زیر پالتو درآورین!

رئیس فروشگاه به فروشنده‌های جدید گفت:

- همچوquet به مشتری جواب دد، ندین اگه کششی خواست که نداشته‌ی، یکین که همین چند دقیقه پیش توم شده و حاضرین سفارشی برایش بدوزین.

همان روز خاتمی به فروشگاه آمد به‌یکی از فروشنده‌ها گفت:

- کفش سوسمار دارین؟

- اووه خانوم! خیلی متاسفم، داشتیم، اما همین حالا پیش پای شما توم شده، ولی می‌توینی سفارشی برآتون بدوزیم. فقط یفرمایید نمره پای سوسمارتون چنده؟

پرشهک بیماریهای روانی ب مکارش گفت:

- با مشکلترین مساله دوره طبایتم رو بررو شدم. یه‌مریض برام آوردن که هفت دفعه ازدواج کرده و دیوونه‌س.

- خوب اشکالش چیه؟

- اشکالش اینه که نی فهم این با چون دیوونه بوده هفت دفعه ازدواج کرده یا چون هفت دفعه ازدواج کرده دیوونه شده.



**کفتگوازاین دو عروسک نیست
بحث از «عروس» آسمانهاست
همه جا صحبت از «هُما» است**

«هُما» با شاهبال بلند پرواز خود، پلی مطیئن میان آسیا و اروپا است.

با «هُما» پرواز کنید

هامبورگ- فرانکفورت- پاریس- لندن- ژنو- رم- استانبول- دوها- دوبی- کراجی- بمبئی- کابل- بغداد- ابوظبی- کویت



کنسرت ارکستر سنتوفونیک تهران برای کودکان دبستانی

سنفوونی شماره پنج به هیجان آورده بود

گزارش و گفتگو از: ژاله رفیعزاده

تالار کوچک روکی بر از پیچ بود.
در حلواد ناقصه از موسیقی کلاسیک
گوش دهن. جا کم بود و بچه ها حتی روی
پله ها هم نشسته بودند. ارکستر سنتوفونیک
تهران می خواست برای بچه ها کنسرتی اجرا
کنند.

هنوز برنامه شروع نشده بود و بچه ها
مشغول شیطنت بودند. سروصدای سال را
پر کرد. بعد از چند دقیقه انتخاب
ارکستر در جاهایشان قرار گرفتند. رهبر
از ارکستر، حشمت سنجری، برای بچه ها توضیح
داد که ارکستر سنتوفونیک تهران تصمیم
دارد بعد از این، هر کنسرتی را که در تالار
روز کنی اجرا میکند، روز بعد برای هنر-

جوان و داشبوریان و نو روز بعدش قلهاتی
از همان کنسرت را برای بچه های دبستانی
اجرا کند. در انتخاب این قلهات سه می-
شد. قسمت هایی گنجانیده شود که بدهن
و گوش کودکان آشناز باشد و بظرشان
جالبتر بیاید. از طرف دیگر سعی می شود
اگر قلهاتی مناسب بچه ها در کنسرت اصلی
اجرا شده باشد در این برنامه گنجانیده
شود. اولین قلهاتی که اجرا خواهد کرد
آنی از موزارت بنام «مدیر نمایش»

است. رهبر ارکستر بیان ساده و خودمانی

با بچه ها صحبت می کرد و اعصاب ارکستر
و رهبر لباس های ساده و راحتی بوشیده
بودند. سالن کنسرت بیو شاط و جوان
می داد. موزیک شروع شد. بچه ها سکوت
کردند معلوم بود که نور و حرکات اعصابی
ارکستر لظرشان را جلب کرده است. بچه ها

آنها با گنجانیده می تکریستند

و کم کم موزیک آنها را بطرف خود کشاند.

ساقه های داده شده می کردند حس شنیدن

یک نت را هم از دست نهادند. بیان قلهات

با تشویق بچه ها توان بود.

قطعه دوم موموان اول کنسرت تویل

چایکوفسکی بود. در کنسرت اصلی تاک

توایزی که این قلهات را اجرا کرده بود به

عنوان مهمان آنها بیان شد به ایران

رهبر ارکستر قیل از شروع این آنها

نمایش را که در این آنها می کردند.

قطعه به عنده یکی از اعصاب ارکستر سنتوفونیک

گذشتند شده بود.

بچه ها مستخوش هیجان بودند و در

مان آنها چند لغزی را می شد دید که

ارکستر خیالی را رهبری می کنند.

برای این برآمده بلطف فروخته شده

بود و بچه ها از مدرس های مختلف دعوت

شده بودند.

قطعه سوم موموان اول سنتوفونیک شماره

پنجم بعنوان صادق تر می شود یعنی کرد؟

ارکستر سنتوفونیک تهران به
رهبری حشمت سنجری اخیراً دست به
ابتکار جالبی زده و آن، اجرای
کنسرت هایی برای بچه های دبستانی
است. خبرنگار ما در یکی از این
کنسرت ها حضور یافته و دیر تازی از
آن تبیه کرده که در اینجا از نظرتان
میگذرد. در ضمن، با استفاده از
فرصتی که در پیان این کنسرت دست
داده با آقای حشمت سنجری گفت و
شنوی اعلام گرفته که آنرا نیز در
همین صفات مطالعه خواهید کرد.

در آهنگهایم سعی میکنم از تمها و ملودیهایی که
رتگ ایرانی دارند استفاده کنم
ارکستر مجلسی تلویزیون ملی ایران میتواند
موافقیت هایی بزرگی کسب کند
هدف از اجرای کنسرت برای کودکان دبستانی
بیشتر تلطیف عوطف و احساسات آنهاست

خارجی ها دارند و اکثر، تحمیلاتشان
در کشورهای دیگری غیر از کشور
خودشان نیز بوده است. بهمین دلیل
حتماً به یکی از زبان های زنده دنیا
آشنای هستند. از خصوصیات رهبر
ارکستر هم این است که خواه ناخواه
روی احتیاجات کارش بچند زبان آشنا
باشد. من که در این مورد به مشکلی
پرخورد نکردم.

- در این دعوهای اهکار بالارکستر های
دیگر آیا بیش می آید که رهبر حس
کند افسای ارکستر او را درست
نمی بذریند؟

● برابر من تا بحال پیش نیامده
که با ارکستر روپرتو شوم و سرا
پنداشد. شاید بشود فرض که بیک
رهبر از لحاظ روانی چنان باشد که
تواند خودش را به ارکستر تعییل
کند. در آن حال باید ثابت که او یک
رهبر ارکستر نیست.

- بداغون یک رهبر، اجرای

آهنگهای کدام آهنگساز را ترجیح

می دهد و برایتان راحتتر است؟

تفاوت زیادی ندارد. اصولاً وقتی

روی آهنگی کار می کنم چون مجبور
زیاد روی آن طبله و تمیز نمی کنم
متوجه می شوم که از آن آهنگ واقعاً
دارد خوش می آید. اما اگر قرار باید
آهنگ را را خودم انتخاب کنم در انتخاب
مردد می مانم که آهنگ های کدام
آهنگساز را برگزینم بطور کلی، با
آنگساز هایی که در سیک رمانیک

کار کرده اند تجسس فکری و روحی
بیشتری دارم؛ مثل برآمده می آهنگ های
هایی از پیشوند که در سیک رمانیک
است، یا چایکوفسکی. بهتر است جواب

پاسخ می دهند: همکاری

با این ارکستر برای من خیلی جالب
بود، هرچند که کاری بود متفاوت با
کارهای سایقم باارکستر
پژوهشگر که طبیعتاً دارای روال و گفتگو
متفاوت با ارکستر مجلسی است کار

چنین میادلات فرهنگی یا تبلیغاتی
داشته باشد. ولی گاهی هم آزانهای
یک نفر به خانه اش میمان دعوت می کند.
کنسرت دعوت می کند و از لحاظ

حرفه ای این گونه دعوت ها ارزش
ارکستر بتواند موافقیت های بزرگی در
زمینه های کار خودش بدهست آورد.
- تاکنون بداغون رهبر میمان
به کدام کشورها سفر کرده است؟

● هنگامی که رهبر به کشور

دیگری می رود و رهبری ارکستر را

کارهای خیلی مدرن و نو اجرا نماید

مناسیتر کلاسیک ها و رمانیک

مستله تفاوت زیان یا اعضای ارکستر

را چگونه حل می کنند؟

● رهبر و اعضای ارکستر

میکنند اما نمی شود درجا زد و متوقف

● تبریز احمد شاه است که یکی از کند که اگر در همان موقع بخوبیت قبیر تمام خواهد شد وی بعد گرفتار می شواین دوستانم بین داده، تبریزهایی هم دارد که پیش از اینکه بعد از یکی دو سال بعضی از تبریزها بزرگ هر چند سال یکباره منتهی شوند مثل تبریزهای نادرشاه که قیمت روی آن به دینار است ولی من آنرا ۱۰۵ هزار خردیه، آیا این تبریزها را خرد و فروش هم می کنی؟

● خرد و فروش نی کنم چون برای سرگرمی و ساعات یکباره این کار را انتخاب کرده‌ام. فقط با دوستانم تبریزها را عرض می کنم.

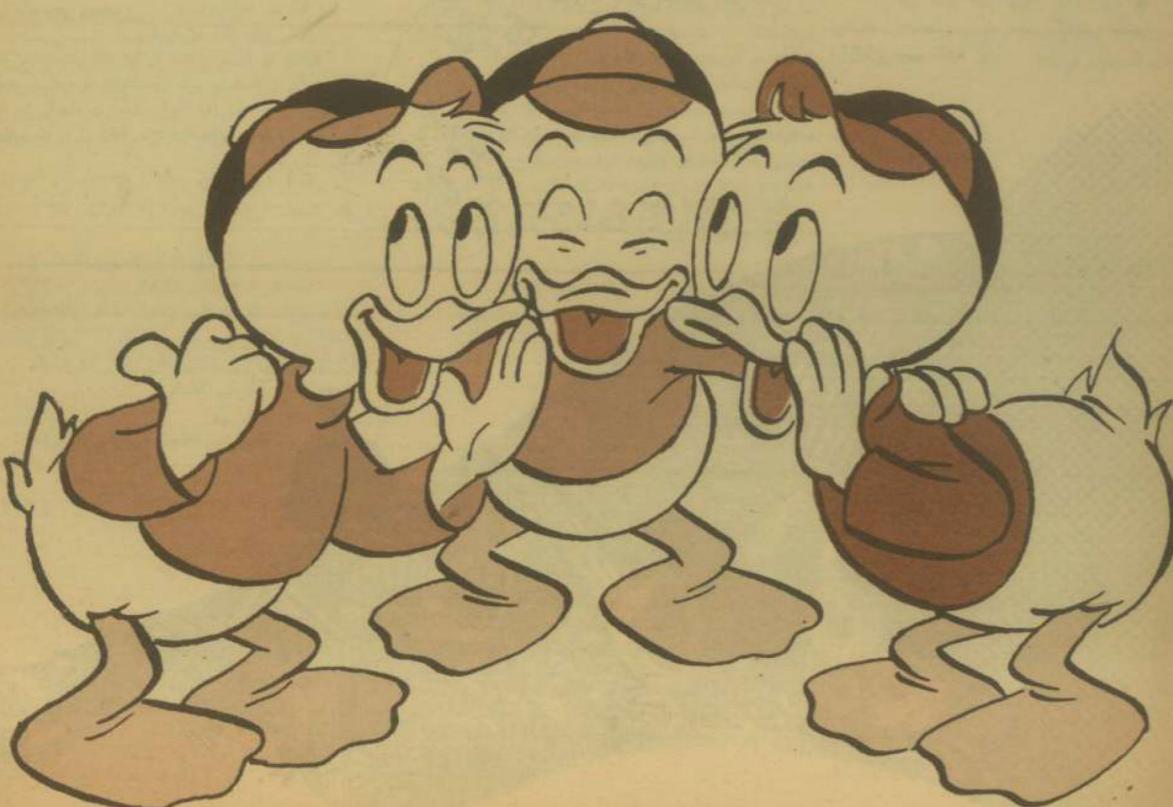
● فکر نمی کنم چون کردن تبریز وقت درس خواهد را بگیرد؟

● چون خیلی دلم می خواهد زدن درسها را تمام کنم و ذکر بشویم البته تا آنوقت هرگاه که فرصت کردم تبریز جمع می کنم.

● از شاهر شکر می کنم و ازش می برسم برای دوستانم که تبریز جمع می کنند، حرف بخصوصی نداری، با لحن ساده و خیلی شعرده می گویند:

● کسانی که می خواهند تبریز جمع کنند باید موافق باشند که دنده‌های تبریز خراب شنود چون در آن صورت ارزش آن ازین می برود در ضمن هر وقت تبریز می خوند یک هر دو سری بخواند تا در صورت احتیاج بتواند با سری‌هایی که دوستانشان دارند و خود ندارند عوض کنند.

مشیله



کلکسیون‌ها

بهجهای عزیز، در مجله تعاشا که مخصوص ۱۳ نویز منتصت شد، از دوستان خوبیان خوت کردیم که اگر مجموعه‌یی دارند برای ما نویزند تا آنها را معرفی کنیم، این پیشنهاد با استقبال بسیار هواجه شد و مجموعه‌های قشنگ و نیزی از تبریز، عکس،

کبریت برای ما آوردند که بترتیب به معرفی صاحبان آنها و چاپ عکس خود و مجموعه‌ی هایشان می‌پردازند.

● بول خرد تبریز را از کجا گیر می‌کاری؟

● معمولاً هر هنرهای مانع و بایام بن بول تو جیب میدهند که خرج و سایل لازم برای مدرسه و ناهار خوردن... می‌شود، با آنچه که صرفه‌جواری می کنم تبریز هی خوب، بعض و قاتا هم بدرم برای تشویق برای تبریز می خرد یا بول آن را یعنی میدهند که خود بخواهد.

● رنگ آمیزی آنها جمع می کردم و در دفتر می‌گذاشتیم، وقتی بزرگتر شدم و دیدم که

برادرم مجموعه‌ی قشنگ از تبریزهای خود را می‌شودند و هر خودرده را که کار گذاشته بودم

گرفتم تبریزهای را که چنان‌گذاشته بودم می‌شوند، مثل تبریزهای جشن تاجگذاری، یا

چشم‌های دو هزار و پانصد ساله یا مسابقات ورزشی که قیمتمند بیشتر است، تبریزهای که دوره‌ی را گذرانده و هر خودرده اند

قیمتمند کمتر است ولی بعد از سالیانی بسیار بعلت اینکه دیگر متصرف نمی‌شوند گران‌تر می‌شوند، در ضمن تبریزهای خارجی را بیشتر

می‌کنم؟

● هر تبریز یک سری دارد، مگر تبریز اول ارزش تبریز را داشتند که بندت

وقتی نامه‌ی یا کارتی برای پدر یا مادرم بیامد تبریز آنها را بظاهر قشنگ عکس و

چطرب شد که بفکر جمع کردن تبریز

افتادی؟

● راستش اول ارزش تبریز را داشتند، و قتن نامه‌ی یا کارتی برای پدر یا مادرم بیامد تبریز آنها را بظاهر قشنگ عکس و

این روز در ایران

در ایران چون روز دوم آوریل مصادف با سیزدهم فروردین و روز تعطیل است، این مراسم در روز چهاردهم فروردین جشن می‌شود.

اسمال کانون پرورش فکری کودکان نمایشگاه کتابی از کتاب‌های کودکان ترتیب داده بود.

نمایشگاه ۲۴ غرفه داشت که هر غرفه متعلق به یک کشور بود. تعداد کتاب‌های

حدود هزار جلد بود. بیشتر کشورهای شرکت کننده کشورهای اروپائی بودند. چند کتاب‌های کشورهای آسیانی و آفریقایی از این نمایشگاه خالی بود. ناگفته نمایشگاه که از کشورهای آسیانی پهلوگیر ایران که میزین بود نه تنها ترکیه و زاین شرکت داشتند.

کتاب‌های چاپ زاین از همین زیانی درین سایر کتاب‌ها مخصوص بود. غرفه‌ی آمریکا بر کتاب‌ترین قسم نمایشگاه بود.

این کتابها از قسمت «کتابخانه مرجع» کانون آورده شده بودند. کتابخانه مرجع کانون این کتابها را برای اسناده قفسه‌ای مترجمان و ناشران جمع آوری کرده اند.

پنجمین سال است که کانون چنین نمایشگاهی ترتیب می‌دهد. میتوانند کتابخانه مرجع که در روز افتتاح نمایشگاه به همین می خواهند که در نویسندگان کانون هم از این روز به تمام کتابخانه‌های کانون می‌رود و یا کودکان و نوجوانان درباره کتاب‌ها و قصه‌ها که به کانون مربوط می‌شود صحی خواهند کرد. به غیر از کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان قرار بود که مدارس مختلفهم در این روز مراسمی اجرا کنند

الاتالله در سال آینده در روز افتتاح، بجههای خوب و کتابخوان راهنم دعوت کنند.

نویسنده آمریکایی که در هلند بدلی آمد فرنستاده است. او در سال ۱۹۶۳ جایزه هائی کریستن اندرسن را بخطاب فعالیت‌های ادبی خودش دریافت کرد. دادن این جایزه هم یکی دیگر از طرح‌های مهم نظریین‌الممال کتاب برای نوجوانان است.

پیام اسلام، پیام طولانی است که فقط قسمت از آن برایتان نقل می‌شود:

«... من از هلن، با آمریکا آمد، اما آیه در خاطرم می‌باشد که مداد و خداخانی با مدریزگ و مادریزگ و اقام و خوبیان نیست، بلکه خاطرهای است از نامه‌گذاشتن خواندن کتابی بنام «تله شیشه‌ای» که هر از بیان نرسید.

کتاب را نی توالتست باخود برد، کتاب چون متعلق به کتابخانه مدرسه بود. کتاب قسمه‌ای بود در حد کلاس سو. ولی برای من اولین کتاب داستان بود. یک داستان کامل، یک داستان طولانی.

علم می‌دانم می‌خواهد داشت که این کتاب را نیز مثل کتاب‌های دیگر ناید بیش از روی

یک صفحه خوالد و ماجراهای داشته که را ورق زده از بقیه ماجراهای داستان اهلان پیدا کنیم. تا آن که یکروز پدر و مادر به من گفتند که بسوی آمریکا کتاب کش خواهیم کرد.

حالام خوازیم رسید گفته شد، مادر از گفته شد که خواهیم کرد.

کتاب را از آن گذشت پس از گذشت پیچاسه، خاطره آن کتاب مدرسه‌ای در نظرم بیاورد.

مادر از آن دسته است و وقتی قرار شد

هائی کریستن اندرسن نویسنده گرفت.

کتابی از طرف کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده به دلیل اسلامی کنند

دختر من شنید که باید در همه مدرسه می‌رود روزها باید در آسمان، تهبا یا نشینید

تار درخت اثار میوه بدهد. دختر از آن میوه بدهد.

گلچین گیلانی، ای پادشاه، د. فیضی،

فروغ فخرزاد سیاوش کسرائی، رویا، منوچهر آتشی و احمد رضا احمدی،

در این مقاله شعر احمد رضا احمدی را برایتان بازگو می‌کنیم:

یک روز خورشید به میانه ما آمد

دختر میوه به خورشید آواز داد

مادرم خورشید بزرگ شد

صبح که بیدار می‌شد

خورشید در آسمان

ماهی در حوض است

و سهر باشی درخانه

یک روز خورشید پیچ آورد

پیام اسلام را آقای «میندرت دوینک»



گفتگو با نو جوانان درباره کتاب



بعدها در کتابخانه شماره ۸ کانون پرورش فکری کودکان با یکی از نویسندگان کتاب‌های کودکان گفتگو می‌کنند.



شعر

کتابی از طرف کانون پرورش

فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده به

نام شریهای برای کودکان، این کتاب

حواری اشاره ای از نیسا یا سیچ

کلچین گیلانی، ا. پادشاه، د. فیضی،

فروغ فخرزاد سیاوش کسرائی، رویا،

منوچهر آتشی و احمد رضا احمدی،

در این مقاله شعر احمد رضا

ایم روز خورشید بازگو می‌کنیم:

دختر میوه به خورشید آواز داد

مادرم خورشید را شیر داد

خورشید بزرگ شد

برگزار می‌گردید

هر سال نیز نویسندگان کتاب‌های کودکان

یکی از اکثرها به نامه‌گذاشتن

برای کودکان در کتابخانه‌های کودکان

برگزار می‌گردند

برگزار می‌گردند

کتابخانه می‌گردند

چون پرند، چون ماهی

آج. بی. هیکی
ترجمه: متوجه مجوجوی

هشتماً که کشیش به بالای ته آمد و پادره نگاه کرد و آن ماشین عظیم را با جامی که دور و بر آن می‌لویلندید، تو داش خالی شد و زانو زد و صلیب کشید.

دهاتی هم همین کار را کردند.

کشیش زمزمه کرد:

- بـنام پـدر، و پـسر، و روـح القدس.

دهاتی ها گفتند:

- پـدر روـحـانی، پـائـین فـروـیـد.

کشیش، که دامنش را بالا می‌مذ و قصد پـائـین رـفـن داشت، پـرسـیـد:

- پـس چـه کـسـیـ بـرـودـ؟

- خـلـیـ خـوبـ مـعـلـومـ استـ کـهـ اـینـ فـرـسـتـادـگـانـ

شـیـطـانـ!ـ روـیـ فـتـکـهـیـانـ رـاـ مـیـآـزـمـ وـ مـیـفـسـتـمـ

کـشـیـشـیـ زـدـ:

- اـنـکـهـ اـقـاعـاـ اـزـ شـیـاطـینـیـاـشـتـدـ، تـوـبـ وـ تـفـنـگـ

چـفـادـهـایـ دـارـدـ:

دـستـهـایـ باـزـ دـارـنـدـ دـهـاتـیـاـ رـاـ مـؤـدـبـانـهـ کـنـارـ زـدـ وـ

درـ بـرـاـبـرـ چـسـنـ حـیـرـتـ زـدـ آـقـانـ، صـلـیـشـ رـاـ مـیـ روـیـ

گـرفـتـ وـ نـیـمـلـفـانـ وـ نـیـمـدـوـانـ بـهـنـهـ دـرـ دـهـ رـفـتـ. جـیـزـهـایـ کـهـ

دـوـرـ وـ بـرـمـاشـینـ بـوـدـنـدـ دـازـ کـارـشـانـ کـشـیدـنـ وـ بـهـمـاشـیـ

اوـ اـسـتـادـنـدـ.

کـشـیـشـ درـ دـلـ دـجـارـ تـرـسـیـ عـلـیـمـ شـدـ بـوـدـ، اـماـ بـاـ

کـمـ صـلـیـبـ وـ اـیـمـانـ اـسـتـاوـشـ بـاـ آـنـ جـنـگـیدـ وـ مـفـلوـشـ

کـرـدـ. آـنـگـاهـ گـفتـ:

- بـنـامـ خـدـاءـ شـماـ کـیـسـتـدـ؟

جوـایـ زـیـادـ:

ازـ کـجاـ آـنـدـ؟

حسـ کـرـدـ درـ مـغـرـشـ اـحـاسـیـ بـهـ جـوـودـ آـمـدـ کـهـ بـهـ اـینـ

سـوـالـ مـرـبـوطـ مـیـشـدـ. شـماـ اـزـ کـجـاـیـدـ درـ مـغـرـشـ نـصـامـ

وـ رـوـطـهـ اـمـكـانـ، نـقـامـ دـرـ بـیـاـهاـ وـ قـارـهـاـ وـ سـیـارـهـاـ مـجـمـ شـدـ.

وـ دـرـ بـیـسـ آـنـهـ کـمـکـشـانـهـ وـ کـمـیـانـهـ دـیـنـگـرـ بـوـدـ.

آـنـگـاهـ تمامـ اـینـ تـصـورـاتـ بـهـ آـنـ اـحـاسـ بـرـگـشتـ.

جـیـزـیـ درـ مـغـرـشـ گـفتـ:

- کـجاـهـ، کـیـ.

- کـیـ؟

- دـبـرـوـزـ.

کـشـیـشـ گـفتـ:

- نـیـفـیـمـ.

فـکـرـ گـفتـ:

ایـنـجـاـ جـهـانـ فـضـاسـتـ. توـ درـ جـهـانـ فـصـاـهـاـ وـ مـکـانـهـاـ

زـلـدـگـیـ مـیـکـنـ وـ بـاـ حـرـکـتـ دـرـ فـضـاـ، زـمـانـ رـاـ خـلـقـ مـیـ کـنـ.

- نـیـفـیـمـ.

- اـشـکـارـ نـدـارـدـ. دـیـروـزـ توـ وـ اـکـتوـبـرـ نـگـاهـ

مـیـلوـیـلـنـدـ دـیدـ، توـ دـاشـ خـالـیـ شـدـ وـ زـانـوـ زـدـ وـ صـلـیـبـ کـشـیدـ.

دـهـاتـیـ هـمـ هـمـینـ کـارـ رـاـ کـرـدـنـ.

کـشـیـشـ فـکـرـ کـردـ، عـجـابـ خـداـونـدـ بـایـانـ نـدارـدـ، وـ بـلـندـ

خـوشـ آـمـدـیدـ.

پـرـسـتـ درـ مـغـرـشـ گـفتـ:

- ماـ درـ کـدـامـ نـقـلهـ اـزـ فـضـاـ هـتـمـ؟ـ کـجـانـ؟ـ

- درـ دـنـیـانـ مـاـ دـلـ مـکـرـیـکـوـ. درـ بـاـکـ گـوـشـ دـورـاـفـادـهـ

گـوـادـاـجـارـاـ. اـنـجـاـ بـاـکـ دـهـکـدـهـ کـوـچـ استـ وـ مـنـ بـدـرـ

وـ بـیـسـ کـشـیـشـ هـستـ.

- آـنـهاـ گـوـادـاـجـارـاـ، مـکـرـیـکـوـ، دـهـکـدـهـ، مـرـدـ، وـ نـقـامـ

بـیـزـهـائـیـ رـاـ کـهـ درـ مـغـرـ کـشـیـشـ بـاـدـ بـوـدـ وـ آـنـ رـاـ تـعـبـرـ

کـرـدـ، کـهـ چـنـگـوـنـهـ بـاـدـ مـاـسـعـ مـجـبـ رـاـ کـامـلاـ بـایـزـ کـرـدـ

بـوـدـ، آـنـ رـاـ دـوـبـاهـ بـسـهـ بـوـدـ وـ بـیـسـ اـزـ رـوزـ اـولـشـ کـارـ مـیـ

کـرـدـ، خـلاـصـهـ اـنـكـهـ بـاـبـلـوـ اـزـ عـدـدـ دـرـستـ کـرـدـ هـمـهـیـزـ

بـرـمـیـ آـمـدـ وـ سـخـنـ وـ آـسـانـ بـرـایـشـ مـطـرحـ نـبـودـ.

بـیـزـیـ درـ مـغـرـ کـشـیـشـ گـفتـ:

- مـاـشـینـ مـاـ نـمـیـ تـوـانـدـ درـ فـضـایـ شـماـ حـرـکـتـ کـنـدـ.

بـرـاـبـرـ تـوـرـیـهـایـ ماـ بـاـیدـ حـرـکـتـ کـنـدـ، اـماـ نـمـیـ کـنـدـ، مـاـ وـاردـ

فـضـایـ شـماـ شـدـمـ وـ خـودـ رـاـ درـ اـینـجـاـ يـاقـیـمـ. حـالـاـ نـمـیـ تـوـانـهـ

حـرـکـتـ کـمـیـ.

کـشـیـشـ گـفتـ:

- حـمـاـ یـکـتـیـ اـزـ اـبـرـهـایـ آـنـ شـکـهـ بـاـ خـابـشـهـ

استـ.

وـ زـیـانـ لـاتـینـ وـ بـسـارـیـ زـبـانـهـ دـیـنـگـرـ هـایـ

کـرـدـ. آـنـگـاهـ گـفتـ:

- بـنـامـ خـدـاءـ شـماـ کـیـسـتـدـ؟

جوـایـ زـیـادـ:

ازـ کـجاـ آـنـدـ؟

حسـ کـرـدـ درـ مـغـرـشـ اـحـاسـیـ بـهـ جـوـودـ آـمـدـ کـهـ بـهـ اـینـ

سـوـالـ مـرـبـوطـ مـیـشـدـ. شـماـ اـزـ کـجـاـیـدـ درـ مـغـرـشـ نـصـامـ

وـ رـوـطـهـ اـمـكـانـ، نـقـامـ دـرـ بـیـاـهاـ وـ قـارـهـاـ وـ سـیـارـهـاـ مـجـمـ شـدـ.

وـ دـرـ بـیـسـ آـنـهـ کـمـکـشـانـهـ وـ کـمـیـانـهـ دـیـنـگـرـ بـوـدـ.

آـنـگـاهـ تمامـ اـینـ تـصـورـاتـ بـهـ آـنـ اـحـاسـ بـرـگـشتـ.

جـیـزـیـ درـ مـغـرـشـ گـفتـ:

- کـجاـهـ، کـیـ.

- کـیـ؟

- دـبـرـوـزـ.

کـشـیـشـ گـفتـ:

- نـیـفـیـمـ.

فـکـرـ گـفتـ:

ایـنـجـاـ جـهـانـ فـضـاسـتـ. توـ درـ جـهـانـ فـصـاـهـاـ وـ مـکـانـهـاـ

زـلـدـگـیـ مـیـکـنـ وـ بـاـ حـرـکـتـ دـرـ فـضـاـ، زـمـانـ رـاـ خـلـقـ مـیـ کـنـ.

وـ اـنـجـاـ کـارـشـانـ بـهـ دـیـنـگـرـ بـوـدـ.

وـ اـنـجـا

خون بر شنل سرخ

پاورقی حدید پلیسی ما

نوشته «هتری سیل»
ترجمه عبدالله توکل

خلاصه آنچه گذشت

سرادین پرات، قاضی عالیمقو
و رئیس دادگاه عالی در مراجعت به
دفترش خود، پر از وقوع حادثه‌ای
گرفتار ضربه ووحی می‌شود که در
نتیجه آن همه چیز را فراموش می‌کند.
در عالم فراموشی به ذهن برمی‌خورد
و به عوض آنکه به خانه خودش برود،
بخانه این زن می‌رود و پنج روز در
خانه او ماند. و پرای گتمان قضیه
به دفترش دروغ می‌گوید و روزنامه
در بیمار می‌شود خودش را می‌بیند که

آقای لوو گفت:
— بگویید بینم در حال حاضر،
بعقیده پلیس، پدرتان چه مرضی
دارد؟

— پلیس عقیده دارد که پدرم
گرفتار «حمله» شده است...

— در این صورت، تصریح می‌کنم
این حمله ب مشاهده جسد به او دست
داده... و آنوقت روی جسد افتداد...

— و وقتی که روی جسد افتداد،
به نحوی از انعام، دسته کارد را به
دست گرفته...
— این فرضها به چه درد ما می-
خورد؟

— اما اگر پدرتان این زن را
نکشند باشد، بیش کس دیگری نکشند
است... من بایست، تا آنجا که می-
توانم، به اتکای قضایائی که می‌دانم
وضع را در نظر خودم مجسم بکنم و

بینم با این فرض که مرتكب جنایت
کارده نکشند شده است که یکسره تا
قلب فرورفته، این جنایت به جنایت
قاتلی که سادیم داشته باشد،
شبات ندارد، لام و آثار دیگری از
حافظه اش را از دست داده است... آیا پس
آنکه قتل بوده؟ اینکوئه زنها چندان
پولی ندارند... و در هر حال، آنقدر
پول ندارند که وجہ قتل باشد، مسكن
است، ممکن است خواب دیده باشد، یا
اینکه ممکن است پس از بیدارشدن
دسته کارد را گرفته باشد... یا اینکه
قاتل حقیقتی کارد را بست او داده
باشد.

— در چنان صورتی می‌توانست آن
مرد را ببیند.
— درست است... اما حافظه
خودش را از دست داده است... پس به
اینکوئه زنها حسادت داشته باشد؟
— مسلماً... گاهی حس نمی-
زنند که سرو کارشان با زن بدکاره‌ای
را دوباره بست بیاورد، نمی‌محتمل
چگونه ممکن است بدایم که در آن
عنان اختیار از دست می‌دهند و دیگر
اطاق چه خواستی اتفاق افتاده است...
نمی‌تواند پراعصاب خودشان تسلط
داشته باشد... در هر حال، مردهایی
که از راه حسادت شده است که قتل می-
زنند، در حکم حیوان هستند یا اگر
بینون امده بود و تاکسی او را در
ساعت چهار و نیم در جوار آپارتمان
این زن پیاده کرده بود، و آن دقیقه،
 فقط در اندیشه یک چیز بسیار می‌بیند:
کشته شده است. اگر پدر شما این زن
را نکشند باشد، بیچون و چرا یکی دو
اکثر مردم، کمد پیش، حس حسادت
دارند، اما، ترتیب کار را چنان می‌دهند
که این حس را در حد معقول نکنند
پای او در گوشه‌ای پنهان شده باشد،
از هوش رفتن او را دیده باشد و
جسدها را، بدلشوای خودش، روی هم
می‌شنود که این کار را به مستور
اینچه فرش دیگری است. و درهای
اینهم موضع به نظر من مایه دلخوشی
است.

— چرا؟
— برای اینکه قضایا، تا آنجا که
حس احساس خودشان غلبه یابند، پس
زدن را نکشند، تیار می‌شون و این
در صورتی که قضیه عکس این باشد،
جستجوی یکی بیمعنی خواهد بود، اما
این امر ممکن است... می‌بیند که فلوسی در یکی از قسمت‌های آن
زندگی می‌گردد است. اگر
که من چنین چیزی را محتمل نمی‌دانم
اما چون ممکن است قاتل کس دیگری
باشد، کوشش می‌کنیم بدایم که این
شخص چه کسی ممکن است باشد.
— کمک از پدر خودم سپاسگزار
می‌شوم که اهل کلکسیون تمیر بوده
کرده باشید؟

— متشرکرم... درست است.
ایمداورم سرگم بازگردان گاومندو
باشد.
— آیا این کار، در حال حاضر،
اتفاق وقت و نیرو نیست؟
— مادموازل پهارت عزیزم، از
کسی ممکن است، حقیقتاً این زن را
کشته باشد؟ و به چه‌انگیزه‌ای؟
باز کنند...

— محدثت می‌خواهم، خیال
می‌کردم حالا دیگر این کار اهمیتی
ندارد ولی تصور می‌کنم کمالاً حق
دارید. شما هنوز من را بهدخت کافی
بینم می‌توانیم بخوبی از این فرضها

خوب... این نکته را می‌پذیرم که
او این کار را نکرده است. در این

صورت، خیال‌می‌کنم این زن با بدست
زنی کشته شده است که دل پری از او
داشته است... یا بدست مردی که

با اضطراب پشتیبان و نگهدار او بوده
است (اگر چنین کسی وجود داشته
باشد)... اگرچه ما فرض‌های دیگر را
کامل توانسته ایم کتاب را بگذاریم،

روزنگار است که اختلال این دو فرض
که گفتم این مسماست دیگر تمامی شود...
خدا را شکر که خوب موقعی آمدید،
مادموازل... این کارها که من با این

گاومندو ممکن است که مال شما را از
ریخت و روز می‌انداخت.

اینرا گفت:
— آدم خوشبختی بوده‌ام!...

پس از این خیال نمی‌کنم که محل مکونت
فلوسی بود، رفته و در آپارتمان که
دیوار بیوار آپارتمان او بود، سرگم
تحقیق شدند.

زندگی در را بازگردید در جواب
سوال اقای لوو گفت:

— گفته که او را در حین گردش
بیشتری در بیمارستان نداشت؟ زندگی
دیگری که هم‌زمانی داشتند...

با این نظر بوده بیشتری داشتند... این
زندگی ممکن است که این حرف بزند... ولی اگر
ساحب‌خانه نمی‌باشد همه کار می‌گردانند
از جان خودشان بترسند.

— این زندگی را بیدهد، یک نظر!... آآ
می‌کنید؟

— سوالهای همین است... کار
ساده‌ای نیست... باید آدم‌هایی را
برای این کار راه بیندازیم... و حداقل
پنجه نفر... و کار این پنجه نفر

عبارت از این خواهد بود که همه
بتوانند این گونه زندگی را پلیس
در مسابقه‌ای اسب‌دوانی است و چندان
میانه خوشی با پلیس تدارد.

آقای لوو پرسید:
— ساخب‌خانه شما کیست؟

— اوها من جز می‌باش ساخب‌خانه
کسی را نمی‌شناسم... و او هم مردی
به اسم براون است که بسیار گرفتن

و چه اجرای آپارتمانها می‌آید... و
آن عده را که با او اشتغال داشته‌اند
یا چیزی‌هایی در باره ای او می‌دانند
می‌باشد. بی‌آینه از این مسماط ازشان

پکنم، بسیاری از این زندگی را ممکن است
چیزی‌دانند. و سیاری همکه چیزی‌هایی
می‌دانند ممکن است از حرف‌زدن

به اسم براون است که بسیار گرفتن
و چه اجرای آپارتمانها می‌آید... و
آن عده را که با او اشتغال داشته‌اند
یا چیزی‌هایی در باره ای او می‌دانند
می‌باشد. بی‌آینه از این مسماط ازشان

پکنم... من هزار لیره می‌خواهم...
هزار لیره؟

— شاید بیشتر... اگر خوب
پول ندهیم، هیچ اطلاعی بست
نمی‌آوریم... مگر این پول برای شما
زیاد است؟

— نه... البته که نه... ولی به
نظرم مبلغی است... فرداصیع برایتان
می‌آورم...

— خوب!... حالا مراجعت را در
این می‌بینم که عجالا کارها را به‌عده
من بگذارید... من هر وقت خواسته

باید...
— میل دارم شما بست مردم
نگویند که این کار را نکرده است...
می‌دانم که او این کار را نکرده است...
— محدثت می‌خواهم... بسیار

خون بر شنل سرخ

بزنده.

گفت: بپندرم این حادثه برای تو

خوب می‌دانم که هنوز زود است این

حروف را بزند...

ولی خیال می‌کنم

اگر به خودتان

فشار نباورید، احتمال

بیشتری

است که حافظه تان را پیدا

کنید... دکترها باید این موضوع را

بیشما بگویند.

— آمیدوارم...

ولی چهارای هائی

می‌دانم است داده باشم؟... باور نکردندی

است!.. محکمه استیاف مدتی مشغله

فرآوانی را

خواهد داشت... یک دقیقه

صبر کنید!.. به همه آن دعوهای باشد

از نو رسیدگی بشود، اگر قاضی

حوال خود را از دست داده باشد

آن را باید پس از در دوره صحت

وسلامت خودش می‌دهد... آیا من

رفتار عجیب و غریبی داشتم؟

— نه چندان پدر...

ناخوش

به نظر می‌آمدید و می‌گفتند که دلتان

نمی‌خواهد زیاد نواختن

بگنند...

را از دست داده باشد...

در هر حال

موضوع دقیق است...

اگر بتوان ثابت

کرد که قاضی در این اتهام

رسید...

پس از

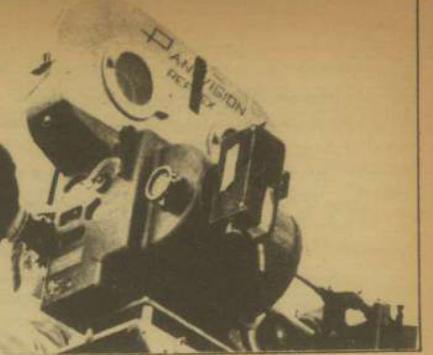
نیز

بگذرد

نیز

تاژه‌های سینما

از: بابک سان



دسته‌ای که نمی‌توانست
مستقیم تیر اندازی کند
گا لکستریسم را به قفسخ
هی گیرد

مردی در بیان مرج و طبیعت

کیدسلی (جری اورباخ)
کانگستری است که چاه طلیعی او خیلی
بیش از آن حدی است که بتواند در
دنیای زیرزمینی کانگسترها راه یابد.

انجلا خواهرش (الی تیلوریانگ) دخترک

این زندگی درم کم می‌کند.

سادر بزرگ آندو (جووان فلیت) در واقع

سردهنه این گروه و مغز منفکر

کیدسلی است. و بالاخره با کالا

(لایون) ستادنر سلطان دنیای زیر-

زمینی کانگسترهاست که قلمرو او

پرسیله کیدسلی و دسته مضحك او

مورد تجاوز قرار گرفته است.

آنان باهم زیر عنوان «دسته‌ای که

نمی‌توانست مستقیم تیراندازی کند»

با فک جیمز گلدستون کارگردان جوان

بروی پرده سینما جان می‌گیرد.

نگاه متنزه‌امیز جیمز برسلین به

دنشیان گانگسترها و مبارزات ساخته

آنان باهم زیر عنوان «دسته‌ای که

نمی‌توانست مستقیم تیراندازی کند»

با فک جیمز گلدستون کارگردان جوان

بروی پرده سینما جان می‌گیرد.

جیمز برسلین زمانی که پاروز-

نامه‌های معرفت‌نیویورک ساندرا مال-

ترپیون، هورنال امریکن و نیویورک

پست کار می‌کرد بالاترین حقوق یک

روزنامه‌نگار را دریافت می‌داد و

نوشه‌های او در باره کلاهبرداران

سیاستمداران و کارآئکرهای کونگوئنی

که نیویورک را در دنیا شری برگانه

می‌سازد و جنجالی برانگیخته بود.

«کابوی نیمه‌شیب» - که بخاطر این

سناریو جایزه اسکار گرفت - پرمنی

کتاب «دسته‌ای که نمی‌توانست مستقیم

تیراندازی کند» سناریوی سراسای دو-

تکلاس - در نقش سادر پیتر سلز-

تیه کانگستر کاره گرفته بود و فیلم

«دسته‌ای که نمی‌توانست مستقیم

تیراندازی کند» اولین فیلم او بعداز

دوران فترت است.

فیلم رنگی است و موزیک آنرا

برسلین در کتاب به او داده است این

دیو گرسن، سازنده آهنگ فیلم‌های

«گراجوئیت» و «طلاق به سیک آمریکائی»

ساخته است.

کارتر که باقطار به سینما نویس معروف

دان آذربین نمایشنامه نویس روزها

تلویزیون نوشته است که همین روزها

که خود از نوول تبلوئیس با عنوان

در باره مرگ ناگهانی برادرش تحقیق

انگلیسی است به نوشی یکی از گانگستر

های نیوکل.

آنبرن درباره بازی خود در فیلم

می‌گوید: دلم می‌خواهد که هرگاهی خود

به نظر منتقدین بار دیگر خاطره

کنند و چون درمی‌یابد که مرگ برادر

تصادفی نبوده، ساپهره‌ای ساخت

فیلم‌های جنایی در دنیای زیرزمین های

کالات اور دور کنم و بازیگری را

بهترین استرات براز خود می‌دانم،

این دومین فیلم جان آذربین است

اوی «شق اول» بود که به تازگی

به کارگردانی ماسکیمیلین شل در

مارستان بازی کرده است.

کانگستر لندنی دور می‌زند به نام

ماکل کین در دو صحنه از فیلم «کارت»

بازی پوست

یک کمدی و سترن
تجاری

در باره دو دوست قبل از جنگ داخلی آمریکا
که برای ریومن پولیس برده‌فروش طاع
نقش ادبی و پرده را بازی می‌کنند. این
دانستن ریچارد سیمورز پوسیله بی‌برمارون
پرسنل سنا بی‌دو آزاده است.

هرگز کنی تیه کننده «بازی پوست»
بخاطر استعداد و تکه‌بینی‌های که در تیه
فیلم‌های کمدی دارد بارها مورد ستایش
نشریات آمریکا قرار گرفته است. فیلم‌های
او تا حال، از نظر تجاري، از فیلم‌های معروف
آمریکا بوده است که باش کت بازیگرانی
جون واکر و دیوید، دوریس دی، والتر ماتا،
گریکوری بیک و دین مارتن تیه کرده است.
که از جمله فیلم موفق «مردی بنام» است
برای من کل فقرت، «تگران آن طرف
رودخانه» و «دو کشور دشمن» را نماید.
کارگردانی «بازی پوست» بل بیکرت
هم از کارگردانی است که از تلویزیون
بسیار راه یافت و بعد از فیلم «مارلو» -
که آنرا هم باش کت جیمز گارفر ساخت -
این دوین فیلم او است.

جیمز گارفر، سوزان کارل و لوگاست
نقش آفرینان اصلی فیلم هستند که
فیلم‌های خوب هالیوود فردی کوتک،
فیلم‌های دار فیلم «پاتون» فیلم‌های آفرینان
کرده است.

کارتر که باقطار به سینما نویس معروف
در باره ناگهانی برادرش تحقیق
انگلیسی است به نوشی یکی از گانگستر
های نیوکل.

آنبرن درباره بازی خود در فیلم

می‌گوید: دلم می‌خواهد که هرگاهی خود

به نظر منتقدین بار دیگر خاطره

کنند و چون درمی‌یابد که مرگ برادر

تصادفی نبوده، ساپهره‌ای ساخت

فیلم‌های جنایی در دنیای زیرزمین های

کالات اور دور کنم و بازیگری را

بهترین استرات براز خود می‌دانم،

این دومین فیلم جان آذربین است

اوی «شق اول» بود که به تازگی

به کارگردانی ماسکیمیلین شل در

مارستان بازی کرده است.

کانگستر لندنی دور می‌زند به نام

ماکل کین در دو صحنه از فیلم «کارت»

کایستن هنری برساند و دسته‌خورده
منطقه شمال غربی آمریکا مرکز اقامت و

ناخت و تاز سرخ‌بسته‌ای وحش آمریکا

است، در آغاز قرن نوزده، پیش از آنکه

ساقه‌های هاوارد و داکوتاها در آن بوجود

واقع دنیله فیلم موفق «مردی بنام» است

که باش کت همین تیه کننده، ستایش

وهنریسته تیه شد و عنوان بهترین سترن

سال ۱۹۷۵ را گرفت.

علاوه بر ریچارد هریس و جان هوستون،

در این فیلم بار دیگر با یکی از بازیگران

قدیمی سینما هنری ویلکاکون رویروز

بیهوده است.

ساقه‌های هنری ویلکاکون بود و اکنون به

کوهورتی روی آورده است.

زمانی که زاکاری باشکی از هر اهان

باشکار می‌رود مرد حله شدید یک خرس

وحتی قاره‌ی گیرد و کایستن هنری و دیگر

افسای هشت او را، در حالکه «سوارکاران» -

فاصله چندانی ندارد بجای میگذارند و ادامه

جوان فلک خود - که با اولین

فیلم سینمازده می‌ماند، با مرگ و طبیعت

می‌جنگد و ۶۰۰ میل راه کوهستانی و بر

رنگ و پاکویزین تیه شده است.

حمله سرخ‌بسته از خود شرق بهشت

می‌توانست مستقیم تیراندازی کرد.

فیلم‌های بعدی مثل «فردا گریه

خواهم کرد»، «جدال در اولی کورال»

کل سرخ» و «جدال را به عنوان یک ستاره خوب و

هرمند - ثبت کرد.

جووان فلک سه‌سالی بود که

بعداز فیلم «دوست دارم الیس بی».

تیراندازی کند» سناریوی سراسای دو-

تکلاس - در نقش سادر پیتر سلز-

تیه کانگستر کاره گرفته بود و فیلم

«دسته‌ای که نمی‌توانست مستقیم

تیراندازی کند» اولین فیلم او بعداز

دوران فترت است.

فیلم رنگی است و موزیک آنرا

برسلین در کتاب به او داده است این

دیو گرسن، سازنده آهنگ فیلم‌های

«گراجوئیت» و «طلاق به سیک آمریکائی»

ساخته است.

کارتر که باقطار به سینما نویس معروف

دان آذربین نمایشنامه نویس روزها

تلویزیون نوشته است که همین روزها

که خود از نوول تبلوئیس با عنوان

در باره مرگ ناگهانی برادرش تحقیق

انگلیسی است به نوشی یکی از گانگستر

های نیوکل.

آنبرن درباره بازی خود در فیلم

می‌گوید: دلم می‌خواهد که هرگاهی خود

به نظر منتقدین بار دیگر خاطره

کنند و چون درمی‌یابد که مرگ برادر

تصادفی نبوده، ساپهره‌ای ساخت

فیلم‌های جنایی در دنیای زیرزمین های

کالات اور دور کنم و بازیگری را

بهترین استرات براز خود می‌دانم،

این دومین فیلم جان آذربین است

اوی «شق اول» بود که به تازگی

به کارگردانی ماسکیمیلین شل در

مارستان بازی کرده است.

کانگستر لندنی دور می‌زند به نام

ماکل کین در دو صحنه از فیلم «کارت»

از نکات جالب این



مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی

دکتر بیروز نوی
احمد کریمی
رواند وارن

از اعماق

دانیل پیروز نوی

روش تحقیق در علوم اجتماعی

دانیل پیروز نوی

نقد و بررسی دو کتاب بازمینه‌ای مشترک
مقدمه‌ای بر:

۱- روش تحقیق در علوم اجتماعی تالیف دکتر بهرورز نبوی

۲- مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی

نوشته جوزف روسک - روئند وارن
ترجمه بیهوده نبوی - احمد کریمی
ناشر: مؤسسه عالی حسابداری

وقتی دکارت از طریق شک به توجه هستی خویش و جهان پرداخت، و هنگامی که برمیانی همان شک این جمله معروف خود را ابراز داشت که «من فکر می کنم پس وجود دارد» لرزشی ویرانگر دربار کان اندیشه اسطوی ایجاد کرد زیرا پاتر دید در اصلات همه جیز صورت تتحقق. آنهم تحقیق دقیق علمی را بنیاد نهاد. در حکمت ارسانی - که بدها کلسا رواج دهنده و میوه جیس یوسید گیهای آن شد - ضرورت برای تحقیق احساس نمودند، جون همه جیز جاودائی و لانتیزی می نمود مثل خدا. بخصوص علوم اجتماعی که از یکطرف مستور هست گیری فلسفه و از طرف دیگر معمور سلطه ذهنیه ها نمودند. توائیت یافتوان علمی مستقل وجود داشته باشد تا چه رسید که موعد تحقیق و مطالعه قرار گیرد. همه جیز در شک فلسفه می گنجید و خود فلسفه جیزی بود جز معتبر سلطه های کلسا و اسباب تطبیق دهنده همه اندیشه ها با حاوتها آن. قرن هنده در واقع قرن قصر بهای کاری و زخم های جانشکار بر پیکر مستنده، تقصیب و قوانین ابدی کلسا و حکیمان جیره خور آن بود جراحت دارای قرن بود که نوایظ علمی جون گالیله - کلر، یکن و از همه سمعت دکارت ظهور کردند و از جهات مختلف به بتسلی در بعد عظیم و هولناک حکمت کمین پرداختند و «بین علمی را جایگزین خرافات بناهای علمی نمودند».

لختین بار فرانسیس یکن بود که مستله بهای فلسفی، دینی و اجتماعی را طرح نمود و به شکست آنها همت گذاشت و این خود نخستین گامهای پیش بزرگ بعدی در دست درازی انسان به اسرار سر بسته کائنات و غربیان نمودن و گشودن پوشیده ها ویشه ها بود. تصویر ترد و شکننده هنلک بلورین را گالیله - پارچه «تک یانی» خود و خاکسیر کرد و واه آسمانها را بر آدمی گشود: علوم از پیکره فلسفه جدا شدند و هر یک خود در سیر گفت بارهای از حققت هستی پیشاز شدند. رشد و گسترش علوم از یکطرف خود مستوجب و موجب جستجو و کند و کاوهای دقیق بینی و ذهنی شدند و از طرف دیگر راه را برای تحقیق و بررسی در رشته های مختلف و شعبات گونه گون هستی باز کردند. فی المثل علوم طبیعی که مستلزم بررسی و مطالعه بی گیر بود و تلاش و تکاپوی زیادی را در زمینه های مختلف انجام می کردند، اندک بعده، پاییش کشیده شدن ستله تکامل و چکونگی پیدا شد انسان تأثیر عظیم بر معتقدات خرافی و نادرست جوامع پسری بخصوص روشنگران و دانشمندان علوم اجتماعی گذشت و موضوع و مقوله و آینه تحقیقات و سیاست دریاب ساخت انسان و گشته روابط خالوادگی اجتماعی و مذهبی شد و اسکنات تازه ای برای ایجاد نظام فکری و سیاسی در زلگه اجتماعات انسانی در اختیار جامعه شناسان گذاشت و به آدمی این رخصت را داد که در غایب ماوراء الطبعه و مذهب راههای نجات و رستگاری خویش را پیدا کند.

برای رسیدن به این رستگاری و ساخت اجتماعی سالم باید شناختی علمی از جامعه داشت. این شناخت جز از طریق تحقیق سیاست گذاری، دقیق و در برگیرنده میسر نیست. کتاب آقای پیروز نبوی از تالیفات کمیابی است که در زمانه زمینه تبلیغ شده و شیوه تحقیق در علوم اجتماعی را گزینه باختصار - دقیق و گستردۀ تقویم کرده است. نویسنده اصول بر تعلمه تحقیق را دلیل چندین عنوان توضیح داده، سپس در فصل سوم مناصر اصلی روش تحقیق علمی را اینچنین تینی می کند: ۱- توری (مجموعه بهم بیوسته ای از تعاریف، مفاهیم، قضایا و موضوعاتی که پیدا شده ای از این روش) ۲- توری از این به دست مدل نیز به هر حال کند و تضمیم می دهد. ۳- حقایق و واقعیات را پیش بینی می کند. ۴- حقایق و واقعیات را پیش بینی می کند. ۵- شکاف های (Gaps) موجود در داشت پیش ری داده ای این ترتیب هدف توری تشریع، تینی، ویش- مطالعه و گشته می کند. - بهمین گفایت حقایق نیز بر توری اثری می گذارند موق روشیای جمیع آوری اطلاعات را توضیح و گونه های مختلف آن جون مناهده، مصاحبه، کند تحرک عمودی اجتماعی است. هشتماکه فردی درحال به تعريف و تفسیر جبهه های کل، عصی و اصولی آن میگردند. درین ترجمه، صحیط زینی انسان، فردی خواهد بود که از مطالعه میگذرد و مخفی میگردند. این اتفاقی است از ملاحظات و مشاهداتی که قابل ایجاد باشد. درینکی از تعاریف علم نیز بیان گردید که علم عبارت است از داشتن باید این ایات: به این ترتیب

مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی

مقدمه‌ای بر

ج

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

ه

م

د

م

سکس در عصر حجر

تبر جمهه: مینا امامی

در ماره نو سنده:

Richard - Armour 31

«اوین کتاب از پیچه‌دار آرمود» در ۱۹۳۵ و سی و چهارمین کتاب او در ۱۹۶۷ منتشر شد. علاوه بر آن، نیکهزار مقاله و پیچه‌هار شعر کوکاوند در سی از دویست مجله آمریکایی و انگلیسی از نی یا بیان رسید. حالا این سؤال برای خوانندگان آشناز مطلب هم شود که آیا این مرد در زندگیش برای کار دیگری نیز وقت داشته است؟

این نویسنده که در رشته زبان‌شناسی از دانشگاه هاروارد فارغ‌التحصیل شده، مدت ۳۸ سال در کالج‌ها و دانشگاه‌های متعدد تدریس کرده و مقام استادی دانشگاه رسیده و در پیش از دعویت دانشگاه برقاهمه سخنرانی و گفتگو داشته است.
«آرمور» می‌گوید: تئیا چیزی که با افکار این میتوان درباره کتابهای من گفت اینست که موضوع آنها بیهودگیر نیست بعضی از آنها شعر است و بعضی نثر. بعضی برای کودکان نوشته شده و بعضی برای بزرگها.

موضوع كتابها شامل تاريخ أمريكا، تاريخ اروبا، تاريخ شوروبي، تاريخ دنيا، زمان مشهور تاريخ، شكريير، ادبيات كلاميات أمريكا، كلفك، قيل شناسی و طب است. و انسانه هی کند:

جوهر در رگهای من با سایر تاباک‌ها
آیینه است. استعداد بی‌نظیر «آرمور»
برای در آزمختن حقیقت یافته، بخوبی در
مثاله «سکن در تصریح حجر» بجهنم من خورد.

عینده عمومی درباره سک در عصر حجر (که عینده ای موزه قبول بخصوص در میان مردان است) است. که مرد آن زمان در مقابل زن خوشی فوق العاده داشته و معمولاً با زدن چاقو بر زدن و گرفتن موهای وی او را پاخود بدرود نمی‌گذراند. مکتبه است. در کار تکانه ای

که معنی اصلی پیدایش این عقیده هستند
(پل اینکله هیچ گونی پیشنهاد نمی‌نمایند) و وجود ندارد زن آنزعان بسیار مطلع به
پستانهای بزرگ و مرد، پرمو با ذندانهای
بدشکل و بسیار بدلباس نشان داده شد
است.



واز این حرفها

سکن» در اجتماع پیری سدر مقابله با پیشوای سریع وسائل حمل و نقل به از اختراع جرخ - یا هیچ مانع برخوب تکرده است. سکن در همان دوران اولی خیلی زود یک سطح صاف رسیده و آن تغیری اینجا نشده است. طرح هندسه تاریخی آنرا (میتوان) با تصویر ترسیم کرد:

اما اجازه پدهید چهره مورد قبیل
سکن در عصر حجر را مجدداً موربدیرز
قرار دهیم: اول از همه، آیا این موضوع
باور کردنی است که هر دو با چوبی که احتد
بزرگتر از یک چوب بیس بال بوده، به
زن بزند، در حالیکه با یک ضربه مش
می توانسته او را برازو درپیار ورد؟

صلفانه: مهدیه داری و روزه، نه
مرد را بصورتی شن میدادند که نه
زن را بر سر یه های جماع، تا خرد بیو
برده است، بلکه در حراجیکه با یکدیگر
جماع را گرفته، با دست دیگر او را بمع
ملاقات می کشانند.
هر کس که نوشتۀ های «فروید»
خوانده باشد، میداند که جماع برای ای
نبوده که آزرا توی سر زنان عصر >
برزند، بلکه میتوان گفت سبل آلت عرب
بوده است.
با آن پسر زن فیضند، بلکه آ
فقط با شن میدادند و آنچه زن را مرع
می ساخته غیر عادی و وحشیانه بودند و

بوده است. زن مغلوط می‌شود، صفتی
و بعضی از کارکنان اورتیست ها تا آنجا
کار خود صداقت داشته‌اند که زن را
تیم رضایت‌آمیزی پیچیده‌تر، از این
کنند، حتی موقعی که مرد، او را کنند
کشان بخود می‌برده است و این تیم
مسئلۀ نمی‌تواند عکس العمل غربیه چه
یسر او باشد! هر چند که داشت مردی
حیر در علوم مربوط بپوشک محدود بود
معنیاً چیزی هالی در مورد بریدگی، فرس
و صدمه داشته است، ممکن است اس
لاتین آلبی برای او پناشنه بوده،
آنراش را می‌شناخته است. چرا باید
رای، زن را روی زمین بکند که هر
ورود به محل ورود نظر، نیمیش و بی
است بیام.

پاشد؟ و یا چه ذنی متواند باشد که برآمد
در جمجمه اش و یا خونی که بر پیشانی
جاری است، جذاب و خواسته پاشد؟
بنابراین مشکل نیست که چنان
برای شناس دادن منظور است و
دیگری - اگر دلیل دیگری لازم باشد
بر اینست که مرد از روزهای نخست
تاریخ، خودستا و معامل بماله وخت

بوده است.
جزیز که دائماً در کار تکاورها بوده است.
می خورد، تصویر زنی است که در
تسلیم و بدون مقاومت - بحالت خواه
روی پشت قرار دارد و مردی موهای
را در دست گرفته، او را بطریف
می کشاند - این واقعاً غلط است.
بناظر داشت که در عصر حجر، زن
بشدت سگی و ناصاف بوده اند. ق
با انسانی کشاندن یک انسان روی یک
یا خیابان صاف نبوده. زن، غالباً عذرها
بروی راهپای مستخلاف و بر اثر دست
بنقیه در رصفه

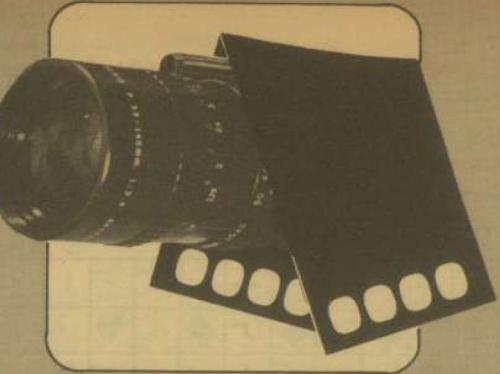


مجمو عههای درآورد - طرحهای که در این صفحه آمده از نخستین مجموعه ای او به نام

در این طرح‌ها می‌بینیم که چگونه
ی نختین یار «جای پا» را کشف می‌کنند.

«جانی هارت» طرح‌های عصر Johnny Hart بامخلوقاتش B.C. قهرمان اصلی، او لین مخترع دنیا، او لین شاعر دنیا، او لین زن‌های دنیادار حاشیه روزنامه‌های بزرگچون هر الد - تریبون شروع کرد و چون کارهای او با موقفیت فرامان رو برو شد، کارهایش را بصورت

عصر حجر



نقد فیلم‌های هفته

از بیان خرسند

سال‌های بی‌قراری

محلل

باشرکت: نصرت‌الله کریمی

محصول استودیو میاثقیه

خیابان شاه: چهارراه فروردین تلفن ۶۶۸۴۶۱

بانوی گرامی

باکش طبی - گرست و شکم‌بندهای طبی خرافت
و زیبائی اندام‌خود را حفظ کنید

در الک‌استور و داروخانه حمید دروازه‌دلت

با جمع آوردن محصولات آرایی و پهداشتی درجه يك
پذیریماشدن شما کمک نموده است

در سینما مژده‌تیک ادامه دارد

که در ظاهرات هر یار رد می‌کند،
ناکمان مورد حمله قرار می‌گیرد، یکی
گرفت، که سکس را مفری برای رهایی
از هر عامل دیگری به کار گرفتاد.
با آنکه نموده به کار گرفتن
سکس، در این دو تفسیر تعبیر می‌کند،
اما تعبیری، یکی است.
تفصیل یک تکه اصلی همچنان
وجود دارد: آیا او می‌تواند به میل خود
حال شاید برای او، بهجیز
بازگشت به یکی از مجموع رفاقت‌ای ساقی رامحلی
نشاید، و شاید هم خیلی چیزها را تحمل
می‌کند: مطنه‌های دیگران - از دست
دادن دختر - تهمام، و غیره.
اما بالاخره یک لحظه می‌رسد که
برخورد آنها منستقیم و رو درروست
که توانایی ت العمل آن مشکل می‌شود:
زیبادر راش با صحنه‌های بی-

شمار و پرگفتگو، زاید بحرف فیلم،
فیلم سیاسی - مکنی خود را دهار
کنند ساخته است، که به علت حذف و
روشنکریست - مطمئناً مقداری علاقه
های شخصی دارد، و از جمله محبتش باقی
یک توستند - مثل فیتزجرالد - که
این شخص برای او مقام خوبی پذیرگی
دارد.
توان به این نتیجه رسید که در صورت
کامل خود، هب و نقص پیشتری پیدا
خواهد کرد....

شخصیت اول داستان - که به
تدربیج داشته‌ایم آدم اهل طالمه و
روشنکریست - مطمئناً مقداری علاقه
های شخصی دارد، و از جمله محبتش باقی
یک توستند - مثل فیتزجرالد - که
شده خود فیلم خوبی نیست، و می‌
توان به این نتیجه رسید که در صورت
کامل خود، هب و نقص پیشتری پیدا
خواهد کرد....

خود او اطلاعی نداشت.
فیلم‌ساز، در واقع يك مرد ۵۴ ساله است!
یک دسته هنریه هر روز مستمرد
هر گرفتند و بر سر صحنه حاضر می‌شوند
تا اگر فیلم‌ساز شخص داد، برای بازی
جلوی دوربین قرار گیرند.
داستان جیمزیس، است، و «مش» پنجه‌ی
آنهاست....

ولی فقط این فیلم است که به اعتقاد
آنها فرست مودود را در اختیار او قرار
داد، و پیر حال، سر و صدای بسیاری را
موجب شد - که اما فیلم‌های بعدی او،
بررسی‌تر مک کلود، و آقای مک کیپوکام
میلر، توفیق این نکن را دست نیاورد.
«مش» به مثابه ضریبی بود که اتفاقاً
کنکت، و زندگی موقت داشت.
اینها بتدریج، و در طول فیلم ازین
فیلم، همچنان دارای تغایر و ضعف
های یک کارگردان تازه به دوران رسیده
است - میلرغم تمام ساقیهای آرام شبات دارد.
آنها ادعا کارگردان بیورکسی
پراکنده‌ی اش می‌توان پذیرفت، چون حرفی
و موج نور را بسیار دارد، و بسیاری از صحنه‌های
های، فیلم‌باری، در لحظه‌ای اجرا، تنظیم
شده، و بسیاری از گفتگوها به البداهه
زده است، هرچند که دهار کجره‌هایی
هم باشد.

که سر به راه باشد، و همه خلاف آنرا
از او انتظار دارند. به این ترتیب
بیان خوب‌ها و بدّها با هم عوض شده
گشته‌ی ساخته اوت، و از این هنگام
آغاز می‌شود که نمی‌خواهد در مسیر
هیچ چنینی قرار گیرد.
می‌جنین، نگاه کنیم به فیلم «دانسری می‌
سیاسی - مکس» (عوامل مهم روز) در این عرض
را دارد، و یا این شمار روش، با تأکید
های بی‌شمار در آغاز و در پایان فیلم
که «جنت نکنیم، عشق بورزیم» . . .
قهرمان داستانش در پایان تها مدهد، سکس
که عکس العمل نشان می‌دهد، سکس
که «سر به راه باید بساند؟» - کسیست که
گذشتی پرآشوبش را در پشت سر
کشته است - که اینهمه را این‌عین
فیلم پر «جنب و جوش» در حد یک
منده، بیش از یک پرگویی، از خود
نشان گیری بر جای نمی‌گذارد،
بازگشته به داشگاه، به‌خاطر هفت
های تازه‌تری که پیدا کرده است. می‌
قطعی دارد که سر به راه باشد، زیرا
موقتی در یک امتحان را دارد، فقط
سکس، یاری گذرنده ایمان
دارد.
آنچه «ریچارد راش» در حد یک
گذشتی است - که اینهمه را این‌عین
اشاعرهای بروی پله‌ها، درخاشی
زد خود و چنگ اصرار داشته باشد
که «جنت نکنیم، عشق بورزیم» . . .
قهرمان با توجه به نسخه‌ی موجود
یا «سر به راه شدن» - کسیست که
کارگردان بعضی زمان را بدست
او رده، آنچه امروزه، مورد توجه
تماشاگر جوان است، بدون آنکه به
نتیجه‌گیری او نگاه کنیم، در حد کار
دانسته‌های صبور «خفاش» به کتاب
دوون‌کیشوت، که نشانه‌ی پیروزی او
است.
آنچه او قصد بیانش را دارد،
دقیقاً همان حرفیست که در تعدادی از
فیلم‌های این‌اواخر، نظریش را دیده‌ایم؛
حتی در فیلم‌هایی مثل مشکار در شهر،
و یا «شکست» - بخصوص در فیلم

* فیلم «مش» قبل از هر چیز توجیه
می‌خواست در عین خشنه، آنها احساس
می‌گند که یک بیز و حشناکی در حال اتفاق
شروع شده است. شوخرش به این آسان بپایان
دو، و بی‌حافظ کردن زن برخه در حال
خواهد رسید اما تذریج مرد - مثل جراح
حاج کرد، همچنانکه شوخرست، زندگی
ماوس می‌شود، و یا من همین است.
اما آتنین در کار خود به جز هرج و هرج
دوونایه اصلی در فیلم «مش» نوع
شوخر سیاه آلت، شوخر با تمام آنچه در
بیر حال، به چیز دیگری نمی‌رسد.
واقع خیلی جذب است، و جای شوخر ندارد.
فصل‌های گستاخ و شوخر های بیرون از
دادن تماشاگر نمی‌شود، بلکه صحنه را
ضفیع و تکراری می‌کند.
آنین قبل از آنکه از داستان فیلم
ارینک لاردن جویور استفاده کند، افکار و
طرح‌های شخص خود را پس روی
این راه بپای آنکه حرف خود را بزند،
فیلم، قل از آن، در سیری از کارگردانی
چیز طول نمی‌کشد.
بعلاوه آتنین حرف اصلی خود را در
دست نمی‌بود، و هیچیک آنرا قبول نکرده
بودند.
این کار حقیقتی از بسیاری از موارد بهصورت
فیلم را ترک گفته‌اند، اما بدون این عکس -
العمل‌ها، فیلم من ارزشی بیندا نمی‌گرد. من
قصد ترسانن مردم را ناشتم، که در حال
خشنه، در ضمن با خود فکر کنند خدا

بازار گرم فوتبال آسیا بدون شایعه فرسودگی در بردارد!

از: عطاء



توجه است که گاهی در پارلمان این کشور در مورد انتخاب بازیکنان تیم ملی به تعقیل در میگیرد! * تیمهای «بنارول» و «ناسیونال» که مدتها بعلت ضعف در مسائل مالی و رشکت اعلام شده بودند حالا صاحب یک استادیو بزرگ بنام «نم تری» هستند. * در فوتبال اروپه که خشونت عامل معروف است، بهین دليل سال پیش تیم آذکس آستردا^۱ که قهرمان اروپا شده بود از مسابقات به مونته ویدنو^۲ و مقابلة با ناسیونال چشم یوشید!

باشگاههای تهران پیشنهاد کردند که مسابقه‌های قهرمانی، جام باشگاهها در فصل بهار امسال برگزار نشود، تا فرمصت برای استراحت یابند. و هربران تیم ملی ایران پیاسته تیم ملی را فدای مسابقه‌های باشگاهی یافتخت کنند. زیرا بیرونی در برابر کره شعالی برای ما و راه یافتن به بازیهای المپیک ۱۹۷۶ موینه اهمیت پیشتری دارد.

تقریباً مسابقه و استراحت بازیکنان تیم ملی باید تابع یک برنامه حساب شده باشد، کره شعالی در تکاها دری ای بازیکنان گروزیرو^۳ بروزیل را نداشتند. آهنگی لازم است که فدراسیون قوتاب ایران باشگاههای قوتاب تهران که بیشتر اینگونه تیمهای بردازند گلول عنوان و بیرونی‌سای گذشته تیمهای را خودرن، حداقل سودی که خواهیم برد در پرداخت لقنتی تخفیف پادست می‌آوریم. انسیوال با تکیه یعنوان خود برای هر بازی ۴۵ هزار دلار کسر کرده بود که فدراسیون قوتاب ایران آنرا نذریفت.

سازی تیم ملی ایران در برایر «ناسیونال» خالی از انتقاد بود، با مسمیت پاید یزدیرم که کیفیت دیدار با تیم «گروزیرو» بروزیل را نداشتند. آهنگی

پرسپولیس پیروز!

سرالجام عروسی یکوجه ها مه آمد،
یکنان پرسوپولیس در دیدار برافظ خود
میتوال قهرمان اروگونه و قهرمان جام
برتکانی جنوبی و قهرمان جامقاره ای رایک
چیز شکست داد.
ما بیچوجه قصد نداریم که پیروزی
پرسوپولیس و بازی خوب این نیم را کوچک
دهیم، بلکه قصد نداریم که از حقیقت
فاصله تکمیر و پیرزش ما را از
بدر تکنیک ایجاد فراخیستن باشیم،
ناسیوال قهرمان جام قماره ای با آن
عنوان ۸ سهاره در خدمت داشت و از
و بایز تکانی چون: کاستلیو - موجیکان
پیلاس - آن شناشوابنیس و بیارنور خوردار
.. مسابقه استراحت میدانست، معتقد بود
چون عنوانی در کار نیست خود را بایز حمت
داذد و میخواهد آمادگی سبی خود را
در فرقه احراز کند ولی همه این استنلالها
و اوان ارزش کار گروهی پرسوپولیس را

و تبال اور و گوئه
فدراسیون فوتال اروگوئه در
رسست یافت.
دو پاشگاه «ناسیونال» و «بنارول»
ندی تیم ملی فوتال اروگوئه را
تبدیل کردند.
تسی دل فوتال اروگوئه جس

پاسایی ناسیوپال بر برد، سریع شد،
فشار از جنابین سرحد کمال رسید، میانه
میدان را از دست نصداند و وجود سه یار
قازه نفس در این نیمه سب آن شد که
پرسپولیس لخت بدغایپردازد. سورگوهی
و اعتقد باشکه یاری پیروشند به پرسپولیس
این نیرو را از دان داشت که در شرایطی
که ۹۵ دقیقه میرفت که یاریان یاری، یاک
پورس از جبهه راست و طراحی (پرون -
آتشیان) دروازه ناسیوپال فروریخت و
شوتیانی پسریمه سبب شد که (ایرج
سلیمانی) بازیکن خطه خوزستان و اروند
رود بر «ماهان» پیروز شود. بازی این تهم
در برابر ناسیوپال در حققت دفاع از هشت
فوتبال ایران بود که بیرون سامان نیزبرد،
شکل گیرد و قالب وجودی خود را بازیابد.
در این یاره بعثت خواهیم گرد...

A small, rectangular photograph showing a dense crowd of people, possibly at a protest or rally. A single individual in a light-colored shirt is highlighted with a white arrow pointing to them.

A black and white photograph capturing a dynamic moment during a basketball game. A player wearing a white jersey with the number 14 is suspended in mid-air, performing a jump shot. Another player in a white jersey with the number 10 stands on the court below, watching the shot. The background is filled with the dark silhouettes of spectators seated in the bleachers, creating a sense of a live sports event.

امروز به تهاج و تداوم هنگ است.
«لوئی - آرتیم» در بیان نوی دقتی
بازی تصری پلاستفاده جلوه کرد و وقتی
پاسکون و آرانت خود بیان داد که کفتر
از یک دقیقه بیان مایه وقت باقی بود
و یک گل در کسه داشتند. پرسویلین قدرت
چشم گیری را در خط میانه میدان پیاده کرد،
اگر بر اثر فشار موسی عقب می نشست با
سرستختی راه را باز همکرد، خد حمله خط
مانه میدان نایسیوال را بدنبال خود بزمین
بازیس میکناید و تاخت و تازهای گکانی در
چبه چپ و در گیرنهای او على نوی دقتی با
«پلاکو» مدافع پر از شمش و خسگی تاندیز
ناسیوال سبب پیغمبر ریختگی در دفاع این
تم میشد.

ناسیونال یا تکه به تسلط مانگان
در واژه‌یان خود و کنترل شوتهاي خلخاله
بررسویس وقت میکارند و اگر سخنان
مری این تیم «واشینگتن - اجامندی» را
به کار نهاده تهران و در خدمت
چهره اصلی تیم سپاهان زول در
دیده است و از سوی دیگر
بین دیدار در تهران و استانبول را
استراحت پذاشته‌اند پاید قبول گنیم که
این «ناسیونال» آن تیم نست که فیرمان
جام امریکای جنوبی شده، تیم «بانکی -
بنیانگذار» یونان را شکست داده است و
سالانه برای تزریق فقره‌فان جام او روگوئه (از
۱۹۵۰ تا ۱۹۷۱) شده است. بیه صورت

است، در آمریکای چوبی انتقاد بتفه و
سلط بر قوب نیز از همه چیز است با
تکیه باین قدرت است که موجودات خود
را حفظ میکند و یا تجهیز کاروچ نام دارد
دست میباشد.

پیروزی داشت فوتیل شناس ایران را
بیشتر بخود منجذب ساخت، زیرا بازیگران
خط حمله و دفاع این تیم بر تحرک و میزبان
آفرین چلوه کردند. از همه کارهای خود
سود می‌بردند، هیچ عملی بسیاره
بیدریفت و هر آن که اراده میکردند را نک
خطر را بسدا درمیآوردند. در صورتیکه
«ناسیونال» اوروگوئه چین نیو. در تن
بازیگران این تیم خوب نازهای جریان
نمدشت بیست دقیقه که از بازی میگاشت
آثار فرسودگی نمایان میشد. فروارهای
تیم و پخصوص «آرتیم» بازیگران شمار، ۱۵
باصلحه (نا) نداشت که بهتکام حمله تیم
مقابل یاری تیم شتابد! گونی برای تیرین
بیدان آمده بود و وقت خود را بمحادله
در دروازه‌های میکناراند، در طول ۵۰ دقیقه
تلاش با «برسیلوسی» شاید ۵ توب خ
وقابیل پسند زد، در صورتیکه میانهای را
تگیر

از ارائه نبود و از
تشویق بعمل
باشی و سبک
عنی در نیمه شب
وابی بازیکنان
ساقه کرد که
او را بیاد جام
در مکریکاندر

در پردازد.
انگلیسی شیپور!
بسی را بیدار
نمایشی سر -
تم اتمام کردند
ملت هفتادیز^{۲۰} و
باقی.
دشواری وجود
نخستین دیدار
ر جام ملتها
هوای خود دور
نمیتواند ایدآل
باشه دورهای
دیدن در دوره
تلگراف! امکان
چون هشته
کره، تایلند،
آستانگی بدن و سرعت در کار یافته
است. آگر در
کروزیرو از برزیل و ناسیووال از
که دو دیدار آن باعثی پوششها و دو
دیگر با تمیر پرسولیس بود در فوت
هوانی تزه بوجود آورد. زیرا کلاه
کنوههای آمریکای جنوبی را بد
نديده بوديم. يخوی در بیان قسم که
لاتین با اروپا چه تفاوتی دارد؟ اگر
آمادگی بدن و سرعت در کار یافته
است... چهار ساعته پر هیجان

فوتبال اینروزها در آسیا بازار گرمه دارد و اثر آن در خاور دور و میانه کاملاً محسوس است، با اینکه برگزاری جام قهرمانی باشگاهی‌ها آسیا در تهران به بعد تعقیق افتاد، با وصف این بیست‌پنجمین جوان ایران برای شرکت در مسابقات همچنان جوانان آسیا راهی خاور دور شدند، مبارزه‌های گروهی کشورهای خاوری کا عدف را یافتن در بازیهای المپیک ۱۹۷۲ بوئنوس آیریز ملی اسرائیل در برایر تیمهای تایلند ویرمه ناکام شد و «برهم» دومین کشوری است که بعنوان یکی از نهایندگان فوتبال آسیا در ردیف ۱۶ تیم فینالیست در موقوفه مبارزه می‌بردند، ضمن اینکه «مالزی» د گروهی درگیر انتخاب شده است. حالا مانده‌ایم و کرمه شعلای، یعنی که در جهان کمتر چهره شناخته شده‌ای دارد، زیرا چون ملتا و جام باشگاهی‌ای آسیا خصوصی نباید و پس از شرکت در جام جهانی ۱۹۵۴ لندن حتی پاسخ فدراسیون بین‌المللی فوتبال را هم نداده که در مسابقات مقدماتی جام جهانی ۱۹۷۰ مکریکوستی شرکت می‌سیند یا خیر!

پیغامورت در مورد شناخت شیوه
فوتبال گرمهشمایل ما مینتوانیم به نای
دیدارهای منطقه غرب آسیا پوچه کنیم
یاک نکته دیگر، کره شمالی در برآوردهای
در دیوارها یا بیمارزه کرد فقط گل از
وباتیه عراق با توجه سه بر یک در
مسابقه موفق شد که عراق را از سر راه
خود بردازد. کره در مسابقه رفت در بین
یاک گل خورد و حالا در انتظار تیمی است
که کوتی را دیوار در تهران و آن شکست
داده است.

اما نکته در مورد روش تیم کسر
جنوی اینست که بنوی مفسران فوتیا
انگلستان بازیگران کرمه شمالی همه میدانند
همه می برند و هیچگدام در طول ۹۰ دقیقه
حتی یک لحظه هم نمایستند و با هم روش
بود که این تیم در جام جهانی در لندن بیم
برستاره اینجا را یا هیچ شکست داد و با
این تیم پوکه با خود بزنگانی چو
ازوژ بیو! کلونا و تووز در آغاز سایه
گل بی تغیر وارد دروازه تیم پرتغال کرد
تیم که از باخت در برایرس انگلستان
بازیگران سختی گرفتند و انتظار بود
جام جهانی "تزویل ریمه" را درس می برواندند
بهر حال یا کرشمالی در روز چهارده
اردبیشت ماه در مسابقه رفت و در پیش
خرداد ماه در بازگشت در تبریز روسی
خواهیم شد. آنها مسله‌ای که براي
معطر است در فاصله دیدار رفت و برگشته

وار ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۷ به میهمانی خسرو علی بایرامی
های جام ملتی دنیا کنکوک خسرو علی بایرامی
این مسابقات های جام ملتی نیمیاند و باشند.
باشد، زیرا کافی است که به گفته ها
『عردخای - اشیکلار』 کاین یعنی مل
اسرائیل در دیدارهای رانکون توجه
کنند. اشیکلار پس از شکست در پی این تقابل
ظهار داشت عواملی سبب باخت آن مل
و تعالی اسرائیل شد (یعنی که بعوان نمایند
و تعالی آسما درالمیک ۱۹۶۸ مکرراً کوستی
جام جهانی ۱۹۷۰ خسرو داشته است)؛
دشواریها را میتوان چنین طبقه بندی کر
۱- درجه حرارت و رطوبت زیاد.
۲- تعرین تکرین دراستادیوم اعا
رانکون و آشنا شدن به کیفیت آن.
۳- تعاساگر اینکه خسمنان به این

تکه تکه
تکه تکه
تکه تکه
تکه تکه
تکه تکه
تکه تکه

تکه تکه
تکه تکه
تکه تکه
تکه تکه
تکه تکه
تکه تکه

از چهار گوش جهان

یک اقدام ماهی دستانه

زمان پیشتر می رود میزان حدود ده هزار عدد بود به ۷۵ الود کن آب دریا هم پیشتر بیست میلیون رسید و شده و خطرات ناشی از آن درصد مواد نفتی هم از بین افزونتر می گرد. از بین ۶۲ نوع باکتری

این قصای صنعت است که نفخوار پروفسور اوبنل یکی کروهی از دانشمندان آمریکایی را برگزیده و معتقد است که تحقیق هدایت پروفسور اوبنل، با ادامه آزمایشها خواهد ضو اداره سندسی غیر قوانست بالآخر به توجه شاید تا سفراکترین نظامی دریایی در کار مستو طلوب بررس و با استفاده از نتیجه آلد کن آب دریاها به پروفسور نوعی باکتری، آب دریاها را از مواد ماد نفتی، مرک ماهی و دیگر «پیسودوموناس» هستند که نفتی باک کند. حیوانات دریا باشد. در کنار کارش خوردن از بین بردن اما از هم اکنون این پندراگاه، و در خلیجا و مواد نفتی و روغنی است. مسوال مطرح است که آیا میزبانی های نفکشی از بزرگ، آزمایشی اولیه که در موجودات دریایی، هر چند آب دریا هموار به مواد نفتی آزمایشگاه انجام شده کاملا هم زیاد، قادر خواهد بود که و روغنی آلد می شود و تا رضایت بخش بود. پروفسور سطوح علیم آیا آلد و سافت قابل توجیه باعث مرک اوبنل، نیمه هزار گرم ماده منکن روغن را پاک ماهیها می گرد، حتی گیاهان نفتی و روغنی در پنجاه هزار کند و پقدار ساکر لازم آبی، پستانداران دریایی و گرم محلول آب و نک معدنی است که آب های معدنی منغان دریایی هم که از ریخت و باکتری کشت شده پندراگاه بزرگ دنیا نظر نداشتن جاودران کوچک طبع آب را مه آن، آشفه کرد. و نیوپورک پنادر منتفی این تقدیمه می کند از این خطر بعد از جهل و هست سامت، فراسی و آلان و اینایا... بزرگ بر کار نیستند. و هرچه تمدد باکتریها که در ابتدا را تمیز کنند

بعد قازه هنر نقاشی

بغشین نگاه به این تصویر، چند قرار داده و نظر گاه خود را در مورد پوست گاو نشان می دهد. اما توجه بیشتری به پوست تن آنها، نمایان گاوهای چهارخانه ها و شتر تجربی های می سازد که اینها گاو واقعی نیستند، و بقول آفریدگارشان آثار هنری اند. «ساموتل یوری» نقاش سویسی، که این گاوهای را بوجود آورده است می گوید: «لژومی ندارد که نقاشی فقط برروی کارش از مجسم سازی جدا تلقی شود، بارچه بوم یا چوب و دیوار کشیده زیرا: در مجسم سازی آنچه اصل و طور دیده است. ساموتل یوری اصرار دارد که تلویزیون با کابل یاد کرده ایم. صفت شعارشان این بود که: این دو بیده نه، قرن را در زمینه وسائل ارتباط جمعی و مکمل یکدیگرند.»

آخرآ در شهر کان فرانسه، صاجان بندهای این دو صنعت بزرگ گرد هم آمدند و تبادل نظرهایی را جهت استفاده از تلویزیون با کابل یاد کردند. و در هر حال شعارشان این بود که: این دو بیده نه، تباش را به معلم رفاقت ندارند بلکه لزوما و قهرآ تأثیر گذاری اجتماعی ایجاد گردد است، به شکلی بار تکردنی در حال توسعه و گسترش است و دو جهه فوق العاده هم این کشور دنیا به تعاونی صنعت ویدئو کاست، تلویزیون با کابل و ویدئو کاست، و ۵۰۰ مخصوص از ۱۸ کشور به تعاونی کشور دنیا به تکردنی است دارای یک مرکز فرستنده کوچک که می تواند به ننان اطراف خود، به وسیله کابل، انتساباتی نظیر مهترنشان این بود که ویدئو کاست باید یکسر به فکر یک بازار مخصوص اش و به از طریق سه و نه امواج تصویری، منتقل کند.

ویدئو کاست هم دستگاهی است شیوه بیضی صوت که بر تنهای های مطلوب را غلط گردید و روی صفحه تلویزیون بخش می کند. پیکر گاوهای را به کمک یکی از دوستان پوست آنها را نشان دهد، باید گاوهایی با ایجاد حقیقتی سازد و آنبارا بر صحنه ای واقعی قرار دهد آنگاه بخش اصلی کار خود را که نمایش هترمند خود «کلودسن استاسار» ساخته است.



جنگ میلیون!

سر باز دول متفق آمریکا ۴۱۷۰۰ نفر

جنگ و یتنام از طرف فرانسه نیروی های آمریکا در یتنام منتشر شد. ملیق این امار از آغاز جنگ تا روز انتشار بیان، یک میلیون کشته شده اند به این ترتیب: ویتنامی و کمونیست ویتنام کشته داشتند. دو میلیون نفر در جنگ کشته داشتند. ۸/۵ میلیون نفر در کره کشته شدند. ۶۰۰ میلیون نفر در چنگ اول جهانی و تقریباً سی میلیون نفر هم در چنگ دوم، بین سالهای ۱۹۴۵ تا ۱۹۳۹ نفر هم در چنگ دوم، بین سالهای سر باز آمریکائی ۴۵۶۰۰ نفر

جين فاندا، مدافع صلح واستقلال

کمتر کسی توقع داشت که از آمریکا، و بخصوص از میان زنان هریشیه، ناگفان کسی پیدا شود که فلم بیلان بر شیوه زندگی و حرفة خود بکشند، از آنها لروت و تجمل و «زندگی شیرین» دست بردارد و به فعالیت شدید و جندی و حتی خشن، در راه افکار خد چنگ ببردازد، بین فاندا چین کرد، او، هرچند درست رکی از امریکایی هایشان هریشگان سینمای آمریکا بود، اما شهرتی که به دست آورد، فقط مدیون هنر و استعداد خودش بود و در کار سینما و هنریشگی هیچ کمکی از پدر نمایم آور خود تکریت. جین فاندا به مدد همین هنر و استعداد، خیلی به سرعت پیش رفت و تبا ظرف دو سال خود را به آخرین مدارج شدت رساند، مستعدش بالا رفت، قراردادهایش پیشتر و پیشتر شد اما کسی تهمید که چه تحولی ناگفان در این دفتر شوخ و شیطان، در این بتساخه بستگی چون روزه وادیم به وجود آمد که یکباره عطف عنان کرد و بی آنکه نست از سینما بردارد، به جانب سیاست و مسائل جهانی متعامل شد، شاید ورود او به مخالف روش نگرانه اروبایی، از طریق شوهرش روزه وادیم بی تائیر نیو، اما چین حتی دیگر به روزه وادیم هم چنان نمی برد، در هیچ جا قرار و آرام نداد. هر کجا گفراشی، تجمعی و تفاہاتی علیه چنگ و بتنام، تعیش نزدی و هر مساله مبنایا به دیگری باشد، بین هم بلاقالمه حاضر می شود و همه جا هم مقدمش را سخت گرامی می دارند زیرا گذشته از آنکه چین یک مبارز فعال و صمیمی است، خودش در چین فعالیتیابی، استفاده تبلیغاتی سیار دارد.

آن جمله چندی پیش که در پاریس مجمع جهانی برای صلح و استقلال ملتیها در تصوری، اورا در گنار «لیار آلوارز» خواهر اولین سر باز آمریکایی گذشت و چین بريا شد، جین فاندا هم به سرعت خود را به آخرین جله که مهمترین مساله نیز بود رساند و تلقی بر شوری ایراد کرد، چین در این سفر، لباس سیار ساده و سانت زنانی شده، و پدر و همان هایر، هم بینید.

رئیس جمهوری مدر فیست



کمونیستهای تاجر

چین بعد از موقعيتی که در زمینه دیپلماسی بین المللی و شناخته شدن توسط بسیاری از کشورها و راه یافتن به سازمان ملل پادست آورد، اینکه به شدت در کار توسعه با پار تجارت خود با کشورهای جهان سرمایه داری است و بیشتر رابطه تجاری با غرب را هم از طریق مرکز پاریس انجام می دهد منجمله در نمایشگاه معروفی که هر سال در فرانسه برپا می شود و «فوار دوپاری» نام دارد، امسال غرفه ای به مساحت پنج هزار متر مربع اجاره گردید است تبا رقب چین در این زمینه (فقط در مورد مساحت) آلمان شرقی است که غرفه اش ۹۰۰۰ متر مربع و سمعت دارد.

سفرای یازرگانی مانو در این نمایشگاه بیش از هزار نوع کالای ساخت کشور خود را به مردم معرفت نمایش کردند. این همان کاخ و همان اتفاقی است. مبلغ جویی استیل لوی چهارده و پانزده میلیون ریالی و میزهای هشت کاری، چلچراغهای ظیم و پلاستیک شفاف و نور قائمی و موکبای رنگین داده است، پیشتر دکور اورورای فرانس و افراطی ترین مدلریست ها دست به دست آوردند و آبارنامی به وجود آورده که مطبوعات به آن نام عده هنر درون داده اند. ایران چندی تجارتی و نمایش کالا ندارد، بلکه فقط دران تبلیغات جهانی کردی انجام می شود.

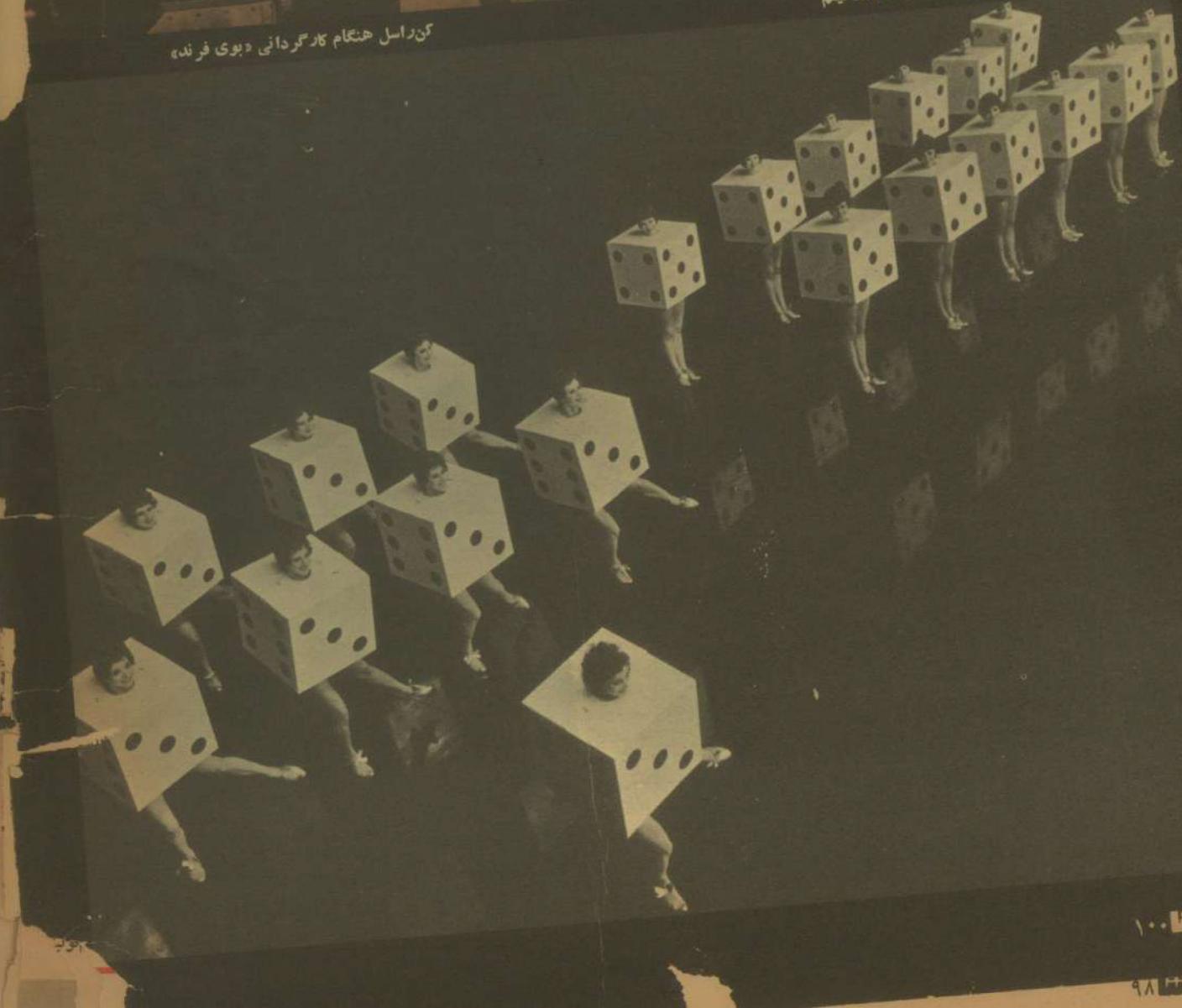
بُوي فرنـد

بازگشتی به دوران
طلائی موزیکالهای
هالیوود
آنطور که کن راسل
آنرا امی بیند

«اطینان در اعداد» یکی از قطعات رقص و آواز فیلم



کن راسل هنگام کارگردانی «بُوي فرنـد»



قابل تصوری ارائه میکننداما
گزارش‌های رسمی که تا ظهر
روز سهشنبه ۲۲ فروردین-
آخرین لحظاتی که این صفحات
زیر چاپ میرفت - بنست ما
تعداد تلفات زلزله فارس را
خیلی بیش از حد واقعی گزارش
میدهند و آمار و ارقام غیر
دوهزار نفر تخمین زده است.

زمنی فرید و زندگی انسانها را زیر رو کرد...

... و این انسان رحمتکش دبرا بر قبر طبیعت، جراشک چه میتوانست نثار کند؟



بر بالای جسد از دست رفته اتفک حرث میرید

مداد دو شنبه هنگامیکه زنان و
در خواب بودند و مردان راهی
شده بودند زلزله شدیدی بخشی
را لرزاند و خسارت‌های فراوان
داشت.

زلزله در ساعت پنج و سی و هفت
مداد دو شنبه در منطقه‌ای بنام
رژین) از توابع فیروزان آباد و در
کصد و شصت کیلومتری جنوب
پیراز روی داد.

زلزله دهکده‌های اطراف(قیر و
روستاهای (هنگام آباد)
(آباد) و تنکر رون(قیر) را خراب
وهی از ساکنان این منطقه را
رد و کشت.

زلزله منطقه‌ای بطور ۵۰ و عرض
مترا در بیر گرفت. و تاسعاع
بلومتر لرزه آن احساس شد.
سلی زلزله روستای (قیر) است
زمین در همینجا نشانه‌های
رجای تهداد است.

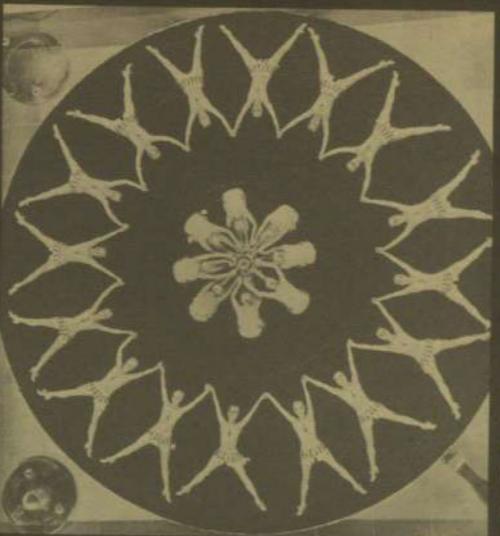
دت زمین لرزه شدت از ۹ تا ۱۰
پیسم منطقه را از کار انداخت.
و سسه ۷ توقيزیک دانشگاه تهران
زیک دانشگاه پهلوی قدرت
رشنبه فارس را هفت درجه و در
مین لرزه شدت از ۹ تا ۱۰
ارش داده اندشت زلزله فارس
۸ سال ۱۳۲۱ قدری بیشتر و از
ی خراسان و قزوین قدری
بود. خبر و قوع زلزله در ساعت
سی دقیقه پامداد بوسیله خلبان



مجروح، خانمان بر باد رفته، حیرت‌زده می‌پرسد: چه بالای برسما فرود آمد؟

فاجعه‌ای در فارس

**زمین لرزه فارس از لحاظ شدت و شعاع عمل، سومین
زلزله بزرگ بیست سال اخیر در ایران است**



۴۴ رقصه در روی صفحه دوار یک گرامافون
خطیم به نمایش می‌برد از ند

برای اولین بار در اوریل ۱۹۵۳ به عنوان یک می‌سینی
موذیکال در یک تالار کوچک لندن به روی صحنه آمد،
پس از آن با تجدیدنظری که روی آن شد به صورت
یک نمایش کامل در آمد و به تالار ویندهام در تاریخ‌ای
از «وست‌اند» رفت و در آنجا مدت ۵ سال روی
صحنه بود. در این ضمن، این نمایش در بروکوی
بروکی صحنه آمد (۱۹۵۴) و مدت دو سال به طول
انجامید، و سبب شد تا جولی اندرورز یازیکر نقش
اول آن یادینما راه یابد و شهرت و محبویتی
علمگیر کسب کند. سیس در سال ۱۹۵۸ این
نمایش در خارج از بروکوی بروی صحنه آمد و دو
سال دیگر نمایش آن ادامه یافت. بعداً در پایان
سال ۱۹۶۰ آنرا در لندن به معرض تعاشا گزارند
و از آن پس مرتباً در کشورهای دیگر و سراسر
انگلستان به نمایش درآمد و همواره با موفقیتی
عقلیم و بیرون بود. عاقبت هم مورد استفاده گروههای
آماتور فرار گرفت. و یا این ترتیب میلیونها نفر
آنرا تعاشا کردند.

اکنون کن راسل تبیه‌کننده و کارگردان
انگلیسی فیلمی عقلیم با شرکت توئیگی از روی این
الر ساخته است. بی‌ترزید و با کمال اطمینان
می‌توان گفت یکی از کسانی که در یکی دو سال
آخر کوشش بسیار کرد و همه امکانات را به کاربرد
نا مردم را برای رفتن یادگاری سینما تحریص کند و
آنرا وادارد تا پولنایشن را به گیشه‌های سینما
بربرند کن راسل بود.

توئیگی و کریستفر سیبل در حال رقص روی صفحه دوار
یک گرامافون خطیم



راسل می‌گوید: «فکر کردم اگر بروم آنرا بهینم شاید بدرد بعورد. بازیگران از بودن من در آنجا یا خبر شدند و فی الواقع سنت تمام گذاشتند. هنگام انتراکت مرای براش مژده خود را که در آنها اراده می‌داد، زنده می‌کند. بهشت صحنه دعوت کردند و خلی خوش گذاشت. نمایش واقعاً خوبی هم بود! مضجع اینجا بود که گوجه من بین تماشگران نشسته بودم، در فکر خود صحنه‌های را که می‌خواستم کارگردانی کنم مجسم می‌کردم. و بهاین ترتیب بود که کار اکتر دولتل افریده شد.»

دولتل در فیلم ترسیم گر کامل کن راسل در سالن تئاتر چشیده است. او کارگردانی است که برگلی در فیلم «بیوی فرنز» ساخت مورد ستایش را برای یک شب نشیتی تعویل دهد که بینالیا یک کشش دوجانبه او پی او اوان دو صدائی «می توام با تو خوشبخت شوم» را می‌خواند. پای درمی‌پاید که اکتون او هم یک دوست پسر دارد. اما پدر پلی مرد ژروتمندی است و توینی یک پادوی ساده بینیست... اما در پایان اشکار می‌شود که او در حقیقت فرزند لرد ولیندی برآمده است. برای پدر پلی هم حاده‌ای عشقی پیش می‌آید و آن زمانی است که عشق قدیمی او نسبت به مدیره مدرسه دویار ازین داستان از نمایش اصلی در داستانی از «زنده‌گی واقعی» - زانیده فکر کن راسل - در ها بافت شده است. و بازیگران آن، هم کار اکترها واقعی هستند وهم بازیگران روی صحنه در «نمایش در یک نمایش».

با چینن پرداختی، و با ستاره‌ای که راسا در باره‌اش می‌گوید: «اولمیلین مونو روی دیگر خواهد شد». و تنه چند بازیگران بر جسته دیگر چون کریستنر گیبل، باربارا وینزور، مکس آدرین و رقص بلند آن امریکانی تامی تیون. کن راسل با آنچه باساختن این فیلم آرزویش را داشت دست یافته؛ بلکه موزیکال صحنه‌ای سالیاهی ۱۹۴۵ بزرگداشت فانتزی‌های سینماتی افرادی چون بازیگر کلی، و هجوم‌های برای تمام واقعی پشت صحنه موزیکال. های هالیوود در همه دوران. و بالاتر از همه کن. راسل با ساختن این فیلم درد بازگشت به دوران گذشته را در خود تسکین یافتند.

ترجمه ازاد آن: ب. سین

کریستنر گیبل و توینی آوان دو صدائی «می توام با تو خوشبخت شوم» را اجرامی کنند

هستیم، برای سینما و های قدری تر خاطره سکاتسیهای بازیگر کلی (طراح رقص و کارگردان آمریکانی بین سالهای ۱۹۴۹ - ۱۹۲۰) موزیکالی را که در آنها اراده می‌داد، زنده می‌کند. قطعاتی چون «خیابان چهل و دوم»، «خانمها»، «روزه چراغ‌های صحنه»، «رسوایهای رومی» و «کاشفان طلا»، از سریهای ۱۹۳۰، و یهودیان آن «بچه‌های مسلح» و «اوکستر یتواد» با شرکت جوادی گارلند و میکریونی.

کاملاً اشکار است که بازیگر کلی (که اکتون ۷۶ سال از عرض می‌گذرد) سخت مورد ستایش کن راسل است و تائیر کارهای عظیم و افسر اطی برگلی در فیلم «بیوی فرنز» او مشاهده می‌شود. مثلاً در قطعه شاد «می توام با تو خوشبخت شوم» توینی و کریستنر گیبل - دو قهرمان اصلی فیلم - و روسی یک صفعه دوار گرامافون عظیم پر رقص و برقدار خیره‌گشته، با قرشتایی بالای سرشان و بازتاب در اینه آندو را احاطه کرده‌اند. از است) این نمایش موزیکال را روی صحنه می‌بیند - پیشتر قسمتی از یک کار عادی و ساده است، ذیرا این نمایش در اصل مجموعه‌ای است که از نمایع دیگر گرفته شده و هیچگاه برای یک اراده وسیع در نظر گرفته شده بوده است. ما تماشگران، قیلاً با بازیگران تأثر - با همه وقایتها، حسادتها و رفتار و سلوک مربوط به آسان - در پشت صحنه آشنا شده‌ایم، و اکتون همچنانکه پرده بالا می‌رود، ما آنان را تا روی صحنه دنیا می‌کنیم تا به خاطر حدود ۳۰ نفری که در سالن تأثر نشته‌اند بازی می‌لی بر تاعه عادی و روزمره خود را اجرا کنند. صافی روی صحنه همواره رخ می‌دهد. سیبل سرمه اول نمایش، هنگامی که ذن اول را (که از او متنفس است) می‌پسند کنده می‌شود. کلفت نمایش، که کرده است، ولي انتظار می‌رود که نتش توینی - برآمده‌ای خود را تا آخرین نت بالا ببرد، متوجه می‌شود که پیانیست، بیجای اینکه او را کمک کند، مشغول نواختن قطعه دیگری شده است.

لیکن «دولتل» ناگهان در عالم خیال، این نمایش عادی و ساده‌ایکه به‌کلی بدی هم‌اجرامی شود، با صورت یکی از نمایش‌های پر شکوه و عظیم هالیوودی مجسم می‌کند که خود بپرورد پرده سینما اورده است و بدین ترتیب «بیوی فرنز» کن راسل آن طرف می‌لغزد، در حالیکه توینی روی یک ماه

قطعه «بیوی فرنز»

